

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی (۲)

سال دوم آموزش متوسطه

رشته ادبیات و علوم انسانی

این کتاب در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ بازنگری شد و در اصلاح آن از نظرات دبیرخانه کشوری درس عربی و نیز گروه‌های آموزشی و دبیران مجرب عربی استفاده شد.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

نام کتاب: عربی (۲) سال دوم دبیرستان - ۲۲۴/۲

مؤلفان: حبیب تقوایی، علی چراغی، حمیدرضا حیدری، مرتضی طحان‌پور، اباذر عباچی، سکینه فتاحی‌زاده،

عیسی متقی‌زاده و حمیدرضا میرحاجی

بازنگری: عادل اشکیوس، حبیب تقوایی و عبدالله یزدانی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ: سید احمد حسینی

نقّاش: محمدحسین تهرانی، جعفر معدن‌دار و محمدحسن معماری

طراح جلد: علیرضا رضائی‌گر

صفحه‌آرا: علی نجمی، غزاله نجمی

حروفچین: فاطمه باقری مهر

مصحح: رعنا فرج‌زاده دروئی، شاداب ارشادی

امور آماده‌سازی خبر: فاطمه پزشکی

امور فنی رایانه‌ای: حمید ثابت کلاچاهی، پیمان حبیب‌پور

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

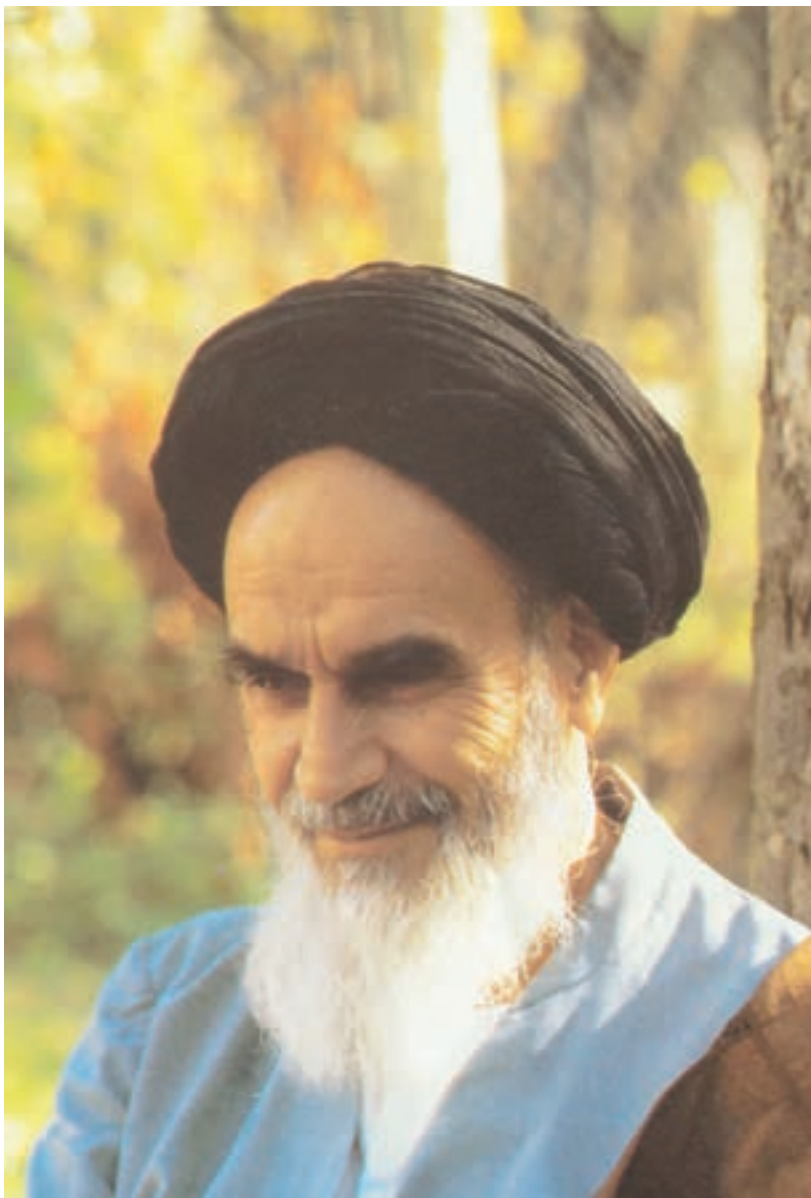
تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ شانزدهم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۳-۷۲۵-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-0725-3



نگوید که لغت عربی هم از ما نیست؛ لغت عربی از ماست؛
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.
امام خمینی (رحمة الله علیه)

فهرس الكتاب

الصفحة	القواعد	الدّرس
٢	التذكّار (١)	الدّرس الأوّل
١١	التذكّار (٢)	الدّرس الثاني
٢٣	المعرفة و النكرة	الدّرس الثالث
٣٠	أنواع الإعراب (١)	الدّرس الرّابع
٤١	أنواع الإعراب (٢)	الدّرس الخامس
٥٤	إعراب الفعل المضارع (١)	الدّرس السّادس
٦٢	إعراب الفعل المضارع (٢)	الدّرس السّابع
٧٢	المبنيّ للمعلوم و المبنيّ للمجهول	الدّرس الثامن
٨٢	العدد	الدّرس التّاسع
٩٤	الأفعال الناقصة	الدّرس العاشر
١٠٢	الحروف المشبّهة بالفعل	الدّرس الحادي عشر

١١٠	أفعال المقاربة	الدَّرْس الثاني عَشْرَ
١٢٢	المفعول فيه	الدَّرْس الثالث عَشْرَ
١٣٠	الصِّفَة و الموصوف	الدَّرْس الرابع عَشْرَ
١٣٩	الإضافة	الدَّرْس الخامس عَشْرَ
١٤٩	التَّصْغِير، التَّسْبِبة	الدَّرْس السَّادس عَشْرَ
١٥٨		المُعْجَم

مقدمه

حمد و ثنای بی حد و حصر خدای را که ما را از اُمت خاتم پیامبران قرار داد و توفیق خدمت به زبان قرآن، این معجزه همیشه جاوید را نصیب این بندگان گردانید تا با برنامه‌ریزی و تهیه کتاب‌های مناسب، زمینه‌آشنایی با این زبان مقدس را برای نوباوگان و جوانان دانش‌آموز فراهم سازیم.

رشته ادبیات و علوم انسانی رشته‌ای بسیار با اهمیت است. به همین دلیل، از مدت‌ها پیش تصمیم گرفته شد کتاب‌های عربی این رشته با رعایت اصول برنامه‌ریزی درسی و در نظر گرفتن نیازها و علایق دانش‌آموزان، به‌طور مستقل تألیف شوند.

ویژگی‌های کتاب

- ۱- در انتخاب و تولید متون از موضوعات متنوعی استفاده شده است.
 - ۲- بخش قواعد کتاب عمدتاً به شیوه استقرایی و به کمک تحلیل نمونه‌ها و استفاده از شیوه مقایسه نگاشته شده است. در این شیوه فرصت‌های مناسبی برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری فراهم آمده و مطالب با تکیه بر آموخته‌های قبلی و با سیر از ساده به پیشرفته تنظیم گردیده است و برای سهولت بیشتر آموزش، از جدول، کادر و تصویر بهره گرفته شده است تا نکات دستوری به شیوه‌ای جذاب، شیرین و قابل درک و فهم در اختیار دانش‌آموز قرار گیرد.
 - ۳- از آنجا که اصلی‌ترین هدف آموزش زبان عربی فهم متون دینی است، تمرین‌هایی با عناوین «کارگاه ترجمه»، «الأضواء القرآنية» و «في رحاب نهج البلاغة» در نظر گرفته شده است.
- در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته کلمات و عبارات به کار رفته در «الأضواء القرآنية» و «في رحاب نهج البلاغة» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در متن دروس به کار رفته باشد. و از این رو در هرگونه ارزشیابی کتبی، ترجمه کلمه‌های این قسمت‌ها لزوماً مورد نظر نیست.

چند توصیه به همکاران

۱- در این کتاب سعی شده است در آرایه قواعد هر درس ضمن تکیه بر اطلاعات قبلی، با استفاده از تصاویر و مثال‌های مختلف و ارتباط قواعد با محیط اطراف، دانش‌آموز را به فضای قواعد نزدیک‌تر نماییم که البته این روش محدود به مثال‌ها و روش‌های ذکر شده نیست، بلکه الگویی است برای حرکت همکاران در این راستا به منظور نیل به ابتکارات و الگوهای جدید.

۲- لازم است در تدریس کتاب، بیشترین سهم به دانش‌آموزان اختصاص یابد و تا جایی که ممکن است، معلم نقش راهنما را به عهده داشته باشد. فعال بودن دانش‌آموز در امر یادگیری به‌ویژه در کسب مهارت‌های اساسی، از رویکردهای تعلیم و تربیت کنونی است.

۳- آنچه به آرایه درس غنا بخشیده و سهم مهمی در تفهیم مطالب ایفا می‌کند، استفاده معلم از وسایل کمک آموزشی است. هرچند کمبود وسایل کمک آموزشی در درس عربی را نمی‌توان انکار کرد، اما این امر نمی‌تواند مانع فعالیت و خلاقیت معلم شود. چه‌بسا بتوان از وسایل ابتدایی آموزش نظیر چند قطعه گچ رنگی و تخته سیاه همراه با پرسش‌های دقیق و هدایت‌گر، بهترین بهره را برده و دانش‌آموز را به شرکت در فرایند یادگیری تشویق کرد.

۴- در آرایه درس از روشی مشارکت‌جویانه و دوسویه استفاده شده و فرصتی برای دانش‌آموز فراهم آمده تا خود مراحل یادگیری را طی کند. لذا شایسته است مربیان ارجمنند نیز به دانش‌آموز فرصت داده تا به تدریج، خود مراحل آن را طی کند.

۵- با توجه به ضرورت مشارکت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب کتاب و توضیح کلمات جدید و دشوار متن‌ها و تمارین در پایان کتاب، از دبیران گرامی انتظار می‌رود که ترجمه متن‌ها و تمارین را به‌عهده دانش‌آموزان واگذار نموده و خود نقش مُصحح را در ترجمه دانش‌آموزان ایفا نمایند.

۶- بار اصلی آشنا کردن دانش‌آموزان با زبان وحی و علاقه‌مند نمودن آنان به این زبان، بر دوش دبیران زحمتکش و دلسوز میهن اسلامی است و هیچ کتابی هرچند کامل و بی‌نقص هم باشد، قادر به

انجام این مهم نیست. از این رو، از دبیران ارجمند انتظار دارد که ضمن وقوف بر بار سنگین مسئولیتی که بر دوش می‌کشند، هرچه بیشتر با شیوه‌های نوین زبان‌آموزی و الگوهای علمی تدریس آشنا شده و برای تدریس مطلوب کتاب‌های عربی مورد استفاده قرار دهند.

۷- در هرگونه ارزشیابی از مترادف و متضاد، لازم است که فقط از تمرینات کتاب سؤال

داده شود.

توفیق همه خدمتگزاران به زبان قرآن را از خداوند متعال خواستاریم.

گروه عربی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

سایت گروه عربی :

[www.arabic - dept.talif. sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)

الدَّرْسُ الأوَّلُ

رَبَّنَا

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً﴾
﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ
فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا، رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾
اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالثُّورَ فِي بَصْرِي وَ
التَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى لِسَانِي
وَ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.



التذكار (١)

دانستیم که

فعل ثلاثی

ثلاثی مجرد : فعلی است که اولین صیغه ماضی آن از سه حرف اصلی تشکیل شده باشد.
ثلاثی مزید : فعلی است که در اولین صیغه ماضی علاوه بر حروف اصلی یک یا دو یا سه حرف زائد داشته باشد.

الماضي المضارع الأمر (للخطاب) المصدر (الباب) الحروف الزائدة

باب های ثلاثی
مزید

أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَلْ	همزة
فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلُ	تكرار عين الفعل
فَاعَلْ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ (فَعَالٌ)	الف

یک
حرف زائد

تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ	ت - الف
تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	ت - تکرار عين الفعل
إِفْتَعَلَ	يُفْتَعِلُ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَالٌ	إ - ت
إِنْفَعَلَ	يُنْفَعِلُ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَالٌ	إ - ن

دو
حرف زائد

إِسْتَفَعَلَ	يَسْتَفَعِلُ	إِسْتَفَعِلْ	إِسْتِفْعَالٌ	إ - س - ت
--------------	--------------	--------------	---------------	-----------

سه
حرف زائد

بدانیم!

رباعی مجرد

در آیات شریفه زیر فعل‌ها را معین نموده و سپس حروف اصلی آن را مانند مثال در جای مناسب بنویسید.

﴿وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾
﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾
﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾

ن
ز
ل
أَنْزَلْنَا

.....

حال در آیات شریفه زیر پس از تعیین فعل‌ها حروف اصلی آن‌ها را در جای تعیین شده قرار دهید.

﴿الَّذِي يُوسِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾
﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾

يُوسِسُ

.....

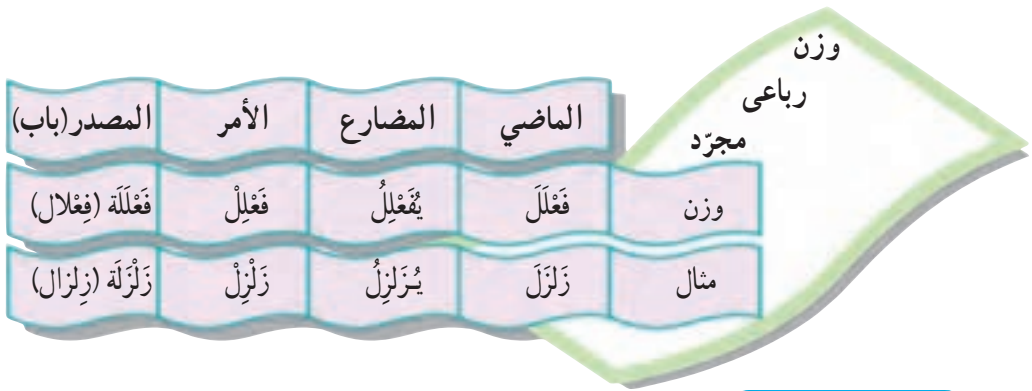
برخی
فعل‌ها چهار حرفی
هستند.

بلی، حدس شما درست است.

چه
نکته‌ای را
دریافتید؟



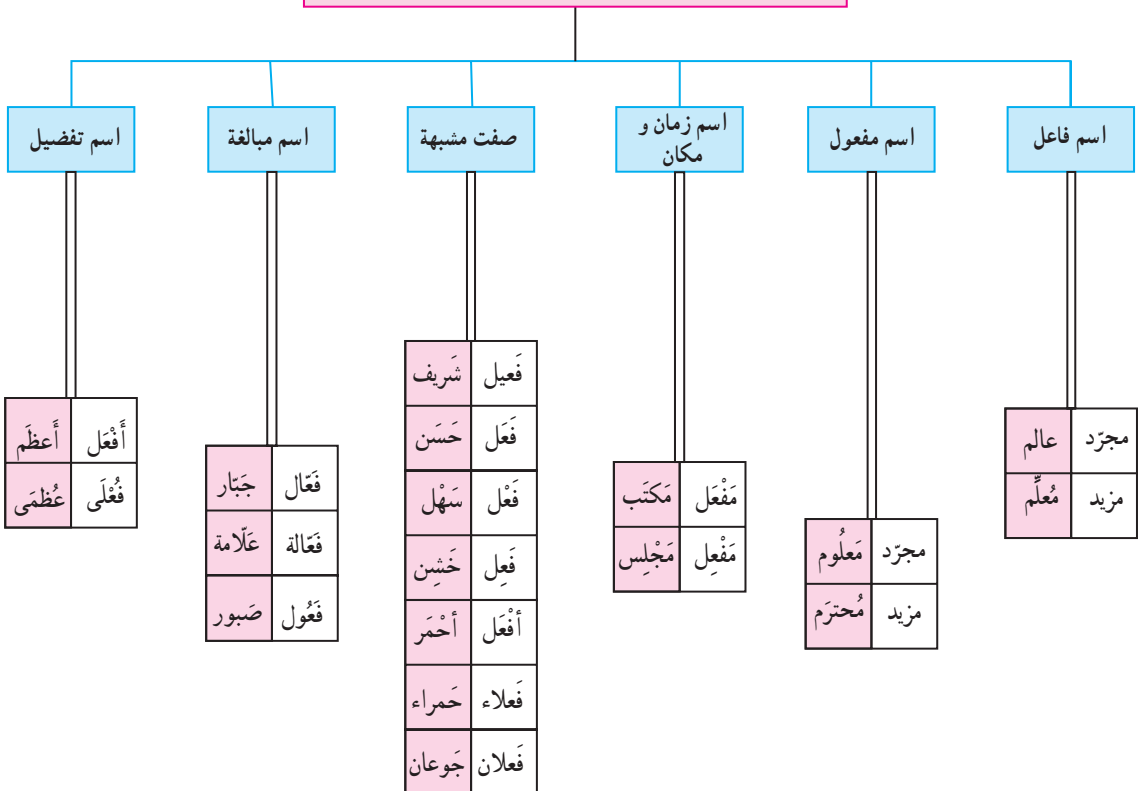
به فعلی که اولین صیغه ماضی آن از چهار حرف تشکیل شده باشد و هر چهار حرف آن اصلی باشند، «رباعی مجرد» می‌گویند.



جامد و مشتق

اسم‌ها یا «جامد»ند و یا «مشتق». مشتقات در اصطلاح علم صرف ۸ مورد می‌باشند.

انواع مشتقات در اصطلاح علم صرف



بدانیم

اسم الآلة



مِفْرَاض
مِصْبَاح
مِفْتَاح
مِنْشَار



نام هر تصویر
را پیدا کنید :

کدام پاسخ نادرست است؟

- ۱- همه این کلمات بر وزن مِفْعَال هستند.
- ۲- این کلمات مشتق اسم مکان هستند.
- ۳- این کلمات برای نامیدن ابزار و وسایل به کار می روند.

وزن «مِفْعَال» بر ابزار و وسایل انجام کار دلالت دارد. به چنین اسم های مشتقی «اسم آلت» می گویند.



دو وزن دیگر
اسم آلت

التدريب الأول

امتلأ الفراغ بما يُناسبُ المعنى :

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ ... مَنْ يَسْأَلُ﴾

نَزُقُ

﴿نَحْنُ ... كُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾

أَزُقُ

يَزُقُ

﴿و ... رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ﴾

أَذْكُرُوا

﴿يَا قَوْمِ ... نِعْمَةَ اللَّهِ﴾

أَذْكُرَا

أَذْكُرُ

التدريب الثاني

امتلأ المُربعاتِ مُستعيناً بالكلماتِ التي أُشيرَ إليها بِحَطِّ :

نوع المشتق اسم المفعول منه

١- ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾

نوع المشتق الحروف الأصلية

٢- ﴿وَلَا تُطْعَمُ كُلُّ خَلَافٍ مَهِينٍ﴾

وزن الكلمة الحروف الأصلية

٣- ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ﴾

نوع المشتق الوزن

٤- ﴿رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾

إنتخب الأفعال الصحيحة :

بعد مدةٍ من وفاة النبي موسى (ع)

ضعف بنو إسرائيل و(غلبه كردند) الأعداء

عليهم فقالوا : اللهم (مبعوث كن)

فينا قائداً يجمعُ القومَ تحتَ قيادتهِ . فد(فرستاد)

اللهُ إليهم طالوتَ . (مجهز كرد) طالوتُ

جيشاً ليُحاربَ الأعداءَ .

○ غَلَبَ ○ يَعْلِبُونَ

○ ابْعَثْ ○ ابْعَثُوا

○ أَرْسَلْ ○ أَرْسَلُوا

○ جَهَّزْ ○ جَهَّزُوا

ذَهَبَ الْجَيْشُ إِلَى نَهْرٍ

قَالَ طَالُوتُ (ننوشيد) مِنْ هَذَا الْمَاءِ .

قَالَ بَعْضُهُمْ (تحمل نمی کنیم) الْعَطَشُ وَ تَشْرَبُ

مِنْ مَاءِ النَّهْرِ . فَقَالَ لَهُمْ طَالُوتُ (خارج شويد)

مِنْ الْجَيْشِ . أَرَادَ طَالُوتُ أَنْ يُجَرِّبَ الْجُنُودَ .

○ لا تَشْرَبُوا ○ لا تَشْرَبْ

○ لا يَتَحَمَّلُ ○ لا يَتَحَمَّلُوا

○ أُخْرِجُوا ○ أُخْرِجُوا

لأنَّ الطَّاعَةَ وَ الشَّجَاعَةَ فِي الْجَيْشِ أَهَمُّ مِنَ الْعُدَّةِ وَ الْعَدَدِ .

التَّهْرِينُ الرَّابِعُ

للتعريب :

- سلام عليكم .
- عليكم السلام . حال شما چطور است؟
- الحمد لله . خوب هستم .
- از دیدار شما خوشحالم .
- سپاسگزارم . چرا علوم انسانی را انتخاب کردی؟
- من ادبیات فارسی را خیلی دوست دارم .
- کلید فهم ادبیات فارسی چیست؟
- زبان عربی .
- بلی، درست است.^۱

التَّهْرِينُ الْفَارِسِيّ

عَيِّنِ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ : (=، ≠)

أعداء أصدقاء	ليل نهار	رؤوف رحيم
مسرور حزين	أراد طلب	بعث أرسل
حسنة سيئة	آتنا أعطنا	نور ضوء

۱- خوب هستم : أنا بخير - دیدار : زيارة، رؤية - خوشحال : مسرور - انتخاب کردی : انتخبت - ادبیات فارسی :

- در ترجمه باب «تفاعل» معمولاً از کلماتی نظیر «باهم، با یکدیگر» استفاده می‌کنیم :
تَعَاوَنَ النَّاسُ لِبِنَاءِ الْمَسْجِدِ : مردم برای ساختن مسجد با یکدیگر همکاری کردند.
- در ترجمه باب «مفاعلة» معمولاً میان فاعل و مفعول به از کلمه «با» استفاده می‌کنیم :
كَاتَبَ مُحَمَّدٌ سَعِيدًا : محمد با سعید نامه‌نگاری کرد.
- در ترجمه اسم فاعل معمولاً از صفت فاعلی فارسی استفاده می‌شود : عالم : دانا،
مُقاتِل : رزمنده
- در ترجمه اسم مفعول معمولاً از صفت مفعولی فارسی استفاده می‌شود :
مقبول : پذیرفته، پذیرفته شده – مُستخرَج : استخراج شده

لِلترجمة

إقرأ العبارات التالية ثم عين ترجمتها الصحيحة :

- ۱- ﴿و لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
 (الف) با اهل کتاب جدل نکنید مگر به روشی که نیکوتر است.
 (ب) اهل کتاب با یکدیگر مجادله نمی‌کنند مگر به روشی که بهتر است.
- ۲- ﴿و ما تُرسلُ المرسلين إلا مبشرين و مُنذرين﴾
 (الف) پیامبران را نفرستادیم جز آنکه به آنان مژده داده شده و هشدار دهنده باشند.
 (ب) فرستادگان را نمی‌فرستیم مگر آنکه مژده دهنده و هشدار دهنده باشند.
- ۳- ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾
 (الف) در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید.
 (ب) در امر نیک و پرهیزکاری کمک کنیم.

للتَّرجمة إلى الفارسية عباراتٍ مألوفةٍ :

* الفَنَاعَةُ كَثْرٌ لَا يَنْفَدُ .

* صِحَّةُ الْجَسَدِ مِنْ قِلَّةِ الْحَسَدِ .

لا يَنْفَدُ : تمام نمی شود .

الف) مناسب ترین ترجمه را انتخاب کنید :

﴿ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ (البقرة / ۲۸۳)

الف) و خداوند بر آنچه انجام می دهید، آگاه است.

ب) و خداوند بر آنچه نمی دانید آگاه است.

ب) با توجه به لای نفی و نهی، کدام آیه درست ترجمه نشده است؟

﴿ ... لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴾ (یونس / ۴۹)

سود و زبانی برای خود ندارم.

﴿ لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ ﴾ (النساء / ۱۴۴)

کافران را به دوستی نمی گیرید.

الدّرس الثانی

التذکار (۲)

دانستیم که

ضمیر

کلمه ای است که جانشین اسم ظاهر می شود و از جهت عدد و جنس با آن مطابقت می کند.

انواع ضمیر

متصل

منفصل

منصوب أو مجرور

مرفوع

منصوب

مرفوع

ها	ه
هما	هما
هنّ	هم
ك	ك
كُما	كُما
كُنّ	كُم
ي	
نا	

-	-
ا	ا
ن	و
نِـي	تَـ
تما	تما
تَنّ	تَم
تُ	
نا	

إياها	إياه
إياهما	إياهما
إياهنّ	إياهم
إياكِ	إياكَ
إياكما	إياكما
إياكنّ	إياكم
إياي	
إيانا	

هي	هو
هما	هما
هنّ	هم
أنّ	أنّ
أنّما	أنّما
أنّنّ	أنّم
أنا	
نحن	

اسم موصول، اسمی مبهم است که معنی آن به کمک جمله بعد از خودش مشخص می‌شود.

جمع	مثنی	مفرد			انواع اسم موصول
الَّذِينَ	الَّذَانِ «الَّذَيْنِ»	الَّذِي	مذكر	خاصّ	
اللاتي	اللتانِ «اللتينِ»	التي	مؤنث		
		«مَنْ»	عاقِل	عامّ	
		«مَا»	غيرعاقِل		

صَله موصول : جمله و یا شبه جمله ای است که بعد از اسم موصول می‌آید و ابهام آن را برطرف می‌کند؛ مانند :

أَحْتَرُمُ الَّذِي يَقُولُ الْحَقَّ. ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾

مبنی

کلمه‌ای است که حرکت آخر آن در شرایط مختلف، ثابت باشد.

معرب

کلمه‌ای است که علامت اعراب آن، متناسب با موقعیت جمله، تغییر کند.

انواع بناء

سکون

◌ْ

کسر

◌ِ

فتح

◌َ

ضمّ

◌ُ

انواع اعراب

جزم

◌ْ

جرّ

◌ِ

نصب

◌ِ

رفع

◌َ

انواع کلمات مبنی

حرف

حروف : همه آنها

فعل

- ۱- ماضی : همه صیغه‌ها
- ۲- امر : همه صیغه‌ها
- ۳- مضارع : دو صیغه
- جمع مؤنث

اسم

- ۱- ضمیر
- ۲- اشاره
- ۳- موصول
- ۴- شرط^۱
- ۵- استفهام

۱- «اسم شرط» را در درس هفتم خواهیم آموخت.

جمله ای است که معمولاً با فعل آغاز می شود.

ارکان جمله فعلیه

فاعل

فعل

انواع فعل

متعدی

لازم

مفعول

فاعل

فعل

فاعل

فعل

اسم ظاهر: «جاء الحق».

ضمیر بارز: الْمُؤْمِنُونَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ.

ضمیر مستتر: يَا عَلِيُّ اَكْتُبِ التَّمْرِينَ (أَنْتَ).

انواع
فاعل

اسم ظاهر: خَلَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ.

ضمیر بارز: اللَّهُ يَنْصُرُكَ.

مفعول به

جمله‌ای است که معمولاً با اسم آغاز می‌شود.



الطالبُ جالسٌ.	مفرد	انواع خبر
الطالبُ يقرأُ الكتابَ.	جمله	
جاءَ و مجرور : الكتابُ في المَحْفَظَةِ. ظرفٌ : الكتابُ هناكَ.	شبه جمله	

گاهی خبر بر مبتدا مقدم می‌شود مخصوصاً زمانی که :
خبر شبه جمله و مبتدا اسمی نکره باشد.

خبر مقدّم

كتابٌ .	هناكَ	في المحفظةِ	كتابٌ .
مبتدای مؤخر	خبر مقدّم	مبتدای مؤخر	خبر مقدّم

أَنْتِ عِطْرُ الْيَاسْمِينِ

أَيْهَا الثُّورُ الْمُبِينُ مِنْ إِلِهِ الْعَالَمِينَ
وَالصُّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ فِي ضَمِيرِ الصَّالِحِينَ
أَنْتِ مِصْبَاحُ الْيَقِينِ فِي قُلُوبِ الْعَاشِقِينَ
أَنْتِ نَبْضُ فِي الْقُلُوبِ أَنْتِ عِطْرُ الْيَاسْمِينِ
كُلَّمَا زَادَ الْحَنِينَ لَكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِينَ
بِاسْمِكَ الْحُلُوهْتُنَا يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ
قَدْ حَلَمْنَا فِيكَ دَوْمًا وَ أَنْتَظَرْنَاكَ سِنِينَ
تَمَلُّ الأَرْضَ بَعْدِلِ بَعْدَ جَوْرِ الظَّالِمِينَ

دَمْعَةُ الْفَرَحِ

فِي الْمَسْجِدِ

فِي يَوْمٍ مِنَ الْآيَاتِ سَمِعَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ كَلَامَ الرَّسُولِ الْأَكْرَمِ (ص) وَهُوَ يَنْصَحُ
الْمُسْلِمِينَ وَيُسَجِّعُهُمْ عَلَى الصَّدَقَةِ.

فِي الْبَيْتِ

لَمَّا رَجَعَ الصَّحَابِيُّ إِلَى كُوخِهِ الصَّغِيرِ وَشَاهَدَ فِيهِ حَصِيرَهُ الْمُنْدَرِسَ وَجَرَّتَهُ
الْخَرْفِيَّةَ حَزَنٌ كَثِيرًا عَلَى أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِعْطَاءِ الصَّدَقَةِ.

بعد الصلَاة

رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ جَارِيَةٌ مِنْ عَيْنَيْهِ :
اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لَا أَمْلِكُ مَا أَتَصَدَّقُ بِهِ فِي سَبِيلِكَ وَ لَكِنِّي يَا رَبِّ رَضِيْتُ
عَنْ كُلِّ مَنْ شَتَمَنِي وَ ظَلَمَنِي فَأَطْلُبُ مِنْكَ أَنْ تَجْعَلَ رِضَايَ صَدَقَةً فِي سَبِيلِكَ .

في الصَّبَاحِ

خَاطَبَ الرَّسُولُ (ص) الْمُسْلِمِينَ وَ قَالَ :
لَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ أَنَّ أَحَدَكُمْ قَدْ تَصَدَّقَ بِعَرَضِهِ وَ قَدْ قَبِلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ وَ
بَشَّرَهُ بِالرِّضْوَانِ .
سَمِعَ الصَّحَابِيُّ قَوْلَ الرَّسُولِ (ص) فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ... إِنَّهَا دَمَعَتْ فَرِحَ هَذِهِ
الْمَرَّةَ!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- متى نَهَيْتُ بِاسْمِ الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ؟
- ٢- ماذا يفعل الإمام عند ظهوره؟
- ٣- لماذا حَزَنَ الصَّحَابِيُّ لَمَّا رَجَعَ إِلَى كُوخِهِ؟
- ٤- بماذا أَخْبَرَ جِبْرِئِيلُ الرَّسُولَ (ص)؟

املا الفراغ بالكلمة المناسبة :

١ الفعل اللازم
.....

٢ الفاعل، اسم ظاهر
.....

٣ المفعول، اسم ظاهر
.....

٤ المفعول، ضمير متصل
.....

٥ الفاعل، ضمير بارز
.....

٦ الفاعل، ضمير مستتر
.....

تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِكُمْ .
رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ .
مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمَهُ اللَّهُ .

التمرين الثاني

أكمل الجدول التالي حسب الآيات :

﴿ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ • وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ • الَّذِي أَنقَضَ ظَهْرَكَ • وَرَفَعْنَا

لَكَ ذِكْرَكَ ... ﴾

فعل مضارع	فعل مزيد	مفعول به	فاعل ضمير مستتر	فاعل ضمير بارز	ضمير متصل	فعل مبنى	فعل معرب
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

التمرين الثالث

ضع في الفراغ الفاعل المناسب مما بين القوسين :

- ١- صدقت ... في حديثها. (الطالب، الطالبة، الطالبة)
- ٢- أكتب ... دروسك. (ي، ن، ل)
- ٣- وصل ... إلى مكة. (الحجاج، الحجاج، الحجاج)
- ٤- السمكتان تسبح ... ن في النهار. (ل، و، ي)

التّمرين الرابع

عَيِّنِ الْخَبَرَ فِي الْجُمْلِ الْآتِيَةِ وَاذْكُرْ نَوْعَهُ :

١- الْأَمْهَاتُ سَاهَرَاتٌ عَلَى رَاحَةِ أَوْلَادِهِنَّ .

٢- الْفَلَّاحَانِ يَزْرَعَانِ الْأَرْضَ .

٣- ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ . (الفتح/١٥)

٤- عَلَى الْجِدَارِ صُورَةٌ .

التّمرين الخامس

عَيِّنِ التَّرَادِفَ وَالْمُضَادَّ : (=, ≠)

السَّاهِرُ النَّائِمُ	المِصْبَاحُ السَّرَاجُ	زَادَ نَقَصَ
مَلَأَ أَفْرَعُ	الجَّوْرُ العَدْلُ	لَمَّا عِنْدَمَا
شَتَمَ سَبَّ	الْفَرَحُ الحُرْنُ	دَوْمًا دَائِمًا

– اگر خبر مبتدا فعل نباشد برای ترجمه فارسی آن معمولاً از اشتقاق فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم :

التلاميذُ أملُ المُستقبلِ : دانش‌آموزان امید آینده هستند.

النَّجاةُ في الصِّدقِ : نجات در راستگویی است.

للتَّرجمة

اقرأ العباراتِ التاليةَ ثمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ :

۱- «يَوْمُ العَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الجَوْرِ عَلَى المَظْلُومِ»

- الف) روز دادخواهی از ستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است.
- ب) روز دادخواهی از ظالم دشوارتر از روز ستم بر مظلوم خواهد بود.

۲- «المؤمنُ صَبُورٌ عِنْدَ البلاءِ، شَكُورٌ عِنْدَ الرِّخاءِ»

- الف) مؤمن به هنگام سختی صبر پیشه می‌کند و به هنگام آسایش شکرگزاری می‌کند.
- ب) مؤمن به هنگام سختی شکیبیا و به هنگام آسایش شکرگزار است.

۳- «الجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الأمَّهاتِ»

- الف) بهشت زیر پای مادران جای گرفت.
- ب) بهشت زیر گام‌های مادران است.

لِلتَّرْجُمَةِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ :

* الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ .

* أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ .

جُهد : تلاش

أَنْ تَعَيْبَ : كه عيب به شمار آوری

(الف) با توجه به معنای آیات زیر، کدام کلمه می تواند جای خالی را پر کند؟

۱- ﴿ لَا ... مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ ﴾ (تَفَنِّطُونَ - تَفَنِّطُوا - إِقْنَطُوا) (الزُّمَرُ/ ۵۳)

- از رحمت خداوند نومید نشوید.

۲- ﴿ هُوَ الَّذِي جَعَلَ ... ضِيَاءً ﴾ (الشَّمْسُ - الشَّمْسِ - الشَّمْسِ) (يُونُسُ/ ۵)

- او کسی است که خورشید را روشنی بخش قرار داد.

۳- ﴿ لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ... بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ﴾ (كَمْ - كُمْ - كَمَا) (الْبَقَرَةُ/ ۲۶۴)

- صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.

(ب) ترجمه آیات زیر را بنویسید :

۱- ﴿ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴾ (طه/ ۴۷)

۲- ﴿ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾ (الْبَقَرَةُ/ ۲۸۴)

الدّرس الثالث

المعرفة و النكرة



يُبدِه كتابٌ .

في الصّفِّ طالبٌ .

- ١- دو کلمه «طالبٌ» و «كتابٌ» چه نوع کلمه ای هستند؟ اسم، فعل یا حرف؟
 - ٢- آیا دو کلمه «طالبٌ» و «كتابٌ» بر دانش آموز و کتاب معینی دلالت می کنند؟
 - ٣- منظور از «طالبٌ» و «كتابٌ» کدام دانش آموز و کدام کتاب است؟
- به اسم هایی که بر شخص یا شیء نامشخصی دلالت دارند «نكرة» می گوئیم .

آیا همه اسم ها نكرة هستند؟

به تصاویر زیر توجه کنید .



- ١- چه تفاوتی بین تصاویر ردیف اول و ردیف دوم وجود دارد؟
- ٢- آیا تصاویر ردیف اول بر خانه، نقشه کشور و کتاب معینی دلالت دارند؟
- ٣- تصاویر کدام یک از دو ردیف برای شما شناخته شده و مشخص است؟

به اسم هایی که بر شخص یا شیء مشخصی دلالت دارند «معرفة» می گوئیم .

آیا اسم‌های نکره را می‌توان معرفه کرد؟



اسم‌های نکره با دو واسطه می‌توانند معرفه شوند.

۲

نکره + معرفه = معرفه، معرفه		
كتابُ المعلم =	المعلم	+ كتابُ
قلمك =	ك	+ قلمُ
.....

۱

ال + نکره = معرفه		
الرجلُ =	رجلٌ	+ الـ
القومُ =	قومٌ	+ الـ
.....

به اسم معرفه در حالت اول «معرف به ال» و در حالت دوم «معرف به اضافه» می‌گوییم.

اما برخی از اسم‌ها به خودی خود معرفه و شناخته شده هستند، مانند:

عَلَمٌ، ضمیر، اشاره، موصول

در سال‌های گذشته با ضمائر، اشاره و موصولات آشنا شدیم.

به اسم‌هایی که بر «جنس» یک شخص یا یک شیء دلالت می‌کنند در عربی اسم جنس و در زبان فارسی اسم عام گفته می‌شوند، مانند: مرد، زن، کشور، کوه، رود.

حال اگر از میان یک جنس یک «فرد» یا یک «واحد» را جدا کنیم و نامی بر او بنهیم این نام را در عربی اسم علم و در فارسی اسم خاص می‌نامند هرچند افراد متعددی با این نام خوانده شوند، مانند: حسن، زینب، ایران، البرز، کارون. علم یکی از معارف است.

هر اسمی که جزء معارف فوق نباشد نکره است خواه تنوین داشته باشد یا نداشته باشد.



لا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيِّ وَفَقِيرٍ

سَلَّمَ رَجُلٌ فَقِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ. بعد مُدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَنَهَضَ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَرَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَصَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَرَحَّبَ بِهِ ...

لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَقَالَ:

«مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ».

الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ

أَخَذَتْ رَجُلٌ مُحْسِنٌ مَسْجِدًا. فَسَأَلَهُ بُهْلُولٌ^١ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ.
فَقَالَ الرَّجُلُ: أَحَدْتُهِ لِاِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.
فَصَدَّ بُهْلُولٌ اخْتِبَارَ الرَّجُلِ وَمِقْدَارِ إِخْلَاصِهِ فِي الْعَمَلِ. فَكَتَبَ فِي لَيْلَةٍ عَلَى
جِدَارِ الْمَسْجِدِ:

«قَدْ أَحَدْتُ هَذَا الْمَكَانَ الْمُقَدَّسَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ بُهْلُولٌ».
فِي الصَّبَاحِ لَمَّا انْتَشَرَ الْخَبْرُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى بُهْلُولٍ لِتَهْنِئَتِهِ عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ.
سَمِعَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ هَذَا الْخَبَرَ فَعَضِبَ شَدِيدًا وَذَهَبَ إِلَى بُهْلُولٍ وَشَتَمَهُ وَ
قَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْمَكَارُ لَقَدْ ضَيَّعْتَ أَمْوَالِي وَجَعَلْتَ نَفْسَكَ شَهِيرًا بَيْنَ النَّاسِ.
فَذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَحَدَفَ اسْمَ بُهْلُولٍ وَكَتَبَ اسْمَهُ بَدَلَهُ وَعِنْدَيْهِ شَعْرٌ
بِالرَّاحَةِ.

وَلَمَّا شَاهَدَ بُهْلُولٌ هَذَا الْعَمَلَ ابْتَسَمَ وَقَالَ:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- مَا فَعَلَ الصَّحَابِيُّ حِينَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ؟
- ٢- مَا فَعَلَ الرَّجُلُ حِينَ هَمَّ النَّاسُ بُهْلُولًا عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ؟
- ٣- مَا قَالَ الرَّجُلُ لِبُهْلُولٍ حِينَ سَأَلَهُ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ؟

١- بُهْلُولٌ هُوَ مِنْ عُقَلَاءِ الْمَجَانِينِ كَانَ يَعِيشُ فِي عَصْرِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَ قَدْ نُقِلَتْ عَنْهُ حِكَايَاتٌ كَثِيرَةٌ.

التمرين الأول

إملاً الفراغ بما يناسب من الموصولات :

١- العُمَّالُ هُمْ... يُوصِلُونَ الْبِلَادَ إِلَى الْاِكْتِفَاءِ الذَّاتِي. الَّذِي اللَّتَيْنِ

٢- الْمَرَأَةُ الْمُسْلِمَةُ هِيَ... تَعْرِفُ رِسَالَتَهَا فِي الْمُجْتَمَعِ.

٣- قَرَأْتُ الْمَجَلَّتَيْنِ ... فِي الْمَكْتَبَةِ.

٤- الْمُؤْمِنُ هُوَ ... آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

الَّتِي الَّذَيْنِ

التمرين الثاني

استخرج المعارف واكتبها في المكان المناسب :

المُعَرَّفُ بِالِإِضَافَةِ

١- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل عمران/١٢٣)

العَلَمُ

٢- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

.....

المَوْصُولُ

فِي الْأَرْضِ﴾ (الحُجُرَات/١٦)

الضَّمِيرُ

٣- ﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشُّعْرَاء/١٠٥)

.....

٤- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

الإِشَارَةُ

.....﴾ (الْأَنْبِيَاء/٩٢)

المُعَرَّفُ بـ «أَل»

.....

التمرين الثالث

عَيِّنِ التَّرَادِفَ وَالْمُضَادَّةَ : (=, ≠)

اللَّيْلُ النَّهَارُ

أَحَدَثٌ صَنَعَ

الْبُرُودَةُ الْحَرَارَةُ

الْحَسَنُ السَّيِّئُ

الْاِكْتِسَابُ الْحُصُولُ

ضَيَّعَ وَجَدَ

- در ترجمه اسم‌های نکره معمولاً از «ی، یک» استفاده می‌کنیم :
 قرأتُ مقالةً في مجلةٍ : مقاله‌ای را در يك مجله خواندم.
- مشارالیه هرگاه دارای (أل) باشد، اسم اشاره آن به صورت مفرد ترجمه می‌شود، هرچند مثنی یا جمع باشد، که در این صورت با صفت اشاره مطابقت می‌کند :
 هذا الفلاحُ ... هذانِ الفلاحانِ ... هؤلاءِ الفلاحونَ ...
 این کشاورز ... این دو کشاورز ... این کشاورزان ...
- مشارالیه هرگاه بدون (أل) باشد، اسم اشاره آن عیناً ترجمه می‌شود و در این صورت با ضمیر اشاره فارسی مطابقت می‌کند :
 هذا فلاحٌ : این کشاورز است. هذانِ فلاحانِ : این‌ها دو کشاورزند.
 هؤلاءِ فلاحونَ : این‌ها کشاورزند.

للترجمة

اقْرَأِ الْعِبْرَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ :

- ۱- ﴿ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ ﴾ (المائدة/ ۱۵)
- الف) براستی از سوی خداوند روشنائی و کتاب روشنگر برای شما آمد.
- ب) براستی شما را از سوی خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.
- ۲- ﴿ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ ﴾ (الإسراء/ ۹)
- الف) همانا این قرآن به آیینی که استوارتر است راهنمایی می‌کند.
- ب) همانا این، قرآنی است که به بهترین روش راهنمایی می‌کند.

إقرأ العبارة التالية ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسية بعبارة مؤلفة :

* مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

تعداد اسم های معرفه در کدام آیه درست بیان شده است :

۳

۱- ﴿ وَ هَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (الصافات/ ۱۱۸)

۳

۲- ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ﴾ (الزمر/ ۵)



الدّرس الرّابع

أنواع الإعراب (١)



در هر کدام از
تصاویر چه کسانی را
می بینید؟

آیا می توانید شغل
آن ها را حدس
بزنید؟

در تصویر اول، از ظاهر شخص، براحتی می توان دریافت که او پزشک است.

در تصویر دوم، از محل و موقعیت فرد، می توان حدس زد که شخص مورد نظر، روزنامه فروش است.

اما در تصویر سوم نشانه و علامت خاصی وجود ندارد و شغل او بر ما پنهان است.

همانطور که می توان موقعیت اجتماعی افراد را با نشانه هایی شناخت، نقش و موقعیت کلمات را نیز می توان با علامت ها و نشانه های خاصی شناخت. این نشانه ها، همان اعراب کلمات است.

اعراب کلمات دارای سه نوع است :

- ١- **ظاهری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب بر آن ها ظاهر می شود.
- ٢- **محلی** : برای اسم های مبنی که علامت اعراب را نمی پذیرند.
- ٣- **تقدیری** : برای اسم های معربی که علامت اعراب در آن ها ظاهر نمی شود.



آیا می دانید، چه چیزی، تعیین کنندهٔ اعراب کلمه است؟ نقش کلمه در جمله □ معنای کلمه □

می دانیم «شجره» اسمی معرب است.
اکنون در عبارات زیر نقش و اعراب کلمه «شجره» را تعیین نمایید.

العصفورُ على الشجرة.	غرس الفلّاحُ الشجرة.	هذه شجرةٌ في الحديقة.	
▽	▽	▽	
مجرور به حرف جر ○ مضاف الیه ○	فاعل ○ مفعول ○	مبتدا ○ خبر ○	← نقش
منصوب ○ مجرور ○	مرفوع ○ منصوب ○	مرفوع ○ منصوب ○	← اعراب

به اعرابی که در آن علامت های اصلی اعراب ()
که نشان دهندهٔ نقش کلمه می باشند، «اعراب ظاهری اصلی» می گویند.

آیا می توانید نقش و اعراب
کلمات معین شده را در آیات
شریفهٔ قرآن بیابید؟

- ﴿ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ ﴾ (النساء/۱۷۴)
﴿ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴾ (النساء/۱۷۴)
﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا ﴾ (آل عمران/۱۰۳)



○ این بازیکنانی که روی نیمکت نشسته اند چه کسانی هستند؟

؟

هر بازیکن اصلی، برای خود بازیکنی ذخیره و نیایی (با همان ویژگی) دارد، که به جای او وارد میدان می شود.



آیا می دانید هر کدام از علامت های اصلی اعراب نیز برای خود جانشین و علامت فرعی مخصوصی دارد؟

آیا می دانید ...

؟



جاءُ الْمُعَلِّمُونَ



جاءُ الْمُعَلَّمَانِ



جاءُ الْمُعَلِّمِ

○ کلمات (المُعَلِّمِ، الْمُعَلَّمَانِ، الْمُعَلِّمُونَ) چه نقشی دارند؟

○ در کدام مورد فاعل با علامت ُ مرفوع شده است؟

○ دو کلمه (المُعَلَّمَانِ، الْمُعَلِّمُونَ) به جای ُ با چه علامتی مرفوع شده اند؟

؟

برخی از اسم‌های معرب به جای علامت‌های اصلی اعراب، علامت‌های دیگری نیز می‌گیرند که به آن‌ها «علامت‌های فرعی اعراب» گفته می‌شود.

دارای اعراب فرعی هستند؟

کدام یک
از اسم‌های
معرب

آیا می‌دانید

مثنی با دو علامت «ان، ین» ساخته می‌شود مانند «المسافران»،
«المسافرین» به معنای دو مسافر.
اکنون که معنای آن‌ها یکسان است، پس چه تفاوتی میان
(ان، ین) وجود دارد و کاربرد هر کدام چیست؟

می‌دانیم

مثنی



اما



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُسَافِرِينَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرَ.

رَأَيْتُ الْمُسَافِرِينَ.

جَاءَ الْمُسَافِرُ.

جَاءَ الْمُسَافِرُونَ.

مفرد

مثنی

المسافر و المسافرین
هر دو مجرور هستند اما
علامت جرّ آن‌ها متفاوت
است.
المسافر با کسره اصلی
المسافرین با یاء فرعی

المسافر و المسافرین
هر دو مفعول هستند
اما علامت نصب آن‌ها
متفاوت است.
المسافر با فتحة اصلی
المسافرین با یاء فرعی

المسافر و المسافرین هر
دو فاعل هستند.
اما علامت رفع آن‌ها
مختلف است.
المسافر با ضمه اصلی
المسافرین با الف فرعی

هرگاه اسمی مثنی شود: «الف» ← نشانه رفع

«یاء» ← نشانه نصب و جرّ آن می‌باشد.

می دانیم : جمع مذكر سالم با دو علامت (ون، ین) ساخته می شود، مانند (المُجَاهِدُونَ) -
المُجَاهِدِينَ (به تبدیل اسم مفرد به جمع مذكر سالم توجه کنید :



سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِ.

سَلَّمْتُ عَلَى الْمُجَاهِدِينَ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدَ.

شَاهَدْتُ الْمُجَاهِدِينَ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدَ.

حَضَرَ الْمُجَاهِدِينَ.

مفرد

جمع

(ياء)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

(ياء)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

(واو)

جانشین چه حرکتی
شده و نشانه چیست؟

هر گاه اسمی را به جمع مذكر سالم تبدیل کنیم
واو ← نشانه رفع ياء ← نشانه نصب و جرّ آن است.

حتماً با کلمات «أبو طالب، أبا طالب، أبي طالب» آشنا هستید.

کلمه «أب» مفرد است به معنای «پدر» و اعراب ظاهری دارد. اما اگر
مضاف به غیر یاء متکلم شود به سه شکل دیگر نوشته می شود.

سَلَّمْتُ عَلَى الْأَبِ.

سَلَّمْتُ عَلَى أَبِيكَ.

رَأَيْتُ الْأَبَ.

رَأَيْتُ أَبَاكَ.

جَاءَ الْأَبَ.

جَاءَ أَبُوكَ.

مفرد

مضاف

هر گاه کلمه «أب» : مفرد، مضاف و مضاف به غیر ضمیر «ياء» متکلم باشد :

واو ← نشانه رفع الف ← نشانه نصب ياء ← نشانه جرّ آن است.

اعراب کلماتی مانند «أخ و ذو» نیز مانند «أب» فرعی است. به این اسم‌ها «أسماء خَمْسَه» می‌گویند. اکنون برای جای خالی، کلمه مناسبی را انتخاب کنید:

— هو (أخوك، أخاك، أخيك)

جمع مؤنث
سالم



جمع مؤنث سالم نیز از اسم‌هایی است که اعراب فرعی دارد. آیا علامت جمع مؤنث سالم را می‌دانید؟ به اعراب آن در حالت‌های مختلف توجه نمایید.

إِسْتَمَعْتُ
إِلَى آيَةٍ قُرْآنِيَةٍ.

حَفِظْتُ آيَةً
مِنَ الْقُرْآنِ.

هَذِهِ آيَةٌ قُرْآنِيَةٌ.

إِسْتَمَعْتُ
إِلَى آيَاتٍ قُرْآنِيَةٍ.

حَفِظْتُ آيَاتٍ
مِنَ الْقُرْآنِ.

هَذِهِ آيَاتٌ قُرْآنِيَةٌ.

کلمه آیات با
چه علامتی مجرور
شده است؟
.....

کلمه آیات با
چه علامتی منصوب
شده است؟
.....

کلمه آیات با
چه علامتی مرفوع
شده است؟
.....

در کدام حالت کلمه «آیات» اعراب اصلی پذیرفته است؟

جمع مؤنث سالم فقط در حالت نصب اعراب فرعی دارد.
و هرگاه منصوب شود به جای **ـَ** ← **ـِ** می‌گیرد.

برای کلمات رنگی حرکت مناسبی را قرار دهید.

حَضَرَتِ الْمُؤْمِنَاتِ فِي الْمَسْجِدِ . قَرَأْتُ الْمَجَلَاتِ فِي الْمَكْتَبَةِ . نَظَرْتُ إِلَى الشَّجَرَاتِ .

به اعراب کلمه «ایران» در عبارت‌های زیر توجه کنید :



فِي إِيرَانَ مُعَادِنٌ كَثِيرَةٌ

أَحَبُّ إِيرَانَ

إِيرَانٌ وَطَنِي

- نقش کلمه ایران در سه جمله به ترتیب چیست؟
- آیا در هر سه جمله متناسب نقش خود حرکت گرفته است؟
- در کدام مورد با علامت اصلی اعراب نپذیرفته است؟

کلمه ایران هر گاه مجرور شود به جای کسره — فتحه فرعی — می‌گیرد.
به چنین اسم‌هایی غیر منصرف (ممنوع من الصرف) می‌گویند. این اسم‌ها هیچ‌گاه تنوین نمی‌گیرند.

مهم‌ترین اسم‌های
غیر منصرف

- ۱- علم مؤنث : فاطمة، حمزة «السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ»
- ۲- علم غیر عربی : یوسف، یعقوب، فرعون ﴿وَأَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رُسُلًا﴾ (الزَّمَل/۱۵)
- ۳- نام شهرها و کشورها : طهران، مکه ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا﴾ (الاعراف/۸۵)
- ۴- صفت بر وزن أفعَل : أكبر، أبيض ﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ (الانعام/۵۳)
- ۵- جمع مکسر هم وزن مفاعِل و مفاعِل ﴿وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ﴾ (فُصِّلَتْ/۱۲)

اسم‌های غیر منصرف در صورت گرفتن الف و لام و یا مضاف واقع شدن در حالت جرّ کسره می‌پذیرند :
فِي الْمَسَاجِدِ مُصَلِّونَ كَثِيرُونَ . فِي مَسَاجِدِ الْمَدِينَةِ مَكْتَبَاتٌ قِيَمَةٌ .

بدانیم

خَيْرُ مُعِينٍ

مَنْ كَانَ قَرِيْباً مِنْ رَبِّهِ
وَالرَّحْمَةَ تَسْكُنُ فِي قَلْبِهِ
وَأَتَى بِالْمَالِ عَلَى حُبِّهِ

فَاللَّهُ يُبَارِكُ فِي كَسْبِهِ

مَنْ كَانَ صَدِيقَ الْمِسْكِينِ
وَمُعِيْتِ الْإِخْوَةِ فِي الدِّينِ
فَاللَّهُ لَهُ خَيْرُ مُعِينٍ

يَجْزِيهِ وَيُصْفِحُ عَنْ ذَنْبِهِ

الْمُؤْمِنُ صَاحِبُ إِفْضَالٍ
يُعْطِي بِيَمِينٍ وَشِمَالٍ
وَيُجِيبُ السَّأَلَ فِي الْحَالِ

وَيُخَفِّفُ عَنْهُ مِنْ كَرْبِهِ

الْبِرُّ دَلِيلُ الْعِرْفَانِ
وَزَكَاتُكَ شَرْطُ الْإِيمَانِ
وَاللَّهُ وَلِيُّ الْإِحْسَانِ

وَالْمُحْسِنُ يَطْمَعُ فِي قُرْبِهِ

١- تُقْرَأُ هَكَذَا : مَسْكِينِي .

مُعْجَزَةُ الْأَنْبِيَاءِ

سَأَلَ رَجُلٌ الْإِمَامَ الرَّضَا (ع) :

لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُوسَى (ع) إِبْطَالَ السِّحْرِ وَمُعْجَزَةَ عِيسَى (ع) شِفَاءَ
الْمَرْضَى وَمُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟
فَقَالَ (ع) :

عِنْدَمَا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى (ع) كَانَ لِلْسِّحْرِ مَنَزِلَةٌ عَظِيمَةٌ عِنْدَ النَّاسِ فَأَبْطَلَ سِحْرَهُمْ
بِهَذِهِ الْمُعْجَزَةِ.

وَعِنْدَمَا بَعَثَ عِيسَى (ع) كَانَ لِلطَّبِّ دَوْرٌ كَبِيرٌ بَيْنَ النَّاسِ بِسَبَبِ شُيُوعِ الْأَمْرَاضِ
الْمُخْتَلِفَةِ فَأَظْهَرَ مُعْجَزَتَهُ بِشِفَاءِ الْمَرْضَى وَإِحْيَاءِ الْمَوْتَى .
وَبَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) فِي وَقْتٍ كَانَ لِلْبَيَانِ وَالْفَصَاحَةِ اهْتِمَامٌ بِالْبَعْثِ بَيْنَ النَّاسِ
فَأَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَأَظْهَرَ عَجْزَهُمْ عَنِ الْإِتْيَانِ بِمِثْلِهِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- مَنْ الْمُؤْمِنُ؟

٢- مَا هِيَ مُعْجَزَةُ عِيسَى (ع)؟

٣- لِمَاذَا جَعَلَ اللَّهُ مُعْجَزَةَ مُحَمَّدٍ (ص) الْقُرْآنَ؟

التدريب الأول

عَيِّنْ علامات الإعراب الفرعية في العبارات التالية :

- ١- ﴿ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ ﴾ ٣- لِفَاطِمَةَ فَصَّائِلُ لَا نَجِدُهَا فِي الْآخِرِينَ .
- ٢- ﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا ﴾ ٤- أَكْرَمَ أَبَاكَ وَ إِنَّ لَمْ يُكْرِمَكَ .

التدريب الثاني

اجْعَلْ في الفراغ كلمة مناسبة :

- ١- احْفَظْ مِنْ الْأَذَى وَ جَالِسِ (يَدَيْكَ، يَدَاكَ- الصَّالِحُونَ، الصَّالِحِينَ)
- ٢- خَلَقَ اللَّهُ... السَّبْعَ. (السَّمَوَاتِ، السَّمَوَاتِ)
- ٣- ... يُدَافِعُونَ عَنِ الْوَطَنِ الْإِسْلَامِيِّ. (المُجَاهِدُونَ، المُجَاهِدِينَ)
- ٤- يَذْهَبُ كَثِيرٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي ... إِلَى (ذُو الْحِجَّةِ، ذِي الْحِجَّةِ- مَكَّةَ، مَكَّةَ)

التدريب الثالث

صَحِّحْ الأخطاء التي أُشير إليها بِحِطِّ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ :

- ١- يُجَاهِدُ الْمُسْلِمِينَ فِي فَلَسْطِينِ.
- ٢- الْحَسَنَاتُ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ.
- ٣- رَأَيْتُ فِي أَخْوَكِ هِمَّةً عَالِيَةً.

التدريب الرابع

عَيِّنِ المرادف والمضاد: (=، ≠)

الصدِّيقُ.....	العدوُّ	المُعِينُ.....	الناصر	أتى.....	أعطى
اليَمِينُ.....	الشَّمال	أجاب.....	سأل	الكَرْبُ.....	الحُزْنُ
القُرْبُ.....	البُعد	بَعَثَ.....	أرسلَ	عندما.....	حينما

تسلط بر زبان مادری شرط لازم در ترجمه موفق است. با این وسیله می توان مفاهیم زبان مبدأ را به نحو مطلوب به زبان مقصد ترجمه کرد.

للترجمة

«الذَّاكِرُ بِلا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلا وَتَرٍ».

للتَّرجمة إلى الفارسیَّة عباراتِ مألوفةٍ :

* عَاتِبٌ أَخَاكَ بِالإِحْسَانِ إِلَيْهِ.

* مَنهُومانِ لا يَشْبَعانِ : طالبٌ عِلْمٍ وَ طالبٌ دُنْيا.

منهوم : حریص

عاتب کن

الف) ترجمه آیات زیر را با کلمه مناسب کامل کنید :

۱- ﴿ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴾ و خداوند بخشایش عظیم است. (آل عمران / ۱۷۴)

۲- ﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ﴾ (الأنعام / ۱)

ستایش از آن خداوندی است که و زمین را آفرید.

۳- ﴿ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴾ و خداوند به آنچه آگاه است. (آل عمران / ۱۸۰)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

أنواعُ الإعراب (٢)

دانستیم که

- ① اعراب دارای سه نوع است (١) ظاهری (٢) محلی (٣) تقدیری
- ② اعراب ظاهری شامل بیشتر اسم های معرب است و بر دو نوع است (١) اصلی (٢) فرعی

اما اعراب محلی و تقدیری شامل چه کلماتی است؟

اعراب محلی

- آیا اسم های مبنی را به خاطر می آورید؟
- «اسم مبنی، اسمی است که حرکت آخر آن ها در موقعیت های مختلف ... باشد»
- اگر علامت آخر کلمات مبنی تغییر ناپذیر است پس چگونه می توان به نقش آن پی برد؟

به تصاویر زیر توجه کنید :



این افراد برای ما آشنا نیستند. اما از «محلی» کار آن ها می توان دریافت که آن ها روزنامه فروش، راننده و

معلم هستند.

از آنجا که علامت آخر کلمات مبنی ثابت است، لذا برای شناختن اعراب و نقش آن‌ها باید به «محلّ» قرار گرفتن آن‌ها توجه کرد.

نَجَحَ التَّلْمِيذُ. رَأَيْتُ التَّلْمِيذَ. نَظَرْتُ إِلَى التَّلْمِيذِ.
 نَجَحَ ذَلِكَ. رَأَيْتُ ذَلِكَ. نَظَرْتُ إِلَى ذَلِكَ.

آیا در ظاهر کلمه «ذلک» علامتی وجود دارد که با کمک آن بتوان اعراب آن را تشخیص داد؟ چگونه می‌توان به اعراب «ذلک» در سه جمله پی برد؟ آیا می‌توانید از موقعیت «ذلک» و مقایسه آن با «التلمیذ» در جملات فوق اعراب آن را تشخیص دهید که رفع است یا نصب و یا جرّ؟



حال حدس بزنید

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ (هود/۸۶)

اسم‌های مبنی در دو آیه چه اعرابی دارند؟

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ﴾ (البقرة/۲)

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع

محلّاً
مجرور

محلّاً
منصوب

محلّاً
مرفوع



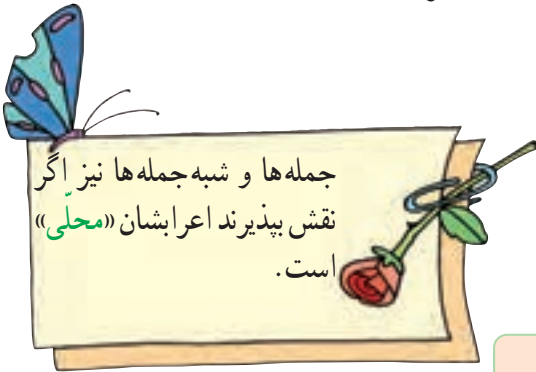
به این دو عبارت توجه کنید

— کلمات مشخص شده چه نقشی دارند؟

— آیا می دانید خبر چه اعرابی دارد؟



— آیا اعراب خبر در مثال های فوق ظاهر شده است؟



اعراب تقدیری

علامات آخر آن ها بر اساس نقشی که در
جمله دارند، . . .
○ ثابت است ○ متغیّر است

کلمات معرب کلماتی
هستند که :

اکنون کلمات معرب را معین کنید :

الفْتَى تَلْكَ الْقَاضِي هُوَ لَاءِ كِتَابِي هِي بِنْتُ

● می دانیم که «الفْتَى» اسمی معرب است. حال اعراب «الفْتَى» را در جملات زیر
تعیین نمایید :

سَلَّمْتُ عَلَى الْفَتَى.

رَأَيْتُ الْفَتَى.

جاء الفْتَى.

چرا کلمه «الفتی» با وجود اینکه معرب است علامت‌های رفع، نصب و جرّ را



نپذیرفته است؟



برخی کلمات با وجود معرب بودن علامت‌های اعراب را نمی‌پذیرند و اعراب آن‌ها را باید از نقش کلمه در جمله تشخیص داد. به چنین اعرابی اصطلاحاً «اعراب تقدیری» می‌گوییم.

مهم‌ترین کلماتی که اعراب آن‌ها تقدیری است:

<p>اسمی است معرب که به الف ختم شود. مانند: دنیا، کبری</p>	<p>اسم مقصور</p>
<p>رفع: جاء <u>الفتی</u>. نصب: رأیْتُ <u>الفتی</u>. جر: سلّمت علی <u>الفتی</u>.</p>	<p>اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.</p>
<p>فاعل، مرفوع تقدیراً مفعول به، منصوب تقدیراً مجرور به حرف جرّ تقدیراً</p>	

<p>اسمی است معرب که به یاء ماقبل مکسور ختم شود. مانند: قاضی، هادی</p>	<p>اسم منقوص</p>
<p>رفع: حَضَرَ <u>القاضي</u>. نصب: شاهدتُ <u>القاضي</u>. جر: مررتُ <u>بالقاضي</u>.</p>	<p>اعراب در دو حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارد.</p>
<p>فاعل: منصوب با فتحه مجرور به حرف جرّ</p>	

<p>اسمی است معرب که به ضمیر متکلم وحده «ی» اضافه شود. مانند: صدیقی</p>	<p>اسم مضاف به یاء متکلم</p>
<p>رفع: هذا <u>کتابی</u>. نصب: قرأتُ <u>کتابی</u>. جر: القصةُ فی <u>کتابی</u>.</p>	<p>اعراب در هر سه حالت اعراب تقدیری دارد.</p>
<p>... مرفوع تقدیراً مفعول به تقدیراً</p>	



در اعراب محلی و نیز در اعراب تقدیری باید به محل و موقعیت کلمه در جمله توجه کرد. پس فرق این دو در چیست؟

با مروری بر آنچه گذشت حتماً درمی یابید که :

اعراب محلی اصطلاحی است برای کلمات مبنی، جمله و شبه جمله.
اعراب تقدیری اصطلاحی است برای برخی کلمات معرب یعنی (مقصود، منقوص، مضاف به یاء متکلم).

اعراب اسم

مبني

معرب

محلّي

تقدیری

ظاهری

شامل

- ۱- ضمائر
- ۲- اسم موصول
- ۳- اسم اشاره
- ۴- اسم استفهام
- ۵- اسم شرط
- ۶- عدد مرکب

مقصور

در هر سه حالت

جاء الفَتَى:

رأيتُ الفَتَى:

سَلَمْتُ على الفَتَى:

منفوص

در دو حالت رفع و جرّ

جاء القَاضِي:

رأيتُ القَاضِي:

سَلَمْتُ على القَاضِي:

مضاف به یای متکلم

در هر سه حالت

جاء معلَمِي:

رأيتُ معلَمِي:

سَلَمْتُ على معلَمِي:

منی

«الف» در حالت رفع

«یاء» در حالت نصب و جرّ

جمع مذکر سالم

«واو» در حالت رفع

«یاء» در حالت نصب و جرّ

أسماء خمسة

«واو» در حالت رفع

«الف» در حالت نصب

«یاء» در حالت جرّ

جمع مؤنث سالم

در حالت نصب

غیر منصرف

در حالت جرّ

فرعی

اصلي

رفعٌ

جاء المعلّم:

نصبٌ

رأيتُ المعلّم:

جرٌّ

سَلَمْتُ على المعلّم:

محلّاً مرفوع
هَذَا كِتَابٌ.

محلّاً منصوب
قَرَأْتُ هَذَا الْكِتَابَ.

محلّاً مجرور
سَلَمْتُ على هَذَا الرَّجُلِ.

يا إلهي

يا إلهي يا إلهي
إجعل اليوم سعيداً
واملاً الصدر انشراحاً
يا إلهي أنت عؤني
نور العقل وقلبي
واجعل التوفيق حظي
يا مُجيبَ الدَّعَوَاتِ
و كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ
و فَمِي بِالْبَسَمَاتِ
فِي أَدَاءِ الْوَأَجِبَاتِ
بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ
و نَصِيبِي فِي الْحَيَاةِ

الأديب الملتزم

ذاتَ يَوْمٍ قَالَ الْمُتَوَكَّلُ الْعَبَّاسِيُّ لِوَزِيرِهِ :
أُرِيدُ مُعَلِّمًا حَازِقًا لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي وَ تَعْلِيمِهِمْ . فَمَا رَأَيْتَ ؟
- لَا أَعْرِفُ أَفْضَلَ وَ أَعْلَمَ مِنْ ابْنِ السَّكِّيتِ ^١ .
- طَيِّبٌ ، طَيِّبٌ ، إِذْنُ أَحْضَرَهُ لِتَعْلِيمِ أَوْلَادِي .
حَضَرَ ابْنُ السَّكِّيتِ لِتَرْبِيَةِ أَبْنَاءِ الْمُتَوَكَّلِ وَ تَعْلِيمِهِمْ .
فِي يَوْمٍ عِنْدَمَا كَانَ ابْنُ السَّكِّيتِ جَالِسًا عِنْدَ الْمُتَوَكَّلِ دَخَلَ عَلَيْهِمَا وَ لَدَاهُ ^٢ .
- هَلْ وَ لَدَايَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَوْلَادُ عَلِيٍّ ؟

١- هو أديبٌ ملتزمٌ كان يعيشُ في العصرِ العباسيِّ و هو كانَ مُحبًّا لأهلِ بيتِ رسولِ الله (ص).

٢- تُحَدَفُ النونُ مِنَ الْمُشْتَى وَ الْجَمْعُ السَّالِمُ لِلْمُذَكَّرِ عِنْدَ الْإِضَافَةِ .

غَضِبَ ابْنُ السَّكَيْتِ مِنْ كَلَامِ الْمُتَوَكِّلِ وَقَالَ بِجُرْأَةٍ :
وَاللَّهِ، إِنَّ قَنْبَرًا مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لِأَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ هَدَيْنِ وَأَبِيهِمَا .
غَضِبَ الْخَلِيفَةُ غَضَبًا شَدِيدًا وَأَمَرَ الْجَلَادِينَ بِقَطْعِ لِسَانِ هَذَا الْعَالِمِ الشُّجَاعِ .
فَفَازَ بِإِلْقَاءِ رَبِّهِ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- مَاذَا تَطْلُبُ مِنْ مَعْبُودِكَ؟
- ٢- مَنْ كَانَ ابْنُ السَّكَيْتِ؟
- ٣- مَا كَانَتْ عَاقِبَةُ ابْنِ السَّكَيْتِ؟

التدريب الأول

أنظر إلى الكلمات التي أُشير إليها بخط ثم أجب عما طُلب منك :

المثال :

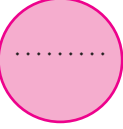
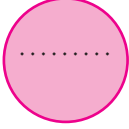
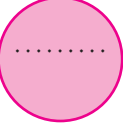
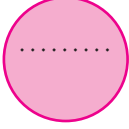
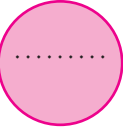
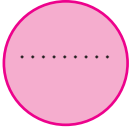
﴿هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾

سبب البناء

إعراب

ضمير

مبتدأ و
مرفوع محلاً



١- رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا ﴿﴾

٢- «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ».

٣- احْتَرِمَ مَنْ يَعْمَلُ الْخَيْرَ.

التدريب الثاني

انتخب الإعراب المناسب لما أُشير إليه بخط :

١- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

٢- ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ﴾

٣- «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ».

٤- «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ»

٥- «يَا رَبِّ قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي»

مبتدأ و مرفوع
تقديراً

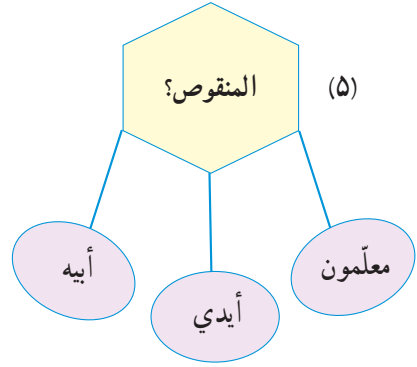
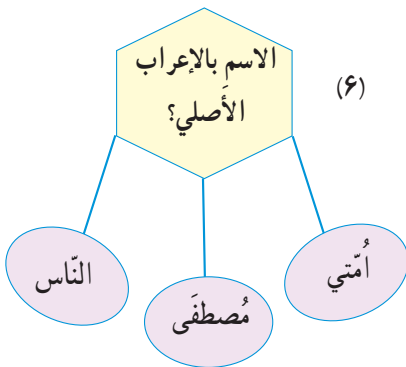
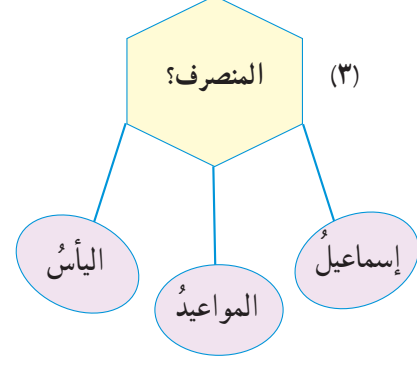
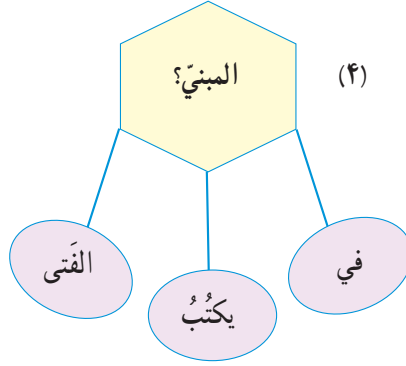
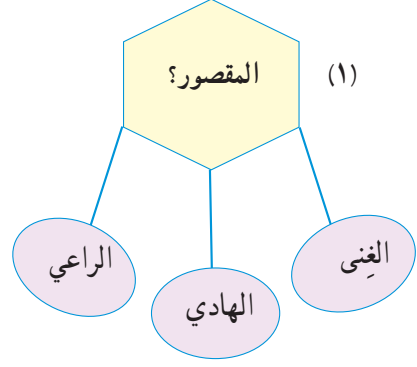
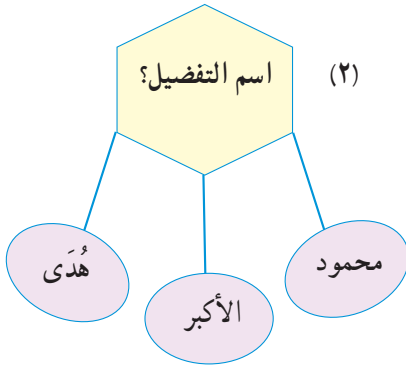
مجرور تقديراً

مفعول به و
منصوب بالفتحة

مفعول به و
منصوب تقديراً

مجرور تقديراً

إنتخب الصَّحِيحَ مِنْ كُلِّ شَكْلِ وَاجْعَلْهُ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ :



قال الإمام عليّ (ع) : ١ ٢ ٣ عمّا ٤ ٥ ٦

للتعريب

امیدهای آینده

- مراسم بزرگداشت روز دانش‌آموز در مدرسه برگزار می‌شود.
- چرا آن روز را روز دانش‌آموز می‌نامیم؟
- روز دانش‌آموز، روز شهادت گروهی از دانش‌آموزان است.
- دانش‌آموزان امیدهای آینده هستند.
- آری، آینده کشور به دست دانش‌آموزان است.
- آیا می‌دانی وظیفه ما چیست؟
- وظیفه ما درس خواندن و ساختن میهنی مستقل است^۱.

أُغْرِبَ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ:

۱- ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ﴾

۲- «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ»

۱- امیدهای آینده: آمال المستقبل، مراسم بزرگداشت: مراسم التکریم، برگزار می‌شود: تَعَقَّدُ، می‌نامیم: نُسَمِّي، شهادت: استشهد، گروهی: جمع، جماعة، آینده کشور: مستقبل البلاد، وظیفه: وظیفه، واجب، درس خواندن: الدَّرَاسَة، ساختن: بناء، میهن: وطن

برای ترجمه متن گاهی ناگزیر هستیم از فرهنگ لغت استفاده کنیم.

فرهنگ‌های زبان عربی معمولاً به یکی از دو روش زیر تدوین می‌شوند:

الف) برحسب ریشه: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات برحسب ریشه و حروف اصلی

آن‌ها تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس مشتقات آن کلمات در پی می‌آیند. به عنوان مثال برای

یافتن «استَعْلَمَ» باید به «عَلِمَ» مراجعه کنیم، مانند:

عَلِمَ : دانست.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

استَعْلَمَ : پرسید، جویای خبر شد.

ب) برحسب ترتیب حروف: در این گونه فرهنگ‌ها کلمات فقط برحسب ترتیب

قرارگرفتن حروف تقسیم‌بندی می‌شوند، مانند:

استَعْلَمَ : پرسید، جویای خبر شد.

أَعْلَمَ : فهماند، خبر داد.

تَعَلَّمَ : یاد گرفت.

عَلِمَ : دانست.

إقرأ العبارة ثُمَّ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَةٍ مَأْلُوفَةٍ :
* الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ .

در کدام آیه دو مفهوم با هم مقایسه نشده اند :

- ۱- ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾ (الحديد / ۳)
- ۲- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (الزمر / ۹)
- ۳- ﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (النساء / ۹۵)

الدّرس السّادس

إعراب الفعل المضارع (١)

فعل مضارع از جهت اعراب بر سه نوع است :

- ۱- مضارع مرفوع،
- ۲- مضارع منصوب،
- ۳- مضارع مجزوم؛

و هریک برای خود علامت‌های خاصی دارد.

مضارع مرفوع و علامت‌های آن

فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است.

خوب است نگاهی به صیغه‌های مختلف این فعل داشته باشیم.

يَكْتُبَانِ تَكْتُبُونَ
تَكْتُبَانِ تَكْتُبِينَ
يَكْتُبُونَ

يَكْتُبُ أَكْتُبُ
تَكْتُبُ نَكْتُبُ

این فعل‌ها بعد از ضمایر «ا - و - ی» دارای «نون اعراب» هستند.

آیا ثبوت نون اعراب نیز علامت رفع است؟

آری ثبوت «نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

آخر این فعل‌ها ضمه دارد.

ضمه علامت رفع است.

و می‌دانیم که «ضمه» علامت

فرعی؟

اصلی؟

رفع است.

علامت‌های
رفع در فعل
مضارع

رفع مضارع با یکی از دو علامت زیر نشان داده می‌شود:

اصلی « ُ » : يَذْهَبُ - تَذْهَبُ
 فرعی «ثبوت نون اعراب» :
 يَذْهَبَانِ - تَذْهَبُونَ - تَذْهَبِينَ

مضارع منصوب و علامت‌های آن

همان‌طور که دانستیم فعل مضارع در حالت عادی مرفوع است مگر این که بعد از عوامل خاصی قرار بگیرد.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

﴿ فَأَصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ... ﴾
 ﴿ نَطْمَعُ أَنْ يَدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴾

فعل‌های مضارع را پیدا کنید.

آیا علامت‌های رفع مضارع را می‌یابید؟

علامت «رفع» در کدام یک از فعل‌ها وجود ندارد؟

چه حروفی قبل از فعل‌هایی که علامت رفع ندارند، آمده است؟



گاهی حروفی قبل از فعل مضارع می‌آید و آن را منصوب می‌سازد.

«أَنْ، لَنْ، كَيْ، حَتَّىٰ و لِ»

«که»، «هرگز»، «تا این که»، «تا، تا این که»، «برای، برای این که»

به کاربرد این حروف دقت کنید :

أَنْ يَذْهَبَا	يَذْهَبَانِ
لَنْ تَذْهَبَا	تَذْهَبَانِ
لَنْ يَذْهَبُوا	يَذْهَبُونَ
حَتَّى تَذْهَبُوا	تَذْهَبُونَ
لِيَذْهَبِي	تَذْهَبِينَ

أَنْ يَذْهَبَ	يَذْهَبُ
لَنْ تَذْهَبَ	تَذْهَبُ
حَتَّى أَذْهَبَ	أَذْهَبُ
لِيَذْهَبَ	يَذْهَبُ

با آمدن حروف ناصبه علامت رفع «نون اعراب» حذف شد.

پس «حذف نون اعراب» علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

با آمدن حروف ناصبه **ضمه** به **فتحه** تبدیل شد.

و می دانیم که **فتحه** علامت

فرعی؟

اصلی؟

نصب است.

می گویند.

حروف ناصبه

به این حروف که باعث منصوب شدن فعل مضارع می شوند

**علامت های
نصب در فعل
مضارع**

نصب مضارع با یکی از دو علامت نشان داده می شود :

اصلی «َ » : أَنْ يَذْهَبَ، لَنْ تَذْهَبَ

فرعی «حذف نون اعراب» : أَنْ يَذْهَبَا، لَنْ تَذْهَبُوا

الضَّيْفُ

ذَهَبَ رَجُلٌ إِلَى بَيْتِ صَدِيقِهِ وَبَقِيَ عِنْدَهُ أَيَّامًا مُتَوَالِيَةً حَتَّى ضَجَرَ صَاحِبُ الْبَيْتِ مِنْ إِقَامَتِهِ فَفَكَرَ فِي حِيلَةٍ لِيَتَخَلَّصَ مِنْهُ. فَاقْتَرَحَ عَلَى ضَيْفِهِ أَنْ يَتَسَابَقَا فِي الْفَقْرِ غَدًا حَتَّى يَعْرِفَا مَنْ الْفَائِزُ؟ فَقَالَ لَوْلَاكَ :

عِنْدَمَا يَقْفِرُ الضَّيْفُ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ، أَغْلِقِ الْبَابَ.

صَبَّاحَ الْغَدِ عِنْدَ السَّبَاقِ، قَفَرَ صَاحِبُ الْبَيْتِ ذِرَاعَيْنِ إِلَى خَارِجِ الْبَيْتِ أَمَّا الضَّيْفُ فَقَفَرَ ذِرَاعًا وَاحِدَةً إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ!

فَقَالَ صَاحِبُ الْبَيْتِ : أَنَا الْفَائِزُ، ذِرَاعَانِ مُقَابِلَ ذِرَاعٍ وَاحِدَةٍ! فَقَالَ الضَّيْفُ :
ذِرَاعٌ وَاحِدَةٌ إِلَى دَاخِلِ الْبَيْتِ خَيْرٌ مِنْ ذِرَاعَيْنِ إِلَى الْخَارِجِ.

الْحَاكِمُ الظَّالِمُ وَ الشَّيْخُ الْمَجْنُونُ

ذَاتَ يَوْمٍ خَرَجَ الْحَجَّاجُ بْنُ يُوسُفَ لِيَتَنَزَّرَهُ فَصَادَفَ شَيْخًا فَسَأَلَهُ :

— مِنْ أَيْنَ أَنْتَ يَا شَيْخُ؟

— مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ.

— مَا رَأَيْتُكَ فِي الْحَجَّاجِ؟

— هُوَ أَظْلَمُ الْحُكَّامِ. سَوَّدَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَأَدْخَلَهُ النَّارَ!

— أَتَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا الحجاجُ.

— أنا فِدَاكَ. وَ هَلْ تَعْرِفُ مَنْ أَنَا؟

أنا رَجُلٌ مِنْ هَذِهِ الْقَبِيلَةِ. أُصْبِحُ مَجْنُونًا كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَةِ!!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- ما اقترحَ صاحبُ البيتِ على ضيفه؟

٢- إلى أينَ قَفَزَ الضَّيْفُ؟

٣- ما كانَ رأيُ الشيخِ في الحجاجِ؟

٤- ماذا قالَ الرجلُ حينَ عَرَفَ الحجاجَ؟

التمرين الأول

ترجم ما بين القوسين إلى العربية ثم اجعله في الفراغ :

- ١- نُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ الْحَقِّ (تا بيروز شويم : انتَصَرَ)
- ٢- الْمُؤْمِنُونَ فِي الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. (اسراف نخواهند كرد : اَسْرَفَ)
- ٣- أَنْتِ اللَّهُ عَلَى نِعَمِهِ. (سپاسگزارى مى كنى : شَكَرْتُ)

التمرين الثاني

عَيِّن الأفعال المضارعة و إعرابها في الجمل الآتية :

- ١- أَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَعَاقَبُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى.
- ٢- اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ.
- ٣- الدَّهْرُ يُخَلِّقُ الأَبْدَانَ وَ يُجَدِّدُ الأَمَالَ.

التمرين الثالث

للإعراب و التحليل الصرفي :

« لا يَعدِمُ الصَّبُورُ الظَّفَرَ »

— فعل مضارع هرگاه با یکی از ادوات ناصبه «أَنْ، كَيْ، حَتَّى، لِ» به کار رود معادل مضارع التزامی زبان فارسی ترجمه می‌گردد :

أَنْ يَكْتُبَ : بنویسد، که بنویسد. كَيْ يَذْهَبُوا : بروند، برای این که بروند.

و هرگاه با «لَنْ» به کار رود معادل مستقبل منفی فارسی ترجمه می‌گردد :

لَنْ يَذْهَبَ : نخواهد رفت.

صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

هرگز به نیکی دست نیافتید مگر از آن چه برای خود دوست داشتید انفاق کرده باشید.

۲- «مِنَ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ : الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَ الْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ

وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ».

از خصلت‌های نادان این است که : قبل از آن که می‌شنود پاسخ می‌گوید و قبل از

آن که می‌فهمد مخالفت می‌کند و درباره آن چه نمی‌داند داوری می‌کند.

إقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارة مألوفة:

* الكلام في وثاقك ما لم تتكلم به فإذا تكلمت به صرت في وثاقه

فاخزن لسانك كما تخزن ذهبك.

وِثاقٍ: بند صِرَتٌ: می شوی أُخِزُنْ: نگه دار

کدام جمله مفهوم صحیح آیه را می‌رساند؟

الف) ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا... لَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ

وَالْحِسَابَ﴾ (یونس / ۵)

۱- خورشید منشأ روشنایی ماه است.

۲- خورشید و ماه پایه و اساس تقویم نگاری هستند.

ب) ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ﴾ (یس / ۴۰)

۱- بر عالم آفرینش، نظم حکم فرما است.

۲- شب و روز از حرکت خورشید و ماه بوجود آمده است.

ج) ﴿فَإِذَا بَرَقَ الْبَصَرُ. وَخَسَفَ الْقَمَرُ. وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ (القیامة / ۷-۹)

۱- خسوف و کسوف ماه و خورشید را بیان می‌کند.

۲- حوادث روز قیامت را بیان می‌کند.

الدَّرْس السَّابِع

إِعرَاب الفعل المضارع (٢)

مضارع مجزوم و علامت های آن

«لَا تَحْزَنُ، إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

آیا این فعل را به خاطر می آورید؟ و می توانید آن را معنا کنید.
دانستیم:

اگر بخواهیم شخصی را از عملی بازداریم از مفهوم نهی استفاده می کنیم.
آیا روش ساختن نهی را از فعل مضارع به یاد دارید؟

نهی	مضارع	لا نهی
لَا تَحْزَنُ	تَحْزَنُ	لا

با آمدن «لا»ی نهی، آخر فعل ساکن شد که این سکون علامتی برای جزم است.

در این حالت به [لا ← حرف ناهیه جازمه]
[فعل مضارع ← فعل مضارع مجزوم] می گویند.

حروف دیگری نیز وجود دارند که مانند «لا»ی نهی عمل می کنند. که عبارتند از «لما، لام امر».

دقت کنید:

لَمْ يَكْتُبَا
لَمَّا تَكْتُبِي
لِيَكْتُبُوا

علامت جزم این فعل ها مانند نصب آن ها است یعنی چگونه است؟

اصلی؟
فرعی؟

لَمْ يَكْتُبْ
لَمَّا تَكْتُبْ
لِيَكْتُبْ

علامت جزم این فعل ها سکون است.

اصلی؟
فرعی؟

علامت های
جزم در فعل
مضارع

جزم مضارع معمولاً با یکی از دو علامت زیر نشان داده می شود :

اصلی «ث» : لم يَذْهَبْ، لا تَذْهَبْ
 فرعی «حذف نون اعراب» : لم يَذْهَبَا، لا تَذْهَبَا

به این عبارت از
زبان فارسی توجه کنید :

اگر درس بخوانی، موفق می شوی.

بدانیم

به چنین جملاتی که وقوع آن مشروط باشد

جملات شرطی

می گویند. جملات شرطی دارای ۳ رکن است :

جواب شرط

فعل شرط

ادوات شرط

موفق می شوی

درس بخوانی

اگر

إِنْ تَدْرُسْ، تَنْجَحْ.

به معادل جمله
شرطی بالا در زبان
عربی دقت کنید.

کلماتی که در آغاز جمله‌های شرطیه می‌آیند «ادوات شرط» نامیده می‌شوند،
مانند: **إِنْ، مَنْ، مَا، أَيْنَمَا**
«اگر» «هر که» «هر چه» «هر جا»

اکنون به کاربرد ادوات شرط نظری می‌افکنیم

﴿ إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ ﴾

﴿ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ ﴾

مَنْ يَزْرَعْ شَرًّا يَحصُدْ نَدَامَةً.

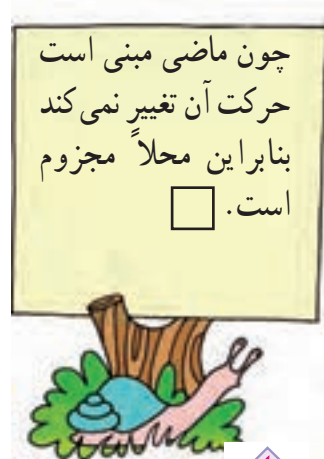
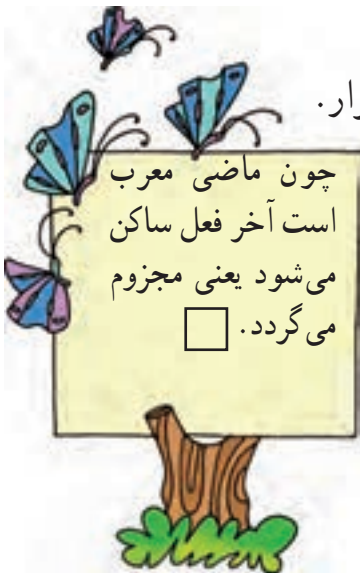
- در هر عبارت چند فعل وجود دارد؟ یک فعل ○ دو فعل ○ سه فعل
- این فعل‌ها چه نوع فعل‌هایی هستند؟ ماضی ○ امر ○ مضارع
- آیا ادوات شرط تأثیری در اعراب فعل‌ها داشته است؟
- آری ○ خیر
- اعراب فعل‌ها چگونه است؟ مرفوع ○ منصوب ○ مجزوم

ادوات شرط از کلمات جازمه‌ای هستند
که دو فعل مضارع بعد از خود را مجزوم
می‌کنند. اولی به عنوان **فعل شرط** و دومی
به عنوان **جواب شرط**.

اگر فعل شرط یا جواب شرط ماضی باشد ؟

کدام یک از دو حالت رخ می دهد؟

إِنْ صَبَرْتَ، أَدْرَكَتْ بِصَبْرِكَ مَنَازِلَ الْأَبْرَارِ.



! یکی از موارد جزم فعل مضارع زمانی است که در جواب طلب (امر، نهی و ...)

بیاید :

أَدْرُسُ تَنْجَحُ : درس بخوان تا موفق شوی.

فعل طلبی جواب طلب

لَا تَكْذِبْ يُحِبِّبَكَ اللَّهُ : دروغ نگو تا خدا تو را دوست بدارد.

فعل طلبی جواب طلب

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

اجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَوْلَ نَبِيِّهِمْ فَقَالُوا :
يَا نَبِيَّ اللَّهِ! إِنَّ الْعَدُوَّ أَخْرَجَنَا مِنْ بِلَادِنَا وَ دِيَارِنَا. ﴿إِنِّ بَعَثْنَا لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلُ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ﴾
قال النبيُّ : إِنِّي أَعْلَمُ إِنَّ يَكْتُبِ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ فإِنَّكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي
سَبِيلِهِ.

القومُ : لِمَاذَا لَا نُقَاتِلُ أَعْدَاءَنَا، لَقَدْ أَخْرَجُونَا مِنْ بِلَادِنَا وَ دِيَارِنَا.
فَلَمَّا كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ لَمْ يُقَاتِلُوا.
قال النبيُّ : ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾
القومُ : كَيْفَ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ طَالُوتُ مَلِكًا عَلَيْنَا وَ هُوَ فَقِيرٌ لَا يَمْلِكُ شَيْئًا.
فَتَبَاحَثُوا كَثِيرًا فَلَمْ يَتَّبِعْ طَالُوتَ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ.
في سَاحَةِ الْقِتَالِ عِنْدَمَا شَاهَدُوا كَثْرَةَ أَعْدَائِهِمْ وَ قَلَّةَ عَدَدِهِمْ طَلَبُوا مِنَ اللَّهِ أَنْ
يُثَبِّتَ أَقْدَامَهُمْ وَ قَالُوا : ﴿انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾
وَ قال الْمُؤْمِنُونَ مِنْهُمْ : إِنْ تَصَبَّرُوا تَغَلَّبُوا عَلَيْهِمْ. فَقَاتَلُوهُمْ بِشِدَّةٍ وَ هَزَمُوهُمْ.
كما قال سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى : ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ﴾

طريق المودة

نَصَحَ أَحَدُ الْحُكَمَاءِ ابْنَهُ قَائِلًا :

يَا بُنَيَّ! أَحِبِّبْ قَوْمَكَ يُحِبُّوكَ وَتَوَاضَعْ لَهُمْ يَرْفَعُوكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ
يَحْتَرِمُوكَ وَ أَكْرِمْ صِغَارَهُمْ - كَمَا تُكْرِمُ كِبَارَهُمْ - يُكْرِمُكَ كِبَارُهُمْ وَ يَكْبِرُ عَلَي
مَوَدَّتِكَ صِغَارُهُمْ وَ ابْذُلْ مَالَكَ وَ أَغْزِزْ جَارَكَ فَبِذَلِكَ تَثْبُتُ لَكَ سَيَادَتُكَ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- ما قالَ بنو إسرائيلَ لِنَبِيِّهِمْ؟
- ٢- هل قَبِلَ النَّاسُ طَالُوتَ مَلِكًا عَلَيْهِمْ؟ و لماذا؟
- ٣- ما كَانَ سَبَبُ انْتِصَارِ الْمُؤْمِنِينَ؟
- ٤- كيف تَثْبُتُ السِّيَادَةُ؟

التمرين الأول

استخرج من النص الأول ثلاثة أفعال مضارعة ثم أعربها.

التمرين الثاني

عَيِّن الجَوَابَ الصَّحِيحَ للأسئلة وفقاً لِمَاجَاءِ في النَّصِّ :

١- مَيِّزْ إعراب «قوم» :

الف) خبر مفرد (ب) فاعل

ج) مبتدأ (د) مفعول به

٢- كَمْ معرفةً في آية ﴿إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا﴾ ؟

الف) ١ (ب) ٢ (ج) ٣ (د) ٤

٣- عَيِّن الخَطَأَ عَن «طالوت» :

الف) معرب (ب) جامد (ج) عَلِمَ (د) منصرف

٤- عَيِّن المفعولَ به في عبارة «فلما كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقِتَالَ أَعْرَضَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ

لَمْ يُقَاتِلُوا» :

الف) الله (ب) القتال (ج) كثير (د) هم

٥- ما نَوْعُ الإعرابِ في «تَتَغَلَّبُوا»؟

الف) فرعي (ب) تقديري (ج) محلي (د) أصلي

التمرين الثالث

للإعراب و التحليل الصّرفي :

« تَوَاضَعُ يَرْفَعُكَ اللَّهُ »

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ وَتَرْجِمْهُ ثُمَّ صَحِّحِ الأَخْطَاءَ الَّتِي أَشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ :

الجُود

خَرَجَ رَجُلٌ مَعَ ابْنِهِ إِلَى الصَّحْرَاءِ وَهُمَا يُرِيدَانِ أَنْ يَصِيدَا فَنَزَلَا عِنْدَ رَجُلٍ . كَانَ لِهَذَا الرَّجُلِ عَنزَةٌ فَذَبَحَهَا لَهُمَا فَأَكَلَا مِنْهَا .

عِنْدَمَا أَرَادَ الضَّيْفُ أَنْ يَتْرُكَ الرَّجُلَ قَالَ لِابْنِهِ : إِذْفَعْ لَهُ مِائَةَ دِينَارٍ فَقَالَ وَلَدُهُ : هُوَ فَاقِيرٌ يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ . فَأَجَابَ : أَنَا لَا أَقْبَلُ أَنْ أُدْفَعَ لَهُ الْقَلِيلَ لِأَنَّهُ ذَبَحَ لَنَا كُلَّ مَا كَانَ عِنْدَهُ .

للتعريب :

تلاش رمز موفقیت است

- رمز موفقیت تو در درس چیست؟
- من تلاش می کنم . هر کس تلاش کند موفق می شود .
- آیا مرا در درس ها کمک می کنی؟
- البته، با کمال میل .
- سپاسگزارم . دوست دارم که در همه درس ها قبول شوم .
- چه وقت شروع کنیم؟
- امروز
- بسیار خوب، من در خدمت شما هستم .
- متشکرم .^۱

۱- تلاش : الاجتهاد - رمز موفقیت : سز النجاح - کمک می کنی : تُسَاعِدُ - البته : طبعاً - با کمال میل :

بكل سرور (بكل رغبة) - قبول شوم : أن أنجح - بسیار خوب : جيد جداً - خدمت شما : خدمتک

– فعل مضارع مجزوم به «لم» معمولاً معادل ماضی منفی است :

لم یکتُبْ = ما کَتَبَ : نوشت لم یذهبوا = ما ذَهَبُوا : نرفتند

لم یتکاسلنَ = ما تکاسلنَ : تنبلی نکردند.

– فعل شرط و جواب شرط هرگاه ماضی باشند معمولاً معنای مضارع می دهند :

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ﴾ : اگر نیکی کنید، به خود نیکی می کنید.

– فعل مضارع مجزوم به لام امر مانند مضارع التزامی فارسی ترجمه می شود :

لِيَنْهَضْ : باید برخیزد لِيَعْلَمُوا : باید بدانند

لِيَذْهَبْ : باید برویم

صَحَّحْ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾

اعراب گفتند : ما ایمان می آوریم، بگو شما ایمان نمی آورید بلکه بگوئید اسلام

می آوریم.

۲- لِيَكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ.

محبوب ترین توشه ها در نزد تو توشه کار نیک است.

۳- مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ حَصْمَهُ.

هرکس به بندگان خدا ستم کرد، خداوند دشمن او بود.

اقرأ العبارات ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مؤلفة:

* يَا بَنِيَّ أَحِبِّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَلَا تَظْلَمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَاسْتَفْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ.

استفبیح: ناپسند بدار یُحْسَنَ إِلَيْكَ: به تو نیکی شود أن تُظْلَمَ: مورد ستم واقع شوی

۱- با انتخاب کلمه مناسب ترجمه آیات زیر را کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (الطلاق / ۳)

هر کس چه کسی

و به خدا توکل کند خدا او را کفایت می کند.

(ب) ﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ﴾ (التغابن / ۱۷)

اگر که

..... به خداوند وامی نیکو دهید خداوند آن را برای شما دو برابر می کند.

(ج) ﴿وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (آل عمران / ۹۲)

اگر هر آن چه

..... انفاق کنید پس خداوند به آن آگاه است.

۲- آیات زیر را با فعل مناسب کامل کنید.

(الف) ﴿وَمَا ... مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۱۵)

تفعلون تفعلوا

و هر آن چه را از کار نیک انجام دهید خداوند بی شک به آن آگاه است.

(ب) ﴿فَاذْكُرُونِي ... كُمْ﴾ (البقرة / ۱۵۲)

أذكُر أذكُر

پس مرا یاد کنید تا من نیز شما را یاد کنم.

(ج) ﴿فَمَنْ ... مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (الزلزال / ۷)

يعمل يعمل

و هر کس به وزن ذره ای نیکی کند آن را می بیند.

الدّرس الثامن

المبني للمعلوم و المبني للمجهول

فعلها از جهت فاعل بر دو نوع هستند.

- ۱- فعلی که فاعل و انجام دهنده آن مشخص است نام دارد.
- ۲- فعلی که فاعل و انجام دهنده آن نامشخص است نام دارد.

مبني للمجهول

مبني للمعلوم

چگونه و با چه علامت‌هایی می‌توان فعل مجهول را شناخت؟



آیا می‌توانید فعل‌های مجهول را در جمله‌های زیر تشخیص دهید؟

- | | |
|-------------------------|---------------------|
| معلم درس می‌دهد. | درس داده می‌شود. |
| باغبان نهالی کاشت. | نهالی کاشته شد. |
| دانش‌آموز کتابی می‌خرد. | کتابی خریده می‌شود. |

در کدام قسمت فاعل و انجام دهنده کار «معلوم» است؟
در کدام قسمت فاعل و انجام دهنده کار «مجهول» است؟

چه تفاوتی میان فعل‌ها مشاهده می‌کنید؟

در زبان فارسی فعل‌ها را می‌توان با فعل کمکی «شدن» مجهول نمود.

در زبان عربی چگونه می توان فعل ها را مجهول ساخت؟



روش مجهول نمودن فعل

مضارع

ماضی

عین الفعل را فتحه می دهیم.

عین الفعل را کسره می دهیم.

فقط حرف مضارعه را مضموم می کنیم.

حروف متحرک ماقبل را مضموم می کنیم.

يَخْلُقُ : می آفریند

خَلَقَ : آفرید

يُخْلَقُ : آفریده می شود

خُلِقَ : آفریده شد

يَحْتَرِمُ = احترام می کند

اِحْتَرَمَ = احترام کرد

..... =

..... =

بنابراین :

با مجهول شدن فعل و حذف فاعل آیا جمله ناقص نمی شود و معنی لطمه نمی خورد؟

دانستیم :

که فعل مجهول فعلی است که فاعل آن مجهول است و در جمله وجود ندارد.

اگر مدیر مدرسه در محل کار خود حاضر نباشد چه کسی به جای او انجام وظیفه می کند؟



در جمله مجهول پس از حذف فاعل، باید کلمه دیگری را جانشین آن نمود تا فعل را به آن نسبت دهیم. به نظر شما کدام یک از این کلمات جانشین فاعل (نایب فاعل) می‌شود؟



بنابراین برای مجهول کردن یک جمله مراحل زیر به ترتیب انجام می‌شود:

غَرَسَ	الفَلَاخُ	شَجَرَةٌ	في الحديقة.	حذف فاعل ۱
فعل	فاعل	مفعول به	جار و مجرور	
غَرَسَ الفَلَاخُ شَجَرَةً في الحديقة.				تعیین نایب فاعل ۲
غَرَسَ شَجَرَةً في الحديقة.				
غُرِسَتْ	شَجَرَةٌ	في الحديقة.	تغییر حرکات و صیغه فعل ۳	
فعل مبني للمجهول	نایب فاعل	جاز و مجرور		

فاعل در جمله حذف می‌شود.

مفعول به به عنوان نایب فاعل در جای فاعل قرار گرفته مرفوع می‌شود.

حرکات فعل متناسب با ماضی و یا مضارع بودن آن تغییر می‌کند و از نظر مذکر و مؤنث بودن با نایب فاعل مطابقت می‌کند.

آیا می دانید چرا به **مفعول به** ← **نایب فاعل** گفته می شود؟

حال که بعد از حذف فاعل، مفعول به از جهت مکان، اعراب و تبعیت فعل و جنس، احکام فاعل را دارد شایسته است آن را جانشین فاعل یعنی «**نایب فاعل**» بنامیم.

آیا احکام دیگری نیز برای فاعل سراغ دارید؟ آیا انواع فاعل را به یاد می آورید؟

اسم ظاهر **كُتِبَ الدَّرْسُ**.

ضمیر بارز **الأعداءُ قُتِلُوا** في الحربِ.

ضمیر مستتر **الصدیقُ يُعْرِفُ** عندَ الشَّدائِدِ. (هو)

انواع نایب فاعل

نایب فاعل

از جهت نوع
نیز مانند فاعل
است.

البوصيري

وُلِدَ الإِمَامُ شَرْفُ الدِّينِ مُحَمَّدُ البوصيريُّ في عام ١٦٠٨ لِلهِجْرَةِ. سَكَنَ البوصيريُّ القُدْسَ و مَكَّةَ و المَدِينَةَ و مِصْرَ و افْتَتَحَ في مِصْرَ مَكْتَباً للقرآنِ الكَرِيمِ. كانَ البوصيريُّ فقيهاً و كاتباً و رياضياً و شاعراً و لكنَّهُ عُرِفَ في الشُّعْرِ و في مَدْحِ الرَّسولِ خاصَّةً. و له قصيدةٌ في ١٨٠ بيتاً^٢ أنشدَها حينما كانَ فالجاً فاستشفَّعَ بِها إلى اللَّهِ لِإِعافِيهِ فَرَأَى في المَنامِ النَّبِيَّ (ص) يَمَسُحُ على بَدَنِهِ بِيَدِهِ المَبَارَكَةِ ثمَّ أَلْبَسَهُ بُرْدَةً فَعِنْدَمَا اسْتَيْقَظَ، شَعَرَ بِأنَّهُ قد سَلِمَ مِنْ هذا المَرَضِ فَحَمِدَ اللَّهَ على ذلكَ. تُوفِّيَ البوصيريُّ في القَاهِرَةَ و هو كانَ في السَّادِسَةِ و الثَّمانِينَ مِنْ عُمُرِهِ. إِيكَ بَعْضُ آيَاتِ مِنْ قَصِيدَتِهِ «البُرْدَةُ» :

مُحَمَّدُ سَيِّدُ الكَوْنَيْنِ و الثَّقَلَيْنِ —
نَبِيُّنا الأَمْرُ النَّاهِي فلا أَحَدٌ
هوَ الحَبِيبُ الَّذِي تُرَجَى شِفاعَتُهُ
دَعَا إلى اللَّهِ فَالمُسْتَمْسِكُونَ بِهِ
فاقِ النَّبِيِّينَ في خَلْقِ و في خُلُقِ
بِنِ و الفَرِيقَيْنِ مِنْ عُرْبٍ و مِنْ عَجَمِ
أَبْرَ في قولِ «لا» مِنْهُ و لا «نَعَم»
لِكُلِّ هَوَلٍ مِنْ الأَهْوالِ مُقْتَحِمِ
مُسْتَمْسِكُونَ بِحَبْلِ غَيْرِ مُنْقَصِمِ
و لم يُدائِئُوهُ في عِلْمِ و لا كَرَمِ

١- سِتْمِائَةٌ و ثَمَانِيَةٌ

٢- مائةٌ و ثمانينَ بيتاً

مَن هو أَحَقُّ بِالْجَنَّةِ؟

رُوي أَنَّ النَّبِيَّ (ص) ذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الصُّبْحِ. فَوَجَدَ رَجُلًا يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي. وَ عِنْدَمَا عَادَ الرَّسُولُ (ص) لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ وَجَدَ ذَلِكَ الرَّجُلَ مَا زَالَ يَتَعَبَّدُ وَ عِنْدَمَا وَجَدَهُ فِي الْمَغْرِبِ يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي أَيْضًا قَالَ لَهُ: إِنَّكَ دَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ! أَلَيْسَ لَكَ عَمَلٌ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنَّي أَتَعَبَّدُ لِكَيْ يَدْخِلَنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ. فَسَأَلَهُ النَّبِيُّ (ص): مَنْ يَتَكَفَّلُ مَعَاشَ أَهْلِكَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَخِي! فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ أَخَاكَ لَأَحَقُّ مِنْكَ بِالْجَنَّةِ.

أجب عن الأسئلة التالية:

- ١- أين كان البوصيريُّ يَسْكُنُ؟
- ٢- ما رأى البوصيريُّ في المَنَامِ؟
- ٣- ماذا وَجَدَ النَّبِيُّ (ص) فِي الْمَسْجِدِ حِينَ عَادَ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ؟
- ٤- ما كان هَدْفُ الرَّجُلِ مِنَ الْعِبَادَةِ الْكَثِيرَةِ؟

عَيِّرْ أفعالَ الجُمَلِ مِنَ المَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ إِلَى المَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ مُسْتَعِيناً بِالصُّوَرِ :



١- تُرْشِدُ المَعْلَمَةُ التِّلْمِيذَاتِ.

.....



٢- يَقْرَأُ الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ صَبَاحٍ.

.....



٣- نَصَرَ اللّهُ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ.

.....

عَيِّزْ أفعالَ الجُمَلِ مِنَ المَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ إِلَى المَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ مُسْتَعِيناً بِالصُّوْرِ :



١-
كُتِبَ الدَّرْسُ.



٢-
يُحَصَدُ الزَّرْعُ.



٣-
سُمِعَ صَوْتُ الجَرَسِ.

التمرين الثالث

عَيِّن الفعل المبني للمجهول واكْتُب نوعه :

- ١- ﴿قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا﴾
- ٢- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾
- ٣- ﴿قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا﴾
- ٤- ﴿وإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾
- ٥- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾

التمرين الرابع

عَيِّن المرادف والمُضَادَّة : (=، ≠)

الهُول الخَوْف	الأمير النَّاهي	سَلِمَ مَرِضَ
الغزوة الحَرْب	رَأى شَاهَدَ	عَادَ رَجَعَ

– در ترجمه افعال مجهول از صیغه‌های «شدن» استفاده می‌کنیم :
 أَنْزَلَ الْقُرْآنَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) : قرآن بر پیامبر خدا (ص) نازل شد.
 صَحَّخَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

۱- نُصَدِّرُ بَعْضَ الْمُنتَجَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ.

برخی از فرآورده‌های ایرانی را به خارج کشور صادر می‌کنند.

۲- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

و چون قرآن می‌خوانند به آن گوش سپاریم و خاموش باشیم شاید که مورد رحمت قرار گیریم.

۳- تُنَزَّلُ عَلَيْنَا النُّعْمُ السَّمَاوِيَّةُ.

نعمت‌های آسمانی بر ما نازل شد.

إِقْرَأِ الْعِبْرَةَ ثُمَّ تَرْجِمْنَهَا إِلَى الْفَارَسِيَّةِ بِعِبْرَةٍ مَأْلُوفَةٍ :

* تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

مخبوء : پنهان

المرء : انسان

در کدام آیه فعل مجهول به کار نرفته است؟

﴿إِتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ (الأعراف / ۳)

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكعبةَ الْبیتَ الْحَرَامَ قیاماً لِلنَّاسِ﴾ (المائدة / ۹۷)

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران / ۱۳۲)

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

العدد

آیا نام اعداد را در زبان عربی می دانید؟

برای آشنایی بیشتر با عدد به جدول زیر توجه کنید.

عدد	واحد	إِثْنَانِ	ثَلَاثَة	أَرْبَعَة	خَمْسَة	سِتَّة	سَبْعَة	ثَمَانِيَة	تِسْعَة	عَشْرَة
شماره	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰

از آنجا که مذکر و مؤنث بودن در زبان عربی کاربردی فراگیر و گسترده دارد، اعداد نیز از این قاعده مستثنی نبوده و به دو صورت مذکر و مؤنث به کار می روند.

ج

۱۱ و ۱۲		
مؤنث	مذکر	عدد
إِخْدَى عَشْرَة	أَحَدَ عَشَرَ	۱۱
إِثْنَا عَشْرَة	اِثْنَا عَشَرَ	۱۲
إِثْنَتِي عَشْرَة	إِثْنِي عَشَرَ	

ب

۳ تا ۱۰		
مؤنث	مذکر	عدد
ثَلَاثَة	ثَلَاث	۳
أَرْبَعَة	أَرْبَع	۴
خَمْسَة	خَمْس	۵
سِتَّة	سِت	۶
سَبْعَة	سَبْع	۷
ثَمَانِيَة	ثَمَانِي	۸
تِسْعَة	تِسْع	۹
عَشْرَة	عَشْر	۱۰

الف

۱ و ۲		
مؤنث	مذکر	عدد
وَاحِدَة	وَاحِد	۱
إِثْنَانِي	إِثْنَان	
إِثْنَتَيْنِ	إِثْنَيْنِ	۲

مفرد

به اعداد ۱ تا ۱۰ که از یک جزء

مرکب

ساخته شده اند عدد ... گویند.

مفرد

به اعداد ۱۱ و ۱۲ که از دو جزء

مرکب

تشکیل شده اند عدد ... گویند.

به کلماتی که شمرده می شوند «معدود»

گفته می شود.

معدود بر وزن «مفعول» به معنای «شمرده

شده» است.

﴿وَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾^۱

﴿لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ﴾^۲

﴿قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ﴾^۳

﴿فَسَيُحِوُّوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾^۴

﴿يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ﴾^۵

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾^۶

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ﴾^۷

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ﴾^۸

﴿فَكَفَّرْتُهُ إِطْعَامَ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ﴾^۹

﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا﴾^{۱۰}

در قرآن کریم نیز از اعداد بسیار استفاده شده است. بعد از قرائت آیات شریفه، عدد و معدود به کار رفته در آنها را مشخص کنید.

(البقرة / ۱۶۳)

(التحل / ۵۱)

(آل عمران / ۴۱)

(التوبة / ۲)

(آل عمران / ۱۲۵)

(هود / ۷)

(الحاقة / ۷)

(الإسراء / ۱۰۱)

(المائدة / ۸۹)

(يوسف / ۴)

۱- معبودتان یک خدا است.

۲- دو معبود برای خود برنگزینید.

۳- گفت: نشانه تو این است که سه روز با مردم سخن نگویی.

۴- چهار ماه در زمین بگردید.

۵- خدایان با پنج هزار فرشته شما را یاری می کند.

۶- او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید.

۷- هفت شب و هشت روز طوفان را بر آنان مسلط ساخت.

۸- حقیقتاً نه نشانه آشکار به موسی بخشیدیم.

۹- پس کفاره آن، اطعام ده مسکین است.

۱۰- من یازده ستاره را دیدم.

جدول کاربرد اعداد ۱ تا ۱۰ با معدود مذکر و معدود مؤنث

<p>قَرَأْتُ مَجَلَّةً وَاحِدَةً.</p>	<p>قَرَأْتُ كِتَابًا وَاحِدًا.</p>	<p>هر اسم مفردی بر «یک» بودن دلالت می‌کند و هر مثنایی بر «دو» بودن دلالت دارد.</p> <p>لذا این دو عدد «یک و دو» را می‌توان پس از اسم مفرد یا مثنی برای تأکید کردن آورد.</p>	<p>۱ و ۲</p>	
<p>هَاتَانِ مَجَلَّتَانِ اثْنَانِ. قَرَأْتُ مَجَلَّتَيْنِ اثْنَتَيْنِ.</p>	<p>هَذَانِ كِتَابَانِ اثْنَانِ. قَرَأْتُ كِتَابَيْنِ اثْنَيْنِ.</p>			
<p>کاربرد عدد با معدود مؤنث</p>	<p>کاربرد عدد با معدود مذکر</p>	<p>شرایط معدود</p>	<p>شرایط عدد</p>	
<p>قَرَأْتُ ثَلَاثَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ أَرْبَعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ خَمْسَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ سِتَّ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ سَبْعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ تِسْعَ مَجَلَّاتٍ. قَرَأْتُ عَشْرَ مَجَلَّاتٍ.</p>	<p>قَرَأْتُ ثَلَاثَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ أَرْبَعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ خَمْسَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ سِتَّةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ سَبْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ ثَمَانِيَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ تِسْعَةَ كُتُبٍ. قَرَأْتُ عَشْرَةَ كُتُبٍ.</p>	<p>جمع و مجرور</p>	<p>اما اعداد از سه تا ده همراه معدود به کار می‌روند.</p> <p>این اعداد بر عکس معدود خود به کار می‌روند. یعنی برای معدود مذکر با «تاء» و برای معدود مؤنث بدون «تاء» استفاده می‌شوند.</p> <p>نقش: متناسب با نیاز جمله</p>	<p>۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰</p>

جدول کاربرد اعداد ۱۱ و ۱۲ با معدود مذکر و معدود مؤنث

کاربرد عدد با معدود مؤنث	کاربرد عدد با معدود مذکر	شرایط معدود	شرایط عدد
قَرَأْتُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَجَلَّةً.	قَرَأْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: أَحَدَ عَشَرَ برای معدود مؤنث: إِحْدَى عَشْرَةَ (هر دو جزء مبني بر ففتح)
هُنَا اثْنَا عَشْرَةَ مَجَلَّةً. قَرَأْتُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَجَلَّةً.	هُنَا اثْنَا عَشَرَ كِتَابًا. قَرَأْتُ اثْنَيْ عَشَرَ كِتَابًا.	مفرد و منصوب	برای معدود مذکر: } اثْنَا عَشَرَ } اِثْنَيْ عَشَرَ برای معدود مؤنث: } اثْنَا عَشْرَةَ } اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ (جزء دوم مبني بر ففتح)

وظیفه اعداد در ساختار جمله چیست و چه سهمی در ساختن آن دارند؟

؟

آیا

نقش و اعراب نگرفته و سهمی در ساختن جمله ندارند؟

یا

به عنوان عضوی از اعضای جمله نقش پذیرفته و انجام وظیفه می کنند؟

برای یافتن پاسخ بعد از مقایسه این عبارات با قضاوت کنید.

سَلَّمْتُ عَلَى الطَّلَابِ.

رَأَيْتُ الطَّلَابَ فِي الْمَدْرَسَةِ.

خَرَجَ الطَّلَابُ مِنَ الْبَيْتِ.

سَلَّمْتُ عَلَى أَرْبَعَةِ طُلَّابٍ.

رَأَيْتُ أَرْبَعَةَ طُلَّابٍ فِي الْمَدْرَسَةِ.

خَرَجَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ مِنَ الْبَيْتِ.

چه نتیجه‌ای
گرفتید؟

عدد نیز به عنوان عضوی از اعضای جمله
نقش پذیرفته و انجام وظیفه می‌کند.

اعراب عدد

از جهت اعراب تابع ماقبل خود است :
هَذَا قَلَمٌ **وَاحِدٌ** . قَرَأْتُ **مَجْلَتَيْنِ** **اِثْنَتَيْنِ** .

۱ و ۲

متناسب نیاز جمله نقش می‌گیرد و می‌تواند مرفوع یا منصوب و یا مجرور شود. مانند :
حَضَرَ **ثَلَاثَةَ** مُعَلِّمِينَ و **ثَلَاثُ** مُعَلِّمَاتٍ . - رَأَيْتُ **ثَلَاثَةَ** مُعَلِّمِينَ و **ثَلَاثُ** مُعَلِّمَاتٍ .

۳ تا
۱۰

متناسب نیاز جمله نقش پذیرفته اما هر دو جزء آن مبنی بر فتح است لذا اعراب آن در هر سه حالت محلی است.
حَضَرَ **أَحَدَ** عَشَرَ فَلَاحاً . رَأَيْتُ **أَحَدَ** عَشَرَ فَلَاحاً . سَلَّمْتُ عَلَى **أَحَدَ** عَشَرَ فَلَاحاً .

۱۱

متناسب با نیاز جمله نقش می‌پذیرد. اما جزء اول «معرّب» و جزء دوم مبنی بر فتح است.
جاء **اِثْنَا** عَشَرَ طَالِباً . رَأَيْتُ **اِثْنَتِي** عَشْرَةَ طَالِبَةً . سَلَّمْتُ عَلَى **اِثْنِي** عَشَرَ مُعَلِّمًا و **اِثْنَتِي** عَشْرَةَ مُعَلِّمَةً .

۱۲

هل تعلم...

— أن نوعاً من الكنغر يُقدِرُ أن يقفزَ إلى الأعلى أكثرَ من ثلاثة أمتارٍ وأكثرَ من

اثني عشرَ متراً إلى الأمام، وذلك في قفزةٍ واحدةٍ!؛

— أن قلبَ الإنسانِ إلى نهايةِ عمرِه يُضخُّ من الدَّمِ ما يُعادلُ مِلياً أكثرَ من عشرِ

ناقلاتِ نفطٍ كبيرةٍ، حجْمُ كُلِّ مِنْهَا مليونُ برميلٍ!؛

— أن القِطَّةَ تَرى في الظلامِ أَفْضَلَ مِنَ الإنسانِ بِسَبْعِ مَرَّاتٍ والسَّببُ يعودُ

إلى توسُّعِ الحدقتينِ عندَ وصولِ الضَّوءِ وتأثيرِ الخلاياِ الموجودةِ في عُيونِ القِطَّةِ

التي تَعْمَلُ كِمِرْآةٍ تَعكِسُ الأضواءَ.

أكمل كل جملة باختيار عددٍ أو مَعْدودٍ مُناسبٍ :

في البيتِ خَمْسَةُ ...

مَصَابِيحٍ

مَصَابِيحَ

مَصَابِيحِ

لكلِّ فصلٍ ... أَشْهُرٍ .

ثَلَاثَةٌ

ثَلَاثُ

ثَلَاثَةٌ

رَأَيْتُ فِي الْمَوْقِفِ ... سَيَّارَةً .

اِثْنَيْ عَشَرَ .

اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ

اِثْنَا عَشْرَةَ

نَتَعَلَّمُ فِي الْمَدْرَسَةِ لُغَتَيْنِ ...

اِثْنَتَيْنِ

اِثْنَتَانِ

اِثْنَيْنِ

أَهْدَيْتُ ... كِتَابًا إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ .

اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ

اِثْنَا عَشْرَةَ

اِثْنَيْ عَشَرَ

فِي الْحَدِيقَةِ ... شَجَرَةً .

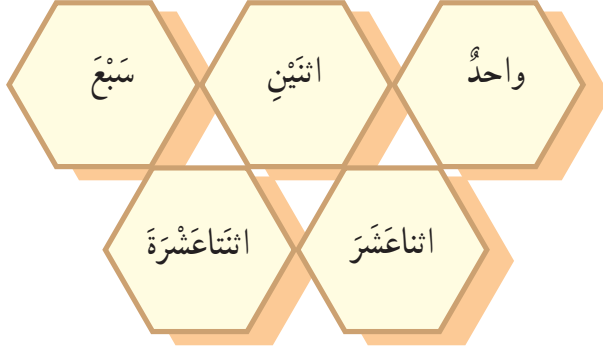
إِحْدَى عَشَرَ

إِحْدَى عَشْرَةَ

أَحَدَ عَشَرَ

التمرين الثاني

انخبِ للفراغ عدداً مناسباً :



- ١- ﴿فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ ... عَيْنًا﴾ (البقرة / ٦٠)
- ٢- ﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ ... سَمَاوَاتٍ طَبَاقًا﴾ (نوح / ١٥)
- ٣- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ ... إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ ...﴾ (النحل / ٥١)
- ٤- ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ ... شَهْرًا﴾ (التوبة / ٣٦)



التمرين الثالث

أكمل الفراغ بالعدد المناسب :

كرة السلة

- تدور مباراة كرة السلة بين فريقين ...
ويتألف كل فريق من ... لاعبين.
يُسْرَفُ عَلَى الْمُبَارَاةِ حَكَمٌ ...
و يُسَاعِدُهُ حَكَمَانِ ...
- (اثنان، اثنتين، اثنيان)
(خمسة، خمسة، خمسة)
(واحد، واحدة، واحد)
(اثنان، اثنيان، اثنان)

أَكْمِلِ الْفَرَاغَ بِالْمَعْدُودِ الْمُنَاسِبِ :

مُبَارَاةٌ رِيَاضِيَّةٌ

«أَجْرِيْتُ خِلَالَ ... وَاحِدَةٍ،	«عَامٌ، سَنَةٍ، سَنَةً»
خَمْسٌ ... رِيَاضِيَّةٌ فِي مَدْرَسَتِنَا»	«مَسَابِقَاتٍ، مَسَابِقَةٍ، مَسَابِقَتَانِ»
«إِشْتَرَكْتُ فِيهَا أَكْثَرَ مِنْ أَحَدِ عَشَرَ ...»	«فَرِيقَانِ، فَرِيقًا، فَرِيقٌ»
«فِي كُلِّ فَرِيقٍ سَبْعَةٌ ...»	«لَاعِبًا، لَاعِبَاتٍ، لَاعِبِينَ»
«وَحَصَّصَ الْمُدِيرُ ... اثْنَتَيْنِ لِلفَائِزَيْنِ	«جَائِزَةً، جَائِزَتَيْنِ، جَوَائِزَ»
فِي ... وَاحِدَةٍ»	«لُعْبَةٍ، أَلْعَابٍ، لُعْبَتَانِ»

التَّهْرِينِ الرَّابِعِ

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

- 1- قَرَأْتُ خُطْبَةً وَاحِدَةً مِنْ نَهْجِ الْبَلَاغَةِ.
- 2- حَفِظْنَا جُزْأَيْنِ اثْنَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ.
- 3- اسْتَشْهَدَ فِي سَاحَةِ الْجِهَادِ اثْنَا عَشَرَ مُجَاهِدًا.
- 4- فِي مَكْتَبَتِي أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ مَجَلَّاتٍ.
- 5- فِي الْمَسْبُوحِ اثْنِي عَشَرَ سَابِحًا.

آمادگی برای امتحان

للتعريب :

- سه ماه دیگر امتحانات شروع می شود.
- بله، می دانم.
- آیا شما برای امتحان آماده ای؟
- بله، من هر روز چهار ساعت درس می خوانم.
- بسیار خوب، چند ساعت عربی می خوانی؟
- یک ساعت عربی می خوانم.
- زبان عربی از درس های مهم است.
- ما همیشه به این زبان نیاز داریم.
- بله، زبان عربی زبان دین و فرهنگ ماست^۱.

۱- آمادگی : الاستعداد - سه ماه دیگر : بعد ثلاثة أشهر - آماده : مستعد - درس می خوانم : أدرُس - چند ساعت : كم ساعة - همیشه : دائماً - نیاز داریم به : نحن بحاجة إلى ... - فرهنگ : ثقافة

– اعداد ترتیبی در زبان عربی عبارتند از: أول، ثاني، ثالث، رابع، خامس، سادس، سابع، ثامن، تاسع، ... عاشر، حادي عشر، ثاني عشر، ... :
 قرأت الصفحة الثانية من الدرس الثالث : صفحه دوم از درس سوم را خواندم.

للترجمة

- ۱- أُسْتُشْهِدَ الْإِمَامَ الْحُسَيْنَ (ع) فِي الْيَوْمِ الْعَاشِرِ مِنْ شَهْرِ مُحَرَّمٍ.
- ۲- دُفِنَ أَرْبَعَةَ أُمَّةٍ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ (ع) فِي الْبَقِيعِ.

إِذَا الْعَبْرَةُ تَمَّ تَرْجُمَتُهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَةٍ مَأْلُوفَةٍ :

* النَّاسُ ثَلَاثَةٌ : فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رِعَاعٌ ...
 يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ.

هَمَّجٌ رِعَاعٌ : انسان های بی مایه و اختیار

ريح : باد، نسیم

عدد مناسب را در جای خالی آیات زیر قرار دهید :

۱- ﴿ وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ﴾ (الاسراء / ۱۰۱) تسعة تسع

۲- ﴿ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي أَيَّامٍ ﴾

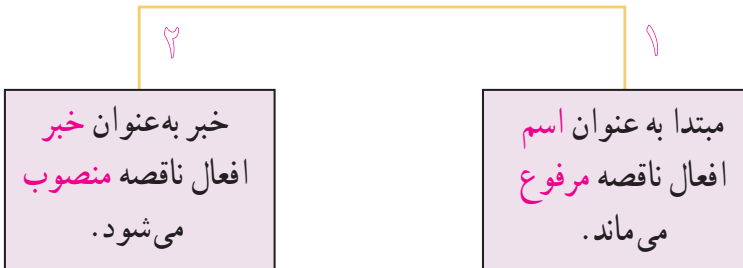
(الأعراف / ۵۴) ستة ست

الدَّرْسُ العَاشِرِ

الأفعال الناقصة

كان

از افعال ناقصه است که چون بر سر مبتدا و خبر وارد شود :



ليس المؤمنُ مُعتدياً.

اسم ظاهر

كنتُ نشيطاً في الدرسِ.

ضمير بارز

اسم افعال
ناقصه

كُنْ (أنتَ) صادقاً في عملك .

ضمير مستتر

هرگاه مبتدا ضمير منفصل باشد، برای این اسم افعال ناقصه قرار گیرد، باید فعل را متناسب با آن صیغه آورد.
هُم نَاجِحُونَ. ← أَصْبَحُوا نَاجِحِينَ.

أنتنَّ نَاجِحَاتٌ. ← أَصْبَحْتُنَّ نَاجِحَاتٍ.

نکته

انواع خبر افعال ناقصه

كَانَ الْفَلَّاحُ واقِفاً.

مفرد

كَانَ الْفَلَّاحُ يَزْرَعُ الأَرْضَ.

جمله

كَانَ الْفَلَّاحُ فِي المزرعةِ.

شبه جمله

به فعل های این جملات توجه کنید :

أَصْبَحَ الجَوُّ بارداً. أَصْبَحَ التِّلْمِيذَانِ نَاجِحِينَ.
لَيْسَ الطَّالِبُ حَاضِراً. لَيْسَتِ الطَّالِبَاتُ مُتَكَاسِلَاتٍ.
صَارَتِ الأَرْضُ خَضراءَ. صَارَ المَسْلَمُونَ مُتَقَدِّمِينَ فِي العَالَمِ.

مهم ترین فعل هایی که مانند «کان» عمل می کنند و آن ها را «أَخَوَاتِ كَان» می نامند عبارتند از :
«صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ، مَادَامَ، مازالَ»

تَضِحِيَّةُ الْأُمِّ

كَانَتْ أُمِّي تَشْتَعِلُ بِحَيَاكَةِ الْمَلَابِسِ وَ تَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ لِتَحْصُلَ عَلَى التُّقُوذِ
الْأَلَزِمَةِ لِشِرَاءِ حَاجَاتِ الْبَيْتِ وَ كَانَتْ تُتْعِبُ نَفْسَهَا فِي الْعَمَلِ لَيْلاً وَ نَهَاراً.
سَأَلْتُ وَالِدَتِي :

لِمَاذَا تُتْعِبِينَ نَفْسَكَ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يَا أُمِّي!
فَقَالَتْ :

إِنَّ الْعَمَلَ شَيْءٌ حَسَنٌ، وَأَنَا أَعْمَلُ كَثِيراً حَتَّى أَوْفَرَ الطَّعَامَ وَالْمَلَابِسَ وَاللُّوْازِمَ
الْمَدْرَسِيَّةَ.

وَكَانَتْ تَطْلُبُ مِنِّي دَائِماً أَنْ أَكْتُبَ دُرُوسِي وَأَعْمَلَ بِوَأَجِبَاتِي الْمَدْرَسِيَّةَ وَ كَانَتْ
تَقُومُ هِيَ بِتَحْضِيرِ الطَّعَامِ وَإِدَارَةِ الْبَيْتِ وَ فِي اللَّيَالِي تَسْهَرُ وَ تَعْمَلُ مِنْ أَجْلِ رَاحَتِي.
وَ كُنْتُ أَشَاهِدُ مِقْدَارَ الْجُهْدِ الَّذِي تَبْدُلُهُ لِكَي تُوفِّرَ لِي السَّعَادَةَ وَ الْحَيَاةَ الْكَرِيمَةَ.

يَا لَهَا مِنْ أُمَّ حَنُونٍ!
وَ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوفِّقَنِي لِخِدْمَتِهَا فِي الْمُسْتَقْبَلِ.

اللِّسَانُ

كَانَ لُقْمَانُ تَلْمِيذاً فِي صِغَرِهِ عِنْدَ أَحَدِ الْأَطْبَاءِ فَأَرْسَلَ الْأُسْتَاذُ تَلْمِيذَهُ إِلَى السُّوقِ
وَ طَلَبَ مِنْهُ أَنْ يَشْتَرِيَ لَهُ أَجُودَ قِطْعَةٍ مِنْ ذَبِيحَةٍ فَذَهَبَ وَ رَجَعَ وَ مَعَهُ لِسَانُ
خَرُوفٍ.

و في اليومِ الثاني
أرسله إلى السوقِ و طلبَ منه أنْ يشتريَ أزدًا قِطعةً مِنَ الدَّبِيحَةِ. فَذَهَبَ وَ
رَجَعَ وَ مَعَهُ لِسَانُ خُرُوفٍ أَيْضًا. فَتَعَجَّبَ الأُسْتَاذُ مِنْ عَمَلِ تَلْمِيذِهِ.
فَقَالَ: مَا وَجَدْتُ فِي جِسْمِ الدَّبِيحَةِ قِطْعَةً أَجْوَدَ وَ أَرْدَأَ مِنَ اللِّسَانِ، فَاللِّسَانُ
الكَاذِبُ التَّمَامُ يُؤْذِي النَّاسَ وَ يُعْضِبُ اللَّهَ وَ اللِّسَانُ الصَّادِقُ المُّصْلِحُ يَنْفَعُ النَّاسَ وَ
يُرْضِي اللَّهَ.

أجب عن الأسئلة التالية:

- ١- ماذا طلب الأستاذ من لقمان حين أرسله إلى السوق؟
- ٢- من تعجب من عمل لقمان؟
- ٣- ما هو أجود و أزدأ قطعة من الدبيحة حسب رأي لقمان؟

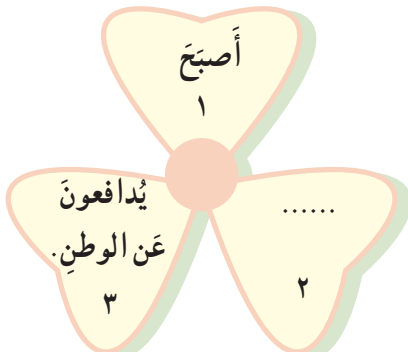
التدريب الأول

إثنيب الجواب الصحيح :

- (١) الف) كَانَ التَّلْمِيذُ يُطَالَعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.
ب) التَّلْمِيذُ كَانَ تُطَالَعُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.
- (٢) الف) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُعْرِّدُ.
ب) أَصْبَحَتِ الْعَصَافِيرُ تُعْرِّدُ.
- (٣) الف) مَازَالَ الطُّلَّابُ يَدْرُسُونَ بِجِدِّ وَنَشَاطٍ.
ب) مَازَالُوا الطُّلَّابُ يَدْرُسَانِ بِجِدِّ وَنَشَاطٍ.
- (٤) الف) الْعَدْرُ لَيْسَتْ صِفَةً مَحْمُودَةً.
ب) لَيْسَ الْعَدْرُ صِفَةً مَحْمُودَةً.

التدريب الثاني

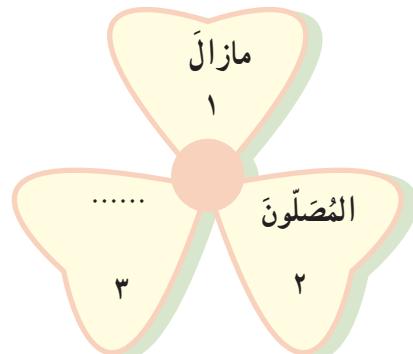
أكمل الفراغ لتصنع جُملاً مفيدةً :



٢- المُجَاهِدَانِ

١- المُجَاهِدِينَ

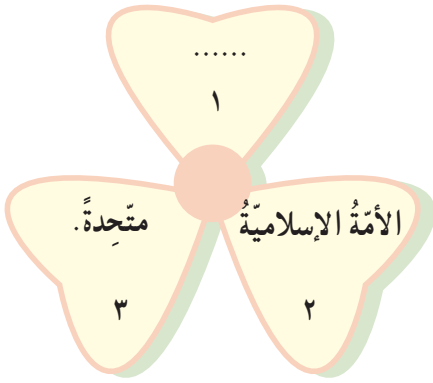
٣- المُجَاهِدُونَ



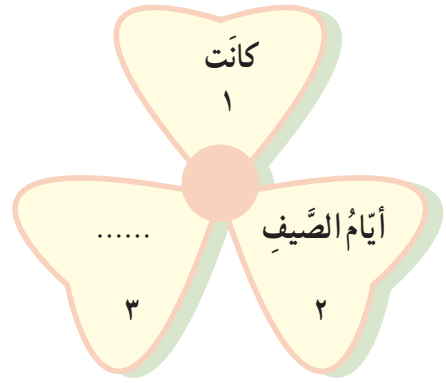
١- فِي الْمَسْجِدِ

٢- حَاضِرُونَ فِي الْمَسْجِدِ

٣- تَجَلِسُونَ خَلْفَ الْإِمَامِ



١- صارت ٢- ما دمت ٣- أصبحوا



١- حاراً ٢- حارّة ٣- حارّة

التدريب الثالث

أكتب إعراب الكلمات التي أُشير إليها بخطّين والتحليل الصرفي للكلمات التي أُشير إليها بخط واحد:

١- تُصْبِحُ الزَّهْرَةُ ثَمْرَةً فِي الرَّبِيعِ.

٢- كَانَ الطَّالِبُ قَدْ كَتَبَ آيَةً كَرِيمَةً عَلَى اللُّوحِ.

التدريب الرابع

احذف الأفعال الناقصة من الجمل التالية وغيّر ما يلزم تغييره:

١- صارَ البوصيرِيُّ معروفاً بقصيدته «البردة».

٢- صارَ الأغنياءُ يُساعدونَ الفقراءَ.

٣- أصبحنا أحراراً بعد ثورتنا الإسلامية.

– خیر کَانَ اگر فعل مضارع باشد معادل ماضی استمراری و هرگاه فعل ماضی باشد معادل ماضی بعید زبان فارسی خواهد بود، مانند :

كَانَ التَّلْمِيذُ يَقْرَأُ دَرْسَهُ : دانش‌آموز درس خود را می‌خواند.

كَانَ التَّلْمِيذُ قَدْ قَرَأَ دَرْسَهُ : دانش‌آموز درس خود را خوانده بود.

للترجمة

إقرأ العبارات التالية ثم عَيِّن ترجمتها الصحيحة :

۱- ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ﴾ (مریم / ۵۵)

- الف) خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان داده بود.
- ب) خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد.

۲- كَانِ الْمُسْلِمُونَ اِكْتَسَبُوا مَكَانَةً عِلْمِيَّةً رَفِيْعَةً فِي الْقُرُونِ الْاَوَّلِيَّةِ .

- الف) مسلمانان در سده‌های نخستین جایگاه علمی والایی به دست آورده بودند.
- ب) مسلمانان جایگاه علمی رفیعی در سده‌های نخستین به دست آوردند.

۳- كَانِ الْفَلَّاحَانِ يَحْصُدَانِ الرَّزْعَ .

- الف) دو کشاورز محصول را درو می‌کردند.
- ب) دو کشاورز محصول را درو کرده بودند.

إقرأ العبارة ثم ترجمها إلى الفارسيّة :

* إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَاباً كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً.

صواب : درست

داء : درد

با انتخاب فعل ناقص مناسب آیات زیر را کامل کنید :

۱- ﴿ فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ ف..... فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ ﴾ (الأعراف / ٧٨)

لَيْسُوا

أَصْبَحُوا

پس زلزله آنها را دربرگرفت تا آن که همه در خانه‌های خود از پای درآمدند.

۲- ﴿ و..... لِلخَاتَيْنِ خَصِيماً ﴾ (النساء / ١٠٥)

لَا تَكُنْ

لَا تَكُونُ

و طرفدار خیانتکاران مباش!

(التين / ٨)

۳- ﴿ أ..... اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴾

صَارَ

لَيْسَ

آیا خدا بهترین داوران نیست؟!

الدَّرْسُ الحَادِي عَشَرَ

الحروف المشبَّهة بالفعل

إِنَّ :

از حروف مشبَّهة بالفعل است که برای رساندن مفهوم تأکید بر سر مبتدا و خبر درمی آید.

با آمدن إِنَّ

و

خبر
به عنوان خبر إِنَّ مرفوع
باقی می ماند.

مبتدا
به عنوان اسمِ إِنَّ منصوب
می شود.

عَالِمٌ	اللَّهِ	إِنَّ
خبرِ إِنَّ و مرفوع	اسمِ إِنَّ و منصوب	از حروف مشبَّهة بالفعل



عَالِمٌ	اللَّهِ
خبر	مبتدا

«إِنَّ» أَخَوَاتٌ دِيْغَرِي نِيْز دَارِد.

أَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ، كَأَنَّ
(که، اینکه) (لیکن) (کاش) (شاید) (گویا، مثل اینکه)
از دیگر حروف مشبَّهة بالفعل می باشند.

اسم و خبر حروف
مشبّهة بالفعل

اسم ظاهر	إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ صَادِقُونَ .
ضمير متصل	إِنَّكَ صَادِقٌ .
مفرد	لَعَلَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ .
جمله	لَعَلَّ الطَّالِبَ يَنْجَحُ .
شبه جمله	لَعَلَّ الطَّالِبَ مِنَ النَّاجِحِينَ .

اسم حروف مشبّهة بالفعل

خبر حروف مشبّهة بالفعل

رابطه میان اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل دقیقاً مانند رابطه مبتدا و خبر است.

به این جملات توجه نمایید :

إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ : همانا خداوند عالم است.

إِنَّمَا اللَّهُ عَالِمٌ : فقط خداوند عالم است.

برای منحصر کردن مفهوم خبر برای مبتدا، می توان به إِنَّ و أَنْ «ما» افزود که به این «ما» مای كَافَّةً یعنی بازدارنده می گویند.

به این «ما» كَافَّةً و بازدارنده گفته اند چون مانع عمل «إِنَّ»... می شود و بعد از آن ممکن است :

جمله فعلیه (فعل + فاعل + ...) بیاید.

إِذَا لَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
از حروف مشبّهة
بالفعل كَافَّةً

و یا

جمله اسمیه (مبتدا + خبر) بیاید.

إِنَّمَا	المؤمنون	إِخْوَةٌ
از حروف مشبّهة بالفعل كَافَّةً	مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع

إِنَّمَا و أَنَّمَا را أدوات حصر گویند.

!

الوالي المتواضع

قَدِمَ رَجُلٌ مِنَ الشَّامِ وَمَعَهُ حِمْلٌ تَمْرٍ وَأَشْيَاءَ أُخْرَى .

في السُّوقِ

إِلَهِي! هَذَا الْحِمْلُ ثَقِيلٌ . مَنْ يُسَاعِدُنِي؟

فَوَقَعَ نَظْرُهُ عَلَى رَجُلٍ حَسِبَهُ فَقِيرًا .

هَلْ تُسَاعِدُنِي وَتَحْمِلُ لِي هَذَا الْحِمْلَ؟

فَأَجَابَهُ الرَّجُلُ : نَعَمْ ، بِكُلِّ سُورٍ .

فَحَمَلَهُ وَ ذَهَبَا مَعًا ... وَ فِي الطَّرِيقِ شَاهِدًا جَمَاعَةً مِنَ النَّاسِ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَمِيرُ!

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ : إِلَهِي! مَنْ هَذَا؟

أَسْرَعَ النَّاسُ نَحْوَهُ لِيَأْخُذُوا مِنْهُ الْحِمْلَ .

فَعِنْدَمَا شَاهَدَ الشَّامِيُّ النَّاسَ قَدِ اجْتَمَعُوا حَوْلَ هَذَا الرَّجُلِ ، سَأَلَهُمْ عَنْهُ ، فَأَجَابُوهُ :

إِنَّهُ أَمِيرُ الْمَدَائِنِ ، إِنَّهُ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ . فَخَجَلَ الرَّجُلُ وَاعْتَدَرَ مِنْهُ وَقَصَدَ أَنْ يَأْخُذَ

الْحِمْلَ . وَلَكِنَّ سَلْمَانَ رَفَضَ وَقَالَ لَهُ : سَأَحْمِلُهُ إِلَى مَقْصِدِكَ .

فَتَعَجَّبَ الشَّامِيُّ مِنْ تَوَاضُعِ الْأَمِيرِ .

أهل مَدِين

مَدِينٌ كَانَتْ مَدِينَةً كَبِيرَةً فِي الشَّامِ وَ كَانَ أَهْلُهَا فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ أَهْلَ صَلَاحٍ وَ

تَقْوَى، يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَلَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئاً وَكَانُوا تُجَّاراً.
وَمَعَ مُرُورِ الْأَيَّامِ تَغَلَّبَ عَلَيْهِمُ الطَّمَعُ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَتَرَكَوا عِبَادَةَ اللَّهِ وَ
كَانُوا يَنْفُصُونَ فِي الْمِيزَانِ.

فَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى شُعَيْباً لِهَدَايَتِهِمْ إِلَى الْحَقِّ وَالنَّهْيِ عَنِ الشَّرِكِ بِاللَّهِ.
فَكَانَ شُعَيْبٌ يُخَاطِبُ النَّاسَ فِي الْأَسْوَاقِ وَيَأْمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَيَمْنَعُهُم عَنِ الْمُنْكَرِ.
فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ قَالَ لَهُ رَجُلٌ :
يَا نَبِيَّ اللَّهِ : إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَأَنَا غَرِيبٌ فِي هَذِهِ الدِّيَارِ . اِسْتَرَيْتُ
مِنْهُمْ مِقْدَاراً مِنَ التَّمْرِ وَلَكِنَّهُمْ نَقَصُوا فِي الْوِزْنِ وَعِنْدَمَا اعْتَرَضْتُ عَلَى هَذَا الْعَمَلِ
ضَرَبُونِي وَهَدَّدُونِي .

فَخَرَجَ شُعَيْبٌ مَعَهُ إِلَى السُّوقِ وَسَأَلَهُمْ عَنْ قِصَّةِ الرَّجُلِ فَلَمْ يُنْكِرُواهَا . وَقَالُوا :
إِنَّ هَذِهِ طَرِيقَةُ آبَائِنَا وَنَحْنُ نَعْمَلُ بِهَا .
فَظَلُّوا عَلَى هَذِهِ الطَّرِيقَةِ فَحَدَّرَهُمْ شُعَيْبٌ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَلَكِنَّهُمْ لَمْ يَسْتَمِعُوا
إِلَيْهِ . فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ وَتَهَدَّمَتْ أَسْوَاقُهُمْ وَبُيُوتُهُمْ فِي زَلْزَلَةٍ شَدِيدَةٍ وَرِيحٍ
حَارِقَةٍ ...!

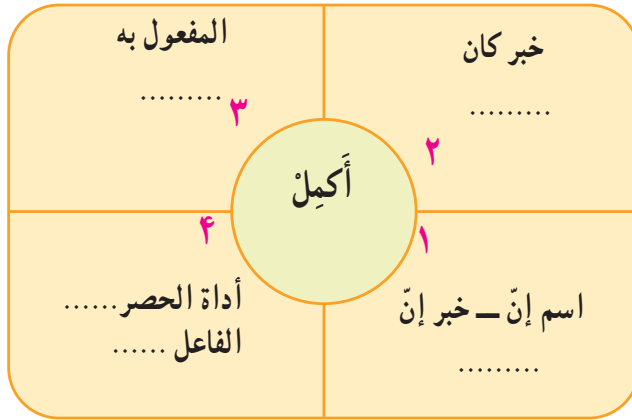
أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

- ١- مِنْ أَيِّ شَيْءٍ تَعَجَّبَ الشَّامِيُّ؟
- ٢- كَيْفَ كَانَ أَهْلُ مَدْيَنَ فِي أَوَّلِ أَمْرِهِمْ؟
- ٣- مَاذَا عَمِلَ أَهْلُ مَدْيَنَ حِينَ اعْتَرَضَ الرَّجُلُ الْغَرِيبَ عَلَى عَمَلِهِمْ؟
- ٤- كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ أَهْلِ مَدْيَنَ؟

التمرين الأول

اكتب ما طلب منك في مكانه الخاص :

- ١- ﴿ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾
- ٢- ﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى ﴾
- ٣- ﴿ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ﴾
- ٤- ﴿ إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتٌ لِلَّهِ فِي الْأَرْضِ .



التمرين الثاني

حوّل الجملة التالية من المفرد إلى المثنى فالجمع :

- ١- إِنَّ الْجُنْدِيَّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ بِرُوحِهِ .
- ٢- لَيْتَكَ تَنْصُرُ الْمَظْلُومِينَ .

التمرين الثالث

اجعل حرفاً مُسبِّهاً بالفعل محلَّ الفعلِ الناقصِ ثمَّ عَيِّرْ ما يَلزَمُ تغيُّرُهُ :

١- مازالَ الحَسَدُ يَفْتُلُ صاحِبَهُ.

٢- كُنْتُ قَدْ نَجَحْتُ في الحياةِ بِجِدِّكَ.

التمرين الرابع

صَحِّحِ الأخطاءَ مَعَ بيانِ السببِ :

١- إِنَّ المسلمونَ مُتَفَرِّقِينَ ماداموا بَعِيدُونَ عَنِ الإسلامِ.

٢- إِنَّ مُرْرَضَاتِ المُسْتَسْفَى سَاهِرَاتٍ طَوَلَ اللَّيْلِ.

التمرين الخامس

اُكْتُبْ إعرابَ الكلماتِ التي أُشيرَ إليها بخطِّينِ والتحليلَ الصرفيَّ للكلماتِ التي أُشيرَ إليها

بخطِّ واحدٍ :

﴿ إِنَّ وَعَدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴾

التمرين السادس

عَيِّنِ التَّرادِفَ والمُضادَّ : (=, ≠)

البَيْعُ الشُّراءُ

سَأَلَ أَجابَ

التَّمَرُ الرُّطْبُ

الصَّادِقُ الكاذِبُ

الأجودُ الأردأُ

الأُمُّ الوالِدَةُ

الأضواءُ الظُّلُماتُ

الأفْضَلُ الأَحْسَنُ

الظَّلامُ التُّورُ

– «إِنَّ» معمولاً در آغاز عبارت می‌آید و بیانگر معنای تأکید است :
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ : قطعاً خداوند نیکوکاران را دوست دارد.
 – «أَنَّ» به معنای «که» یا «این‌که» است و معمولاً میان دو عبارت می‌آید و معادل حرف ربط زبان فارسی است :

عَلِمْتُ أَنَّهَا قَدْ نَجَحَتْ فِي الامْتِحَانِ : دانستم که او در امتحان قبول شده است.
 – خبر «لَبِتُّ» و «لَعَلَّ» در صورتی که مضارع باشد معمولاً در ترجمه آن از مضارع التزامی استفاده می‌کنیم :

لَبِيتَ السَّلَامَ بَسْتَقَرُّ فِي الْعَالَمِ! کاش صلح در جهان استقرار یابد!

للترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عین ترجمتها الصحيحة :

- ۱- إِنَّ التَّمِيمَةَ تَزْرَعُ الضَّغِينَةَ .
 - الف) شاید سخن چینی (بذر) کینه بکارد.
 - ب) همانا سخن چینی (بذر) کینه می‌کارد.
- ۲- لَبِيتَ الْمَوَدَّةَ تَسْتَقَرُّ بَيْنَ النَّاسِ!
 - الف) کاش دوستی در میان مردم جای گیرد!
 - ب) کاش دوستی در میان مردم جای گرفته بود!
- ۳- ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة / ۱۰۶)
 - الف) آیا نمی‌دانی همانا خداوند بر انجام هر چیزی توانا است؟
 - ب) آیا ندانستی که خداوند بر انجام هر چیزی توانا است؟
- ۴- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (إبراهيم / ۲۵)
 - الف) خداوند برای مردم مثل‌ها می‌آورد کاش آن‌ها به یاد می‌آوردند و پند می‌گرفتند.
 - ب) خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند شاید آن‌ها به یاد آورند و پند گیرند.

ترجمه هذه العبارة إلى الفارسية :

* اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.

الْخَلَوَاتُ : جمع خلوة، خلوت

الف) ترجمه آیات زیر را با انتخاب کلمه مناسب کامل کنید :

(البقرة/ ۱۸۹)

۱- ﴿ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾

ای کاش شما

شاید شما

و تقوای خدا را پیشه کنید رستگار شوید.

(النبا / ۴۰)

۲- ﴿ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴾

به درستی که

ای کاش

و کافر (در آن روز) می گوید خاک بودم.

ب) خبر حروف مشابهة بالفعل و نوع آن را مشخص کنید :

(التحل / ۹۰)

۱- ﴿ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ ﴾

نوع خبر

خبر

قطعاً خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

(الأعراف / ۶۱)

۲- ﴿ لَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴾

نوع خبر

خبر

ولیکن من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم.

(العصر / ۲)

۳- ﴿ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴾

نوع خبر

خبر

به راستی که انسان در زیانکاری است.

الدَّرْسُ الثَّانِي عَشَرَ

أفعال المقاربة



تزدیک بود باران بیارد.



تزدیک بود گلدان بیافتد.

كَادَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ

به ترجمه عبارت‌های فوق توجه کنید.

كَادَتِ الْمَرْهَرِيَّةُ تَسْقُطُ

فعل «کاد» بر چه مفهومی دلالت می‌کند؟

بعید بودن انجام کار

تزدیک بودن وقوع کار

انجام شدن کار

به فعل‌هایی مانند «کاد» که تزدیک بودن وقوع کاری را نشان می‌دهند «افعال مقاربه» می‌گویند.

اکنون می خواهیم با «کاد» بیشتر آشنا شویم.

المعلّم يَحْضُرُ. ⇐ كَادَ المعلّمُ يَحْضُرُ.
الشَّجَرَةُ تُسْمِرُ. ⇐ كَادَتِ الشَّجَرَةُ تُسْمِرُ.

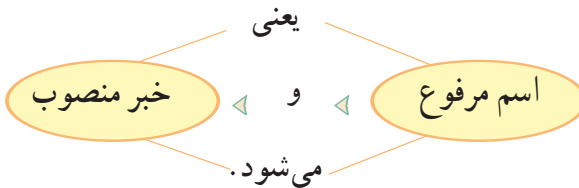
به این عبارات و تغییرات
آن توجه کنید.

- کاد و کادت بر سر چه جمله ای آمده اند؟
○ اسمیه ○ فعلیه
○ با آمدن «کاد» کلمه بعد چه اعرابی گرفته است؟ رفع ○ نصب ○ جر ○
○ عمل «کاد» به کدام مورد شبیه است؟ افعال ناقصه ○ حروف مشبّهه ○

?

کاد

از فعل های مقاربه است که بر سر مبتدا و خبر می آید و مانند کان عمل می کند.



با این تفاوت که خبر آن حتماً باید با فعل مضارع شروع شود.

يَكَادُ	الْبَرْقُ	يَخْطَفُ	أَبْصَارَهُمْ
فعل مقاربه	اسم کاد و مرفوع	خبر کاد (جمله فعلیه) و محلاً منصوب	

○ أَخَذَ الْمَعْلَمُ يُدْرِّسُ «معلم درس دادن را شروع کرد.»

○ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْحَمَكُم «امید است خداوند شما را مورد رحمت قرار دهد.»

بیاید با اخوات
«کاد» آشنا شویم.

بدانیم

«بَدَأَ»، «شَرَعَ»، «أَخَذَ» و «جَعَلَ» به معنای شروع کرد و «عَسَى» به معنای امید است و «كَادَ» و «أَوْشَكَ» به معنای نزدیک است، افعال مقاربه هستند.

این فعل‌ها از جهت معنی به سه گروه تقسیم می‌شوند.

افعال شروع

بر شروع شدن کاری دلالت دارند.
(فقط صیغه‌های ماضی)

بَدَأَ ، شَرَعَ
أَخَذَ ، جَعَلَ

افعال رجاء

امید به انجام گرفتن کاری را بیان می‌کنند.
(فقط صیغه‌های ماضی)

عَسَى

افعال قُرب

نزدیک بودن وقوع کاری را نشان می‌دهند.
(صیغه‌های ماضی و مضارع)

كَادَ و أَوْشَكَ

لا لباسٍ أجملُ من العافية.
لا طالبٌ في الصفِّ.
لا كتابٌ عندي.

اکنون به این جملات منفی
توجه نمایید.

- «لا» بر سر چه کلمه ای آمده است؟ اسم ○ فعل ○ حرف ○
- جمله بعد از «لا» چه نوع جمله ای است؟ اسمیه ○ فعلیه ○
- اسم بعد از «لا» چه حرکتی دارد؟ فتحه ○ ضمه ○ کسره ○
- اسم بعد از «لا» از جهت اعراب شبیه کدام مورد است؟
- اسم افعال ناقصه ○ اسم حروف مشبیه بالفعل ○ اسم افعال مقاربه ○

آیا می توانید به این
سؤالات پاسخ دهید:

بدانیم

گاهی «لا» بر سر جمله «اسمیه» می آید و مانند حروف مشبیه بالفعل اسمی
منصوب و خبری مرفوع می گیرد. به این حرف «لای نفی جنس» گفته می شود.

مِن العافية

جار و مجرور

أجملُ

خبر «لا»ی نفی جنس

لباسٍ

اسم «لا»ی نفی جنس

لا

«لا»ی نفی جنس

لا إلهَ إِلاَّ اللهُ.
 لا حَوْلَ ولا قُوَّةَ إِلاَّ باللهِ.
 لا سَيْنَفَ إِلاَّ ذوالفقارِ.
 لا إِكْرَاهَ في الدِّينِ.

آیا این عبارتها برای شما
 آشناست؟

<p>نکره است بدین خاطر هیچ‌گاه الف و لام نمی‌گیرد. غالباً مبنی بر فتح است و بدین خاطر تنوین ندارد. ○ لا جَهْلَ أَضْرُّ مِنَ العُجْبِ.</p>	<p>اسم</p>
<p>خبر «لا نفی جنس» مانند خبر مبتدا است. ○ لا شَیْءَ أَجْمَلُ مِنَ الصَّبْرِ. ○ ذلكَ الكتابِ لا رَيبَ فيهِ. ○ لا نَصِيحَةَ تَنفَعُ العَنُودَ. گاهی خبر «لا» محذوف است. ○ لا شَكَّ. (لا شَكَّ موجودٌ)</p>	<p>خبر</p>

اسم
 و
 خبر
 «لا»
 نفی جنس

خلاصة النواسخ^١

<p>خبر (منصوب)</p> <p>مفرد : لَيْسَ الدَّرْسُ صَعْبًا.</p> <p>جملة : كَانَ المَعْلَمُ يُدْرَسُ.</p> <p>شبهه جملة : مازالَ التلميذُ في المكتبةِ.</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : صارَ الجُوبُ باردًا.</p> <p>ضمير بارز : كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ.</p> <p>ضمير مستتر : المؤمنُ يكونُ (هو) صادقًا.</p>	<p>كَانَ أَصْبَحَ صارَ مادامَ مازالَ لَيْسَ</p>	<p>الأفعال الناقصة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لَعَلَّ الطالبَ ناجِحٌ.</p> <p>جملة : إِنَّ الجُنْدِيَّ يُدافعُ عَنِّ وَطَنه.</p> <p>شبهه جملة : كَانَ الفلَّاحُ في مزرعتهِ.</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر : إِنَّ اللّٰهَ غفورٌ.</p> <p>ضمير متصل : كَأَنَّكَ عالمٌ.</p>	<p>إِنَّ أَنَّ كَأَنَّ لَكِنَّ لَيْتَ لَعَلَّ</p>	<p>الحروف المشبهة بالفعل</p>
<p>خبر (محللاً منصوب)</p> <p>جملة فعلية (فعل مضارع)</p>	<p>اسم (مرفوع)</p> <p>اسم ظاهر : بدأَ المَعْلَمُ يُدْرَسُ.</p> <p>ضمير بارز : الطلابُ سَرَعُوا يَكْتُبُونَ.</p> <p>ضمير مستتر : الدَّرْسُ كادَ (هو) يَنْتَهي.</p>	<p>كَادَ (يَكَادُ) أَوْشَكَ (يُوشِكُ) عَسَى بدأَ سَرَعَ أَخَذَ جَعَلَ</p>	<p>أفعال المقاربة</p>
<p>خبر (مرفوع)</p> <p>مفرد : لاداءَ أَضْرُّ من الجَهْلِ.</p> <p>جملة : لاناجحَ يَتَكاسَلُ في حياته.</p> <p>شبهه جملة : لا كتابَ على الكرسيِّ.</p>	<p>اسم (منصوب)</p> <p>اسم ظاهر : لا جَهْلٌ أَضْرُّ من العُجْبِ.</p>	<p>لا</p>	<p>لا النافية للجنس</p>

١- نواسخ : ادواتي هستند که چون بر سر جمله درآیند، اعراب اجزای جمله را «نسخ» می کنند یعنی اعراب جدیدی را جانشین اعراب

قبلی می کنند به طوری که هرگاه این ادوات حذف شوند اعراب قبلی به جای خود بازمی گردد.

الصَّدِيقُ النَّاصِحُ

كَانَ لِرَجُلٍ فَقِيرٍ صَدِيقٌ . فَقَالَ لَهُ يَوْمًا :
مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ «يُسْمِنُ وَيُغْنِي مِنْ جُوعٍ» . تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْبَسَاتِينِ وَالْحُقُولِ
لِلْعَمَلِ ، عَسَى اللَّهُ أَنْ يَرْزُقَنَا رِزْقًا حَلَالًا .

فَانْطَلَقَا نَحْوَ الْبَسَاتِينِ

بَيْنَمَا كَانَا يَذْهَبَانِ وَسَوْسَ لَهُ الشَّيْطَانُ أَنْ يَتَسَلَّقَ جُدْرَانَ الْبَسَاتِينِ وَيَسْرِقَ
مِقْدَارًا مِنَ الْفَوَاكِهِ .
فَقَالَ لِصَدِيقِهِ : اِنْتَظِرْ هُنَا وَرَاقِبِ الْأَطْرَافَ فَإِذَا اقْتَرَبَ أَحَدٌ فَأَخْبِرْنِي .
فَوَقَفَ الصَّدِيقُ لِلْمِرَاقَبَةِ وَبَدَأَ الرَّجُلُ يَقْطِفُ الْفَوَاكِهَ .

بَعْدَ قَلِيلٍ

قَالَ صَدِيقُهُ : يَا أَخِي ! أَحَدٌ يُشَاهِدُنَا ، فَخَافَ الرَّجُلُ وَنَزَلَ مِنَ الْجِدَارِ وَ
سَأَلَهُ : مَنْ هُوَ ؟ أَيْنَ هُوَ ؟
فَقَالَ صَدِيقُهُ : هُوَ اللَّهُ الَّذِي يَرَى كُلَّ أَحَدٍ وَيَعْلَمُ كُلَّ شَيْءٍ . فَارْتَعَدَ الرَّجُلُ
وَخَجَلَ ...

العامل

نَحْتَفِلُ يَوْمَ الْعَامِلِ مِنْ كُلِّ عَامٍ. لِأَنَّ الْعَمَلَ أَقْدَسُ مَا فِي حَيَاةِ الْإِنْسَانِ وَ
الْإِسْلَامُ يَحْتَرُمُ الْعَامِلَ بِحَيْثُ افْتَخَرَ الرَّسُولُ الْأَكْرَمُ (ص) بِأَنْ يُقْبَلَ يَدِي الْعَامِلِ. وَ
عَسَى الْعَامِلُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِمَكَانَةٍ رَفِيعَةٍ فِي مُجْتَمَعِنَا إِذْ إِنَّ الْمُجْتَمَعَاتِ الْبَشَرِيَّةَ بَدَأَتْ
تَتَقَدَّمُ بِفَضْلِ الْأَيْدِي الْعَامِلَةِ الْمُتَخَصِّصَةِ.

قال جُبران خليل جُبران في شأن العامل :

«أَحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ. أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يُطْعِمُنَا وَيَحْرِمُ نَفْسَهُ، أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ يَغْزِلُ...
لِنَلْبَسِ الْأَثْوَابَ الْجَدِيدَةَ، بَيْنَمَا زَوْجَتُهُ وَأَوْلَادُهُ فِي مَلَابِسِهِمُ الْقَدِيمَةِ. أُحِبُّهُ لِأَنَّهُ
يَبْنِي الْمَنَازِلَ الْعَالِيَةَ وَيَسْكُنُ الْأَكْوَاخَ الْحَقِيرَةَ. أُحِبُّ ابْتِسَامَتَهُ الْحُلُوَّةَ.
أَحِبُّ مِنَ النَّاسِ الْعَامِلَ، لِأَنَّهُ يَحْسَبُ نَفْسَهُ خَادِمًا وَهُوَ السَّيِّدُ السَّيِّدُ وَأُحِبُّهُ
لِأَنَّهُ خَجُولٌ فَإِذَا أُعْطِيَتْهُ أُجْرَتَهُ شَكَرَكَ قَبْلَ أَنْ تَشْكُرَهُ».

أجب عن الأسئلة التالية :

١- إلى أين ذهب الرجل الفقير مع صديقه؟

٢- مَنْ وَسَّوسَ لِلرَّجُلِ؟

٣- مَنْ كَانَ يُسَاهِدُ الرَّجُلَ وَصَدِيقَهُ؟

٤- كيف تقدمت المجتمعات البشرية؟

١- هو أديبٌ لبنانيٌّ وُلِدَ سنة ١٨٨٣ الميلاديَّة هاجرَ إلى خارجِ الوَطَنِ وواصلَ نَشْاطَتَهُ الْأَدْبِيَّةَ هُنَاكَ وَصَارَ مِنْ

أشهر الأديباء في عصره.

التمرين الأول

اقرأ العبارات التالية ثم أكمل الجدول التالي :

الفعل الناسخ	اسمه	خبره
١-.....
٢-.....
٣-.....
٤-.....

١- أَخَذَ الْجُنْدِيُّ يُدَافِعُ عَنِ الْوَطَنِ.

٢- عَسَى اللَّهُ أَنْ يَنْصُرَنَا.

٣- أَوْشَكَ الْمُدْنِبُ أَنْ يَتُوبَ مِنْ ذَنْبِهِ.

٤- كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا.

التمرين الثاني

ميز الخطأ ثم اكتب صحيفه :

خطأ الشكل الصحيح

١- عَسَى السَّلَامُ أَنْ يَشْمَلَ الْعَالَمَ.

٢- لَا الْفَضِيلَةَ أَجْلٌ مِنَ الْإِحْسَانِ.

٣- بَدَأَتِ الْقَمَرُ يَحْسِفُ.

٤- كَانَتْ مَحَبَّةُ الرَّسُولِ (ص) لِفَاطِمَةَ (س) فَوْقَ الْوَصْفِ.

التمرين الثالث

عين الكلمة المناسبة للفراغ :

البرق

البرق

البرق

السيف

سيف

سيف

١- ﴿يَكَادُ..... يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ﴾

٢- لا أقطع من الحق.

- ۳- بدأً الثورة يُنادي بوحدة الأمة. قَائِدُ قَائِدُ قَائِدُ
- ۴- أَخَذَ الطَّلَابُ مقالاتٍ أدبيَّةً. يَكْتُبُونَ كَتَبُوا يَكْتُبُونَ

التَّعْرِيْبُ الرَّابِعُ

أَعْرَبْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

- ۱- الْعِلْمُ يَرْفَعُ بَيْتاً لَا عِمَادَ لَهُ وَالْجَهْلُ يَهْدِمُ بَيْتَ الْعِزِّ وَالشَّرَفِ
- ۲- وَإِنْ ضَاقَ رِزْقُ الْيَوْمِ فَاصْبِرْ إِلَى غَدٍ عَسَى نَكَبَاتُ الدَّهْرِ عَنكَ تَزُولُ

التَّعْرِيْبُ الْخَامِسُ

للتعريب :

تعطيلي عيد

- سلام عليكم . سال نو مبارک!
- آيا به دیدار خویشاوندان رفتی؟
- عليك السلام . سال نو مبارک!
- بله، به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگم رفتم .
- در تعطیلي عيد کجا بودی؟
- براي سال خوبی را آرزو می کنم .
- در خانه بودم .
- متشکرم .

۱- سال نو مبارک : العام الجديد مبروک و در اصطلاح : «كُلُّ عَامٍ وَأَنْتُمْ بِخَيْرٍ!»، تعطیلي : عَطْلَةٌ ، خویشاوندان :

الأقرباء، پدر بزرگ و مادر بزرگ : جَدٌّ وَجَدَّةٌ ، سال خوبی : عَاماً سَعِيداً ، آرزو می کنم : أَرْجُو

در ترجمهٔ افعال مقاربه از الفاظی نظیر «تقریباً، چیزی نمانده، نزدیک بود، نزدیک است و...» استفاده می‌شود و خبر آن معادل مضارع التزامی فارسی است :

تَكَادُ الْوَرْدَةُ تَتَفَتَّحُ : نزدیک است که گل شکفته شود.

— فعل مضارع بعد از افعال شروع را می‌توان به صورت مصدر ترجمه کرد :

أَخَذَ الشَّاعِرُ يُنْشِدُ قَصِيدَةً : شاعر دست به کار سرودن قصیده‌ای شد.

— در ترجمه لای نفی جنس از الفاظی نظیر «هیچ، اصلاً» استفاده می‌شود : لا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ : هیچ جامه‌ای زیننده‌تر از سلامت نیست.

لِلترجمة

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّنْ ترجمتها الصحيحة :

- ۱- ﴿ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴾ (المائدة / ۱۰۹)
 - الف) گفتند : ما را هیچ دانشی نیست همانا تو دانای نهان‌ها هستی.
 - ب) گفتند : ما نمی‌دانیم که تو دانا به اسرار غیب هستی.
- ۲- أَخَذَ الْمُعَلِّمُ يَنْقُلُ حِكَايَةَ رَائِعَةٍ عَنْ تَارِيخِ الْإِسْلَامِ .
 - الف) معلّم شروع به نقل یک داستان جالب از تاریخ اسلام کرد.
 - ب) معلّم یک داستان دلنشین از تاریخ اسلام تعریف می‌کرد.
- ۳- كَادَتِ الثَّلُوجُ تَتَسَاقَطُ .
 - الف) برف شروع به باریدن نمود.
 - ب) چیزی نمانده بود که برف بیارد.

ترجمه هذه العبارة إلى الفارسية :

* أَحِبَّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَابَعَصُ
بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا.

هوناً ما : معتدل بغیض : دشمن

۱- کدام کلمه ترجمه آیات زیر را کامل می کند؟

(الف) ﴿عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ﴾
... که خداوند از آن ها در گذرد.
(النساء/ ۹۹)

شاید

امید است

(ب) ﴿قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَضَعُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي﴾ (الأعراف/ ۱۵۰)
گفت : ای پسر مادرم، این قوم مرا ضعیف شمردند و ... مرا بکشند.

نزدیک بود

می خواستند

(ج) ﴿عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾
... که پروردگارتان گناهان شما را ببخشد.
(التحریم/ ۸)

امید است

نزدیک بود

۲- در کدام آیه «لای نفی جنس» به کار رفته است؟

(الف) ﴿وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ﴾
 (هود/ ۳۱)

(ب) ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾
 (البقرة/ ۲)

(ج) ﴿إِتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا
 (الأعراف/ ۳)

مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ﴾

الدَّرْسُ الثَّالِثُ عَشَرَ

المفعول فيه

در پرتو دو بُعد



جملات، مفهومی واضح و روشن پیدا می کنند.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾
«الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ.»

به تأثیر زیبایی مکان و
زمان در این عبارات
توجه کنید :

به خاطر اهمیت زمان و مکان کلمات
خاصی را برای آن وضع نموده اند.

مكان

فوق
تحت
أمام
وراء
بين
عند
قرب
جنب

زمان

الآن
عند
اليوم
أمس
صباح
مساء
قبل
بعد
ليل
نهار

به این کلمات «اصطلاحاً» ظرف زمان و ظرف مکان
می گوئیم که معادل قید زمان و مکان در فارسی هستند.

مقایسه

جَلَسْتُ تَحْتَ الشَّجَرَةِ.

زیر درخت نشستم.
در زیر درخت نشستم.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ.

روز جمعه سفر کردیم.
در روز جمعه سفر کردیم.

– کلمات «تَحْتَ» و «يَوْمَ» چه کلماتی هستند؟

– به ترجمه این جمله‌ها توجه کنید :

– هنگام ترجمه طرف‌ها از چه حرفی می‌توان استفاده کرد؟

بدانیم

ظرف‌ها معنای حرف جرّ «فی» را به همراه دارند لذا به آن‌ها «مفعول فیه» می‌گویند.

قَرَأْتُ كِتَابًا لَيْلًا. قَرَأْتُ كِتَابًا فِي اللَّيْلِ.

سَافَرْنَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ. سَافَرْنَا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ.

بیشتر بدانیم

مفعول فیه از جهت اعراب منصوب است.

اما اگر



با حرف جرّ «فی» به کار رود، دیگر مفعول فیه نیست بلکه مجرور به حرف جرّ است.

ما أَرْخَصَ الْجَمَلَ لَوْلَا الْقِطَّةُ!

كان عندَ فِلاَحٍ جَمَلٌ يُحِبُّهُ كَثِيراً وَ يَسْتَحْدِمُهُ فِي الاِتِّقَالِ بَيْنَ القَرِيَةِ وَالْمَدِينَةِ .
فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ ذَهَبَ نَحْوَ سُوقِ المَدِينَةِ وَ فَقَدَ جَمَلَهُ هُنَاكَ فَطَلَبَ الفِلاَحُ مِنَ النَّاسِ
أَنْ يُفْتَشُّوا عَنِ الجَمَلِ . فَتَشَّ النَّاسُ كُلَّ مَكَانٍ . وَلَكِنْ دُونَ فَائِدَةٍ .

و بَعْدَ تَفْتِيشٍ طَوِيلٍ وَ تَعَبٍ كَثِيرٍ ... أَقْسَمَ الفِلاَحُ أَمَامَ النَّاسِ أَنْ يَبِيعَ الجَمَلَ
بِدِينَارٍ واحِدٍ إِنْ وَجَدَهُ . تَعَجَّبَ النَّاسُ مِنْ هَذَا السَّعْرِ الرَّخِيسِ وَ حِينَمَا كانَ يَتَجَوَّلُ
فِي السُّوقِ مَساءً ، وَجَدَ الجَمَلَ قُرْبَ شَجَرَةٍ .

فَفَرِحَ وَلَكِنَّهُ تَذَكَّرَ قَسَمَهُ . فَكَّرَ الفِلاَحُ لِحِظَةً فَأَحْضَرَ قِطَّةً وَ جَعَلَهَا
عَلَى الجَمَلِ وَ وَقَفَ وَسَطَ السُّوقِ وَ نادى : مَنْ يَشْتَرِي الجَمَلَ بِدِينَارٍ وَالْقِطَّةَ بِأَلْفِ
دِينَارٍ مَعاً؟

تَجَمَّعَ النَّاسُ حَوْلَهُ وَ فَهِمُوا أَنَّهُ لاَ يَقْصُدُ أَنْ يَبِيعَ جَمَلَهُ فَأَنْصَرَفُوا وَ هُمْ
يَقُولُونَ : ما أَرْخَصَ الجَمَلَ لَوْلَا الْقِطَّةُ!

الذَّكَاةُ

كانَ لِمَلِكٍ غَليظِ القَلْبِ خادِمٌ . فِي يَوْمٍ مِنَ الأَيَّامِ عِنْدَما قَدَّمَ الخادِمُ الطَّعامَ
إلى المَلِكِ سَقَطَتْ قِطْرَةٌ مِنَ الطَّعامِ عَلى قَمِيصِهِ فَغَضِبَ المَلِكُ وَ أَمَرَ بِقَتْلِهِ فوراً
فَسَكَبَ الخادِمُ الطَّعامَ كُلَّهُ عَلى رَأْسِ المَلِكِ وَ هُوَ يَقولُ :

أَحْجَلُ أَنْ يَكُونَ الْمَلِكُ قَاتِلِي لِقَطْرَةٍ فَعَظَّمْتُ ذَنْبِي لِيَكُونَ ذَا حَقٍّ فِي قَتْلِي .
فَتَبَسَّسَ الْمَلِكُ وَصَفَحَ عَنْهُ .

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ :

١- مَاذَا فَقَدَ الْفَلَّاحُ؟

٢- أَيْنَ وَجَدَ جَمَلَهُ؟

٣- لِمَ أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِ الْخَادِمِ؟

٤- مَاذَا عَمِلَ الْخَادِمُ لَمَّا أَمَرَ الْمَلِكُ بِقَتْلِهِ؟

التمرين الأول

عَيِّنِ الْمَفْعُولَ فِيهِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ :

١- ﴿ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴾

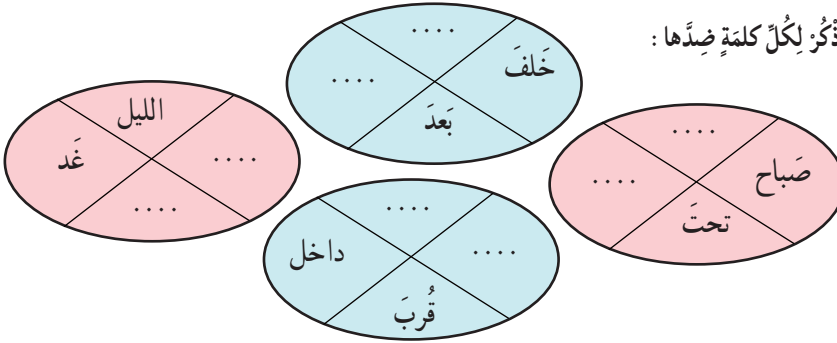
٢- ﴿ لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ ﴾

٣- «إِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»

٤- يُحَاسِبُ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

التمرين الثاني

أذْكَرُ لِكُلِّ كَلِمَةٍ ضِدَّهَا :



التمرين الثالث

صَحِّحِ الْأَخْطَاءَ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ :

عدد الأخطاء الشكل الصحيح

١- الْعِقَابُ شَدِيدٌ عَلَى الظَّالِمِينَ يَوْمَ الْحِسَابِ.

٢- يَسْتَعِدُّ الْمُسْلِمِينَ لِدَفْعِ زَكَاةِ الْفِطْرِ لَيْلَةَ عِيدِ الْفِطْرِ.

٣- لَيْسَ الْغَادِرُ فَائِزًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

التدريب الرابع

للإعراب والتحليل الصرفي فيما أُشير إليه بِحَطّ:

﴿ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ ﴾

التدريب الخامس

عَيِّنِ المُرَادِفَ وَ المُضَادَّ: (=، ≠)

تَحَتَّ فَوْقَ	وَقَفَّ جَلَسَ	فَتَّسَ بَحَثَ
تَمَنَّى رَجَا	غَدَاً أَمْسِ	أَمَامَ خَلَفَ
البُسْتَانُ الحَدِيقَةُ	تَعَالَ إِذْهَبَ	الْعَامَ السَّنَةَ
نَفَعَ ضَرَّرَ	الأَثْوَابُ المَلَابِيسُ	يَرَى يُشَاهِدُ

– «عند» چنانچه ظرف مکان باشد معمولاً به صورت «نزد» و چنانچه ظرف زمان باشد به صورت «به هنگام، وقت» ترجمه می شود :

الکتابُ عِنْدَ التَّلْمِيذِ : کتاب نزد دانش آموز است.

نذهب إِلَى الْمَسْجِدِ عِنْدَ الْغُرُوبِ : به هنگام غروب به مسجد می رویم.

– چون در زبان عربی معمولاً فعل خاصی برای مفهوم «داشتن» به کار نمی رود، بنابراین برای بیان این معنا از کلمه «عند» و یا «لام جازه» استفاده می شود :

كَانَ عِنْدِي كِتَابٌ قِيمٌ : کتاب ارزشمندی داشتم. لِي مَكْتَبَةٌ صَغِيرَةٌ : کتابخانه کوچکی دارم.

– هُنَاكَ (ظرف مکان) گاهی اوقات به معنای «هست، وجود دارد» به کار می رود :

هُنَاكَ كِتَابٌ عَلَى الْكُرْسِيِّ : کتابی روی صندلی هست. (وجود دارد)

لِلترجمة

۱- ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾

۲- مِنْ صِفَاتِ الْمُنَافِقِ التَّمَلُّقُ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَ التَّكْبُرُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.

۳- هُنَاكَ طُلَّابٌ فِي الْمَدَارِسِ وَالْجَامِعَاتِ يَعْمَلُونَ لِمَجْدِ الْبِلَادِ وَ عِزِّهَا.

اقرأ العباراتِ ثمَّ تَرَجِّمها إلى الفارسيَّةِ بعباراتٍ مألوفةٍ :
 * لسانُ العاقلِ وِراءَ قلبِهِ و قلبُ الأحمقِ وِراءَ لسانِهِ .
 * أَكثَرَ مِصْراعِ العُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ المِطامِعِ .

مِصْراعٌ : ج مَصْرَعٌ : هلاکت گاه البُرُوقُ : ج برق : درخشش
 المِطامِعُ : طمع ها

با توجه به ترجمه جای خالی را در آیات زیر کامل کنید :

(الف) ﴿لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ و مَا فِي الْأَرْضِ و مَا ... هُمَا﴾ (طه / ٦)
 از آن اوست آنچه در آسمان ها و زمین و میان آن هاست .

(ب) ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ و مَا ... هُمْ﴾ (البقرة / ٢٥٥)
 آنچه را که پیش رو و آنچه را که پشت سرشان است، می داند .

(ج) ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ و مَا ... لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (یس / ٤٥)
 و آنگاه که به ایشان گفته شود از آنچه در پیش رو دارید و آنچه پشت شما
 است (کیفر گناهان)، بپرهیزید شاید مورد رحمت قرار گیرید .

الدَّرْسُ الرَّابِعُ عَشَرَ

الصِّفَةُ وَالمَوْصُوفُ



گلِ گلدان



گلِ سرخ

- کلمه سرخ چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟
○ کلمه گلدان چه مفهومی را برای گل دربر دارد؟
○ آیا می توان سرخ بودن را از گل جدا کرد؟
○ آیا می توان گلدان را از گل جدا کرد؟

بین کدام یک از ترکیب ها از جهت معنی رابطه و پیوندی قوی وجود دارد؟

در ترکیب های زیر چطور؟

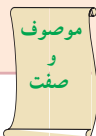
کتابِ خوب - کتابِ کتابخانه

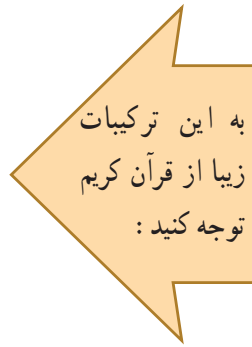
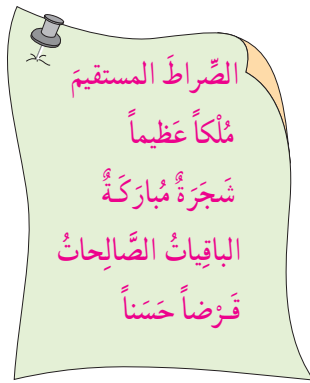
بین کدام یک پیوندی محکم وجود دارد؟

- با کلمات داده شده جای خالی را کامل کنید.

در زبان فارسی

به دو جزء ترکیباتی مانند گل سرخ، کتاب مفید که با یک دیگر پیوندی قوی دارند و یکی دیگری را توصیف می کند گفته می شود.
و به دو جزء ترکیباتی مانند گل گلدان، کتاب کتابخانه که فقط به یک دیگر نسبت داده شده و به هم اضافه شده اند گفته می شود.





همان طور که :

در زبان فارسی بین موصوف و صفت از جهت معنی ارتباط محکمی وجود دارد.

در زبان عربی علاوه بر ارتباط معنایی از جهت ظاهر نیز ارتباط و هماهنگی دقیقی بین آن‌ها وجود دارد.

این هماهنگی و تبعیت صفت از موصوف در چهار مورد است :

۱	عدد	مفرد	هذا كتابٌ ...	(مُفِيدٌ - مفيدان - مفيدات)
		مثنی	في المدرسة شجرتان ...	(جَمِيلَةٌ - جميلتان - جميلات)
		جمع	جاء المؤمنون ...	(الصالح - الصالحان - الصالحون)
۲	جنس	مذكر	حَضَرَ الطالبُ ...	(الناجِحُ - الناجِحَةُ)
		مؤنث	نَجَحَتِ الطالبةُ ...	(العالم - العالمة)
۳	معرفه و نکره بودن	معرفه	قرأت الحكاية ...	(لَطِيفَةٌ - اللطيفة)
		نکره	عندي مجلة ...	(أدبيَّةٌ - الأدبيَّة)
۴	اعراب	مرفوع	لنا مدرسة ...	(كبيرةٌ - كبيرةٌ - كبيرة)
		منصوب	رأيتُ الفلاحين ...	(المجدون - المجدين)
		مجرور	سَلَّمْتُ على طبيبٍ ...	(مشفقٌ - مشفقٍ - مشفقاً)

آیا می‌توانید اسم اشاره مناسب را پیدا کنید؟!

... المدارس (تلك - أولئك)

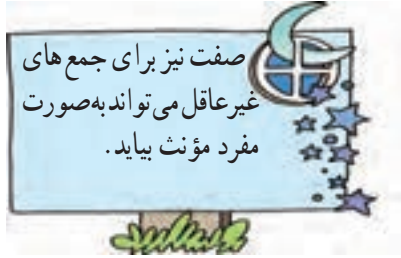
... الأشجار (هؤلاء - هذه)

برای جمع‌های غیر عاقل اسم اشاره به چه صورتی می‌آید؟ جمع مذکر ○ مفرد مؤنث ○

بنابراین

با جمع های غیرعاقل معمولاً مانند مفرد مؤنث عمل می شود.

الکُتُب (النافع - النافعة)
 الآيات (الشريفة - الشريف)
 أعمالٌ (حَسَنٌ - حَسَنَةٌ)



به چه اسمی نکره گفته می شود؟

آیا اسم نکره را به خاطر می آورید؟

کدام یک از اسم ها برای ما ناشناخته است و نیاز به توصیف و توضیح دارد؟

اسم نکره

اسم معرفه

اسم نکره را در این عبارات پیدا کنید.

رَأَيْتُ قَاضِيًا يَحْكُمُ بِالْقَلْبِ.
 وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 فِي الْمَدْرَسَةِ شَجْرَةٌ أُورَاقُهَا خَضْرَاءُ.

چه توضیحی برای اسم های نکره آمده است؟

بدانیم!

گاهی بعد از اسم های نکره جمله ای می آید و آن اسم نکره را توضیح داده و توصیف می کند. به چنین جملاتی «جمله وصفیه» گفته می شود. به این مثال ها نیز توجه کنید:

- ۱- قَرَأْتُ آيَةَ آتَرْتُ فِي قَلْبِي.
- ۲- الْمُؤْمِنُ إِنْسَانٌ يُحِبُّ الْخَيْرَ.

حَدِيثُ الْمَسْجِدِ

أَنَا الْمَكَانُ الطَّاهِرُ
أَنَا الَّذِي تَعْلُو عَلَى أَكْتافِي الْمَنَائِرِ
وَإِنِّي مَدْرَسَةُ الرَّسُولِ وَالصَّحَابَةِ
فَكُنْتُ رَمَزَ الْفِكْرِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّلَابَةِ
وَ كُنْتُ مَهْدًا لِلْجِهَادِ الْحَقِّ وَالشَّهَادَةِ
وَ مَوْطِنًا لِلنُّورِ وَالْعِبَادَةِ.

يَغْمُرُنِي الشُّعَاعُ وَالخُشُوعُ
وَ فِي رِحَابِي يُورِقُ الشُّجُودُ وَالرُّكُوعُ

يَا أَيُّهَا الْأَجَبَةُ الصَّغَارُ وَالْكَبَارُ
هَيَّا إِلَى الْمَسْجِدِ فَالْمَسْجِدُ فِي انتِظَارِ

النَّعَامَةُ

النَّعَامَةُ طَائِرٌ كَبِيرٌ مِنْ أَضْحَمِ الطُّيُورِ. هِيَ تَجْمَعُ بَيْنَ صِفَاتِ الْجَمَلِ وَالطَّيْرِ. لَهَا جَنَاحَانِ
كَبِيرَانِ وَ عُنُقٌ طَوِيلٌ وَ مِنتَقَارٌ عَرِيضٌ. وَ النَّعَامَةُ حَيَوَانٌ يُضْرَبُ بِهِ الْمَثَلُ فِي الْجُبْنِ فَإِنَّهَا تُدْخَلُ
رَأْسَهَا تَحْتَ الرَّمَالِ عِنْدَمَا تَشْعُرُ بِالخَوْفِ وَ جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ: «أَسَدٌ عَلَيَّ وَ فِي الحُرُوبِ نَعَامَةٌ»!

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١- ما هو مقصود الشاعر من مدرسة الرسول (ص)؟

٢- كيف يدعوننا الشاعر إلى المسجد؟

٣- ما هو الحيوان الذي يُشبهه الجمل والطير؟

٤- ما تعمل النعامة عندما تشعر بالخوف؟

التدريب الأول

صِلْ بَيْنَ الصِّفَةِ وَالْمَوْصُوفِ الْمُنَاسِبِ :

ب	الف
عَادِلَانِ	الْحِدَائِقُ
الزَّرْقَاءُ	قَاضِيَانِ
غَنِيَّةٌ	النَّهْرُ
الْجَمِيلَةُ	أَخَوَيْنِ
الْجَارِي	السَّمَاءُ
مَخْلَصِينَ	مَكْتَبَاتُ

التدريب الثاني

املأ الفراغ في الجدول :

إعرابها	نوع الصفة	الصفة	الجملة
			القنَاعَةُ كَثْرًا لَا يَنْفَدُ.
			إِنِّي أَحِبُّ إِخْوَانِي الْمُجِدِّينَ.
			قَرَأْتُ كِتَابًا رَائِعًا.
			لَحْظَةٌ الْإِتْنِصَارِ لَحْظَةٌ نَنْتَظِرُهَا.

التدريب الثالث

امتلأ الفراغ في كُلِّ مجموعة بالكلمة المناسبة :

بذهبُ الناسُ في ... الصيفيّةِ
إلى المناطقِ المعتدلةِ.

عُطلةٍ

العطلةِ

العُطلةِ

العطلةُ

الشَّخصُ ... مَكْرُوهٌ
عِنْدَ الناسِ و عند الله.

كاذبةٌ

كاذبٌ

الكاذبُ

الكاذبُ

كَتَبَتِ الطالبةُ حديثاً نَبويّاً
شَريفاً على السَّبورةِ ...

سوداءِ

السوداءِ

الأسودِ

السوداءِ

العربيّةُ ... فَصِيحَةٌ وَهِيَ
لُغَةٌ دِيننا و كِتَابنا.

اللغةِ

لغةٌ

اللغةِ

لغةٌ

نَبَحْتُ في امتحانِ نِهايَةِ
السَّنَةِ ب ... عالِيَةٍ.

درجةٍ

درجةٌ

درجةٍ

الدرجةِ

شَعَرْتُ بِالْم ... فَرَجَعْتُ
طَبيباً قُرْبَ بِنْتنا.

شديداً

شديدٌ

الشديدِ

شديدٍ

التدريب الرابع

عين الصفة والموصوف في الجمل التالية :

- ١- أفضل الناس مؤمنٌ يُجاهدُ في سبيلِ اللهِ بنفسِه و مالِه .
- ٢- القرآنُ هو التُّورُ المبينُ والذِّكرُ الحكيمُ والصِّراطُ المستقيمُ .
- ٣- الطَّمَعُ الشَّدِيدُ يُوقِعُ الإنسانَ في المَهَالِكِ .
- ٤- إِنَّ الإِيثَارَ صِفَةٌ إنْسَانِيَّةٌ يَتَخَلَّقُ بِهَا الْمُؤْمِنُ .

التدريب الخامس

للإعراب والتحليل الصَّرْفِي :

﴿ نَفَصُّ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾

— جمله وصفیه عربی بدون اینکه قبل از آن موصول (الذی، الّتی و...) بیاید، معنای آن را دارا می‌باشد. لذا در ترجمه فارسی معمولاً با کلمه «که» (موصول، صفت‌ساز) به کار می‌رود:

رَأَيْتُ تَلْمِيزَةً تَقْرَأُ دَرَسَهَا : دانش‌آموزی را دیدم که درسش را می‌خواند.

للتّرجمة

- ۱- لي أصدقاء يُذكّرُونَنِي بِطاعةِ اللَّهِ.
- ۲- جَلَسْتُ تَحْتَ شَجَرَةٍ تُعَرِّدُ طُيُورَهَا.

اقرأ هذه العبارة ثمّ ترجم إلى الفارسيّة بعبارة مألوفة:

* ثمرَةُ التّفريطِ النّدامَةُ و ثمرَةُ الحَزْمِ السّلامَةُ.

الحَزْمُ : دوراندیشی، احتیاط

۱- ترجمه مناسب هر آیه را مشخص کنید و آن را با علامت (x) مشخص کنید.

(الف) ﴿ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا ﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)

- و او دل هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید.

- و او دل ها را به هم نزدیک ساخت و به لطف او برادر شدید.

(ب) ﴿ أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا ﴾ (الحجرات/ ۱۲)

- آیا شما دوست دارید که گوشت برادر مرده خود را بخورید؟

- آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟

(ج) ﴿ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ﴾ (الحج/ ۷۰)

- آیا ندانستی که خدا آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟

- آیا خدا بر آنچه در آسمان ها و زمین است واقف است؟

۲- از میان کلمات داده شده مناسب ترین آن ها را انتخاب و آیه را کامل کنید.

(الف) ﴿ فَجَمَعَ السَّحَرَةَ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ ... ﴾ (الشعراء/ ۳۸)

المَعْلُومِ

مَعْلُومِ

مَعْلُومِ

(ب) ﴿ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ... ﴾ (الإسراء/ ۲۲)

آخَرَ

آخَرَ

الْآخَرَ

(ج) ﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ ... إِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴾ (الفجر/ ۲۸-۲۷)

الْمُطْمَئِنِّ

الْمُطْمَئِنَّةُ

مُطْمَئِنَّةٌ

الدَّرْسُ الْخَامِسُ عَشَرَ

الإضافة

در درس قبل با ترکیباتی مانند :

گل گلدان
کتاب کتابخانه

گل سرخ
کتاب خوب

آشنا شدیم که فقط به هم اضافه شده‌اند، بدون این که به هم وابسته باشند به نام :

مضاف و مضاف الیه

آشنا شدیم که بین آن‌ها از جهت معنی، پیوندی قوی وجود داشت به نام :

موصوف و صفت

در زبان عربی نیز اگر دو اسم به هم اضافه شوند، به اسم اول **مضاف** و به اسم دوم **مضاف الیه** گویند.

مانند : **کتابُ الطَّالِبِ** ، **یومِ الدینِ**

أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ - أَعْمَالُكُمْ - عَمَلٌ مَفِيدٌ
عَبْدٌ مُؤْمِنٌ - عَبْدُ اللَّهِ - عَبْدُكَ

در این ترکیب‌ها مضاف و مضاف الیه را از صفت و موصوف جدا کنید.

اگر ضمیری به اسم متصل شود آن ترکیب حتماً اضافی است.

اسم + ضمیر
مضاف مضاف الیه

بدانیم!



● حتماً با اسم آشنا هستید!

کدام مجموعه، نشان دهنده علامت های خاص اسم است؟

مضاف واقع شدن مؤنث شدن تنوین	تنوین مضاف شدن «ال»	ال تنوین به صیغه جمع در آمدن
------------------------------------	---------------------------	---------------------------------------



پذیرفتن «ال» و تنوین و مضاف واقع شدن از علامت های اسم است و این علائم با هم جمع نمی شوند.

کتابُ الْمُعَلِّمِ
کتابُ الْمُعَلِّمِ
الکتابُ الْمُعَلِّمِ

- در این ترکیب ها مضاف را پیدا کنید.
- در کدام یک از ترکیب ها، مضاف به صورت صحیح به کار رفته است؟

به این ترکیب ها توجه کنید :
کدام یک از کلمات مضاف هستند؟
«مُعَلِّمُو» و «یَدَا» چه نوع کلمه ای هستند؟ مفرد یا مثنی یا جمع
چه تغییری در این کلمات روی داده است؟
مُعَلِّمُو المَدْرَسَةِ، یَدَاكَ

فَلَا حُونَ + القریةِ ← فَلَا حُو القریةِ

وَالِدَانِ + كَ ← وَالِدَاكَ

مُعَلِّمِينَ + المَدْرَسَةِ ← مُعَلِّمِي المَدْرَسَةِ

اگر جمع مذکر سالم و اسم مثنی مضاف واقع شوند حرف «ن» از آخر آن ها حذف می شود.

بدانیم!



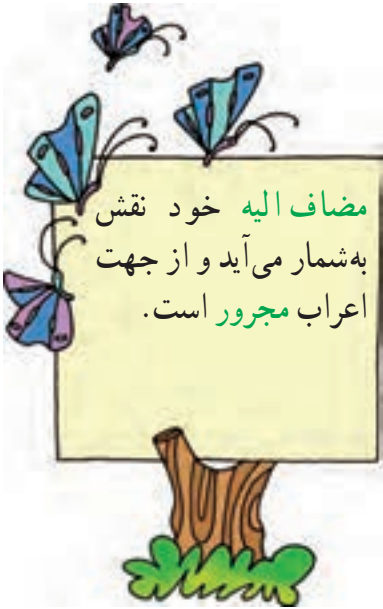
هو مُدِيرُ المَدْرَسَةِ.
رَأَيْتُ مُدِيرَ المَدْرَسَةِ.
سَلَّمْتُ عَلَى مُدِيرِ المَدْرَسَةِ.

به این عبارت‌ها
توجه کنید:

کدام کلمه مضاف الیه است؟
به اعراب مضاف الیه توجه کنید.
مضاف الیه چه اعرابی دارد؟



کدام کلمه مضاف است؟
به اعراب مضاف در سه عبارت
توجه کنید.
چه تغییری را مشاهده می‌کنید؟



بدانیم!



دانستیم که:

۱- اسم می‌تواند صفت بگیرد. گل + سرخ ⇐ گل سرخ

۲- اسم می‌تواند مضاف الیه بگیرد. گل + باغ ⇐ گل باغ

اما آیا اسم می‌تواند هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد؟ در این صورت حق تقدم با کدام یک است؟

مضاف الیه؟

یا

صفت؟

گل سرخ باغ ○ گل باغ سرخ ○
 گل + سرخ = گل سرخ باغ ○
 پاسخ مناسب کدام است؟

کتاب ما ○ کتاب خوب ما ○
 کتاب + ما = کتاب خوب ما ○
 خوب



در زبان فارسی اگر اسمی بخواهد هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد، ابتدا صفت می آید و سپس مضاف الیه.

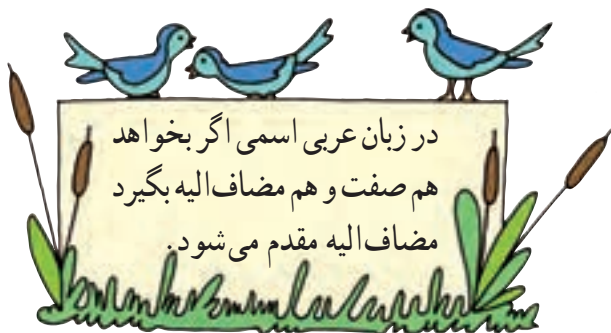
بدانیم!

به ترجمه این عبارت ها توجه کنید.

در زبان عربی چگونه؟

العزیزُ	صديقُنَا
صفت	اسم مضاف الیه

دوست	عزیز	ما
اسم	صفت	مضاف الیه



در زبان عربی اسمی اگر بخواهد هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد مضاف الیه مقدم می شود.

آیا در ترتیب کلمات تغییری روی داده است؟
 چه کلمه ای مقدم شده است؟
 صفت یا مضاف الیه؟

○ عقیده اسلامی ما ○ عقیده ما اسلامی ○

○ در بزرگ مدرسه ○ در مدرسه بزرگ ○

عقیدتُنَا الإِسْلَامِيَّةُ
 بَابُ الْمَدْرَسَةِ الْكَبِيرِ

این عبارت را ترجمه کنید.

الشاعر المُلتزم

كَانَ السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ مِنَ الشُّعْرَاءِ المُلتَزِمِينَ فِي القَرْنِ الثَّانِي لِلهِجْرَةِ وَ
كَانَ يُدَافِعُ عَنِ الحَقِّ وَ يُهَاجِمُ الظَّالِمِينَ وَ لذلِكَ أَصْبَحَ مَبْعُوضاً عِنْدَ الأُمُويِّينَ،
لأنَّهُم كانوا يَزْرَعُونَ بُدُورَ الحِقْدِ وَ العَدَاوَةِ لِآلِ عَلِيٍّ (ع) فِي قُلُوبِ النَّاسِ وَ كَانَ
السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ يُحِبُّ خُطَّةَ الأُمُويِّينَ وَ يَنْصُرُ آلَ البَيْتِ (ع) وَ يُبَيِّنُ فُضائلَهُم
لِلنَّاسِ بِشِجَاعَةٍ، وَ كَانَ يَقُولُ: «لَمْ أَتْرُكْ فَضيلَةَ عَلِيٍّ وَ آلِهِ إِلَّا نَظَّمْتُ حَوْلَهَا
شِعْراً».

وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّ مَدْحَ آلِ البَيْتِ (ع) فِي عَصْرِ الأُمُويِّينَ مَا كَانَ أَمْراً بَسِيطاً بَلْ
كَانَ فِي أَكثَرِ الأَحْيَانِ يُسَبِّبُ قَتْلَ قَائِلِهِ أَوْ تَشْرِيدَهُ وَ جِرْمَانَهُ مِنْ حَقُوقِهِ.
ذاتَ يَوْمٍ جَاءَ أَحَدُ أَصْحَابِ الإِمَامِ الصَّادِقِ (ع) إِلَيْهِ وَ بَدَأَ بِالسَّعَايَةِ وَ قَالَ
لِلإِمَامِ (ع): إِنَّ السَّيِّدَ يَرْتَكِبُ بَعْضَ الذُّنُوبِ فَلِمَاذَا تُدَافِعُ عَنْهُ؟!
الإِمَامُ (ع) لَمْ يَقْبَلْ أَنَّ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الحِمَيْرِيَّ بِسَبَبِ ذَنْبٍ مِنَ الذُّنُوبِ مَعَ
عِلْمِهِ أَنَّ أَعْمَالَ السَّيِّدِ الحَسَنَةَ أضعافُهُ. فَأجابَهُ قاتِلاً: «إِنْ زَلَّتْ عَنْهُ قَدَمٌ فَقَدْ
نَبَتْ لَهُ أُخْرَى».

جمال العلم و الأدب

لَيْسَ الجَمالُ بِأَثْوابٍ تُزَيَّنُنا
بَلِ اليَتِيمُ اليَتِيمُ العِلْمِ وَ الأَدَبِ
إِنَّ الجَمالَ جَمالُ العِلْمِ وَ الأَدَبِ

وقيل :

رَضِينَا قِسْمَةَ الْجَبَّارِ فِينَا لَنَا عِلْمٌ وَّ لِلْجُهَّالِ مَالٌ
فِيَنَّ الْمَالَ يَفْتَنِي عَنْ قَرِيبٍ وَ إِنَّ الْعِلْمَ لَيْسَ لَهُ زَوَالٌ

وقيل :

الْعِلْمُ فِي الصَّدْرِ مِثْلُ الشَّمْسِ فِي الْفَلَكَ وَالْعَقْلُ لِلْمَرْءِ مِثْلُ التَّاجِ لِلْمَلِكِ
أَشَدُّ يَدَيْكَ بِحَبْلِ الْعِلْمِ مُعْتَصِمًا فَالْعِلْمُ لِلْمَرْءِ مِثْلُ الْمَاءِ لِلسَّمَكِ

أجب عن الأسئلة التالية :

١- في أيِّ قرنٍ كانَ السَّيِّدُ الحِمَيْرِيُّ يَعِشُ؟

٢- لِمَن كانَ الحِمَيْرِيُّ مُحِبًّا؟

٣- هَلْ قَبَلَ الإمامُ (ع) أَنْ يَطْرُدَ السَّيِّدَ الحِمَيْرِيَّ مِنْ أَجْلِ ذَنْبٍ إِزْتَكَبَهُ؟

التمرين الأول

أعرب الكلمات التي أُشير إليها بخطّ:

١- الحسنُ و الحسينُ (ع) سيِّدا شبابِ أهلِ الجنَّةِ.

٢- تركُ الذَّنْبِ أهونُ من طلبِ التَّوْبَةِ.

٣- أشجعُ الناسِ من غلبَ هواه.

٤- الجهلُ بالفضائلِ من أقبَحِ الرذائلِ.

التمرين الثاني

إنتخب الجواب الصحيح واذكر إعرابه:

١- ﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ... ﴾ (أَخْوَاكُمْ، أَخْوَيْكُمْ)

٢- تَعَلَّمْ حُسْنَ (الاسْتِمَاعِ، الْاسْتِمَاعِ) كَمَا تَتَعَلَّمُ (حُسْنَ، حُسْنًا) الْحَدِيثِ.

٣- لَا تَفْعَلُوا (أَعْمَالًا، أَعْمَالًا) الْخَيْرِ رِثَاءً.

٤- مِنَ الضَّلَالِ (الكَبِيرِ، الكَبِيرِ) ضَيَاعُ الْعُمْرِ فِي اللَّهْوِ.

التمرين الثالث

أكمل العبارة حسب الطلب:

حاسب نفسك قبل أن تُحاسبَ.

..... نفسك

..... أنفُسَ ... تُحاسبَا.

حاسبوا أنفُسَ

..... أنفُسَ تُحاسبنَ.

للتعريب

- در تابستان چه می‌کنی؟
- برای تابستان کارهای زیادی دارم : سفر، ورزش و مطالعه.
- آیا در تابستان کار هم می‌کنی؟
- بله، در کارگاه پدرم کار می‌کنم.
- بسیار خوب، پیامبر و ائمه اهل دانش و کار بودند.
- بله، آنان سرمشق ما هستند.^۱

۱- کارگاه : مَعْمَل، سرمشق : قُدْوَة

در هنگام ترجمه سعی کنیم تا آن جا که ممکن است از عبارات های زبان «مبدأ» کلمه ای کم و یا زیاد نشود.

— ساختار جملات زبان «مقصد» را در هنگام ترجمه عبارات ها رعایت کنیم.

اقرأ العبارات التالية ثم عَيِّنْ ترجمتها الصَّحِيحَةَ :

۱— قائدُ الثَّوْرَةِ العَظِيمِ الإمامُ الخمينيُّ (ره) أيقظَ المسلمينَ من نَوْمِ العَفْلَةِ.
الف) رهبرِ كَبيرِ انقلابِ امامِ خميني (ره)، مسلمانان را از خوابِ غفلتِ بيدار نمود.

○

ب) رهبرِ انقلابِ كَبيرِ امامِ خميني (ره)، مسلمانان را از خوابِ غفلتِ باز داشت.

○

۲— غاباتُ مازندرانَ الخُضراءُ مِن أَجْمَلِ المَنَاطِقِ في إيرانَ.

الف) جنگل های مازندرانِ سبز و خرم است و از زیباترین مناطق ایران به شمار می رود.

○

ب) جنگل های سبز مازندران از زیباترین مناطق ایران است.

○

۳— ما زالتِ الأحاسيسُ الثَّورويَّةُ تَموجُ في قلوبِ جَمَاهيرِنا المُسْلِمةِ.

الف) عواطفِ انقلابي همواره در دل های ملتِ مسلمان ما موج می زند.

○

ب) عواطفِ انقلابي همواره در دل ما ملتِ مسلمان موج می زند.

○

إفراً العباراتِ ثُمَّ تَزَجِّمُهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ :

* إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ .

* سَلْ تَفْقَهَا وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتَنَّا فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهٌ بِالْعَالِمِ وَإِنَّ

الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ شَبِيهٌ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَتِّتِ .

يُقَدِّرُوا : مقایسه کند لا تَسْأَلْ تَعْتَنَّا : برای ایراد گرفتن (مچ گیری) سؤال مکن .

ضَعْفَةٌ : ضعیفان الْمُتَعَسِّفَ : گمراه

سَلْ تَفْقَهَا : برای فهمیدن سؤال کن . الْمُتَعَتِّتِ : ایرادگیر

کلمه مناسب را برای پر کردن جای خالی آیات زیر انتخاب کنید.

۱- ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ... اللَّهُ﴾ (التوبة/ ۲)

و بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد .

مُعْجَزُونَ مُعْجَزِينَ مُعْجِزِي

۲- ﴿وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ... قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (الإسراء / ۵۸)

و هیچ شهر و دیاری در روی زمین نیست جز آنکه پیش از ظهور قیامت، اهل آن

شهر را هلاک می کنیم .

مُهْلِكُهَا مُهْلِكُونَهَا مُهْلِكُونَهُ

۳- ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا... مِنْ رَجَالِكُمْ﴾ (الأحزاب / ۴۰)

محمد صلی الله علیه و آله و سلم پدر هیچ یک از مردان شما نیست .

أَحَدٌ أَحَدًا أَحَدِ

الدّرس السادس عشر

التّصغير ، النّسبة

آیا این عبارت مشهور را شنیده اید؟
«خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ»

در این درس با دو نوع صرفه جویی در کلمات آشنا می شویم.

می توان در به کار بردن کلمات نیز تا زمانی که به معنی لطمه نزند صرفه جویی کرد.

به این نمونه از زبان فارسی توجه کنید.

درختچه
طفلك
مردك

می توان گفت

درخت کوچک
طفل کوچک
مرد کوچک

به جای دو کلمه

آیا با این نوع ساختار آشنا هستید؟
این اسلوب در زبان فارسی چه نامیده می شود؟
مؤنث ساختن؟ مصغّر ساختن؟ جمع ساختن؟

در زبان عربی هم می توان اسم مصغّر ساخت :

شُجَيْرَةٌ
طُفَيْلٌ
رُجَيْلٌ

می توان گفت

شجرةٌ صَغِيرَةٌ
طفلاً صَغِيرٌ
رجلاً صَغِيرٌ

به جای دو کلمه

فعل
فُعِيل

- ۱- حرف اول \leftarrow ضمه
- ۲- حرف دوم \leftarrow فتحه
- ۳- افزودن \leftarrow ي

روش ساختن
اسم مصغر

هدف از تصغیر

اسم مصغر گاهی به منظور «تحبیب» یا «تحقیر» به کار می رود.

دو عبارت را با یکدیگر مقایسه کنید.

میزی چوبی
جامه‌ای ابریشمی
دانشمندی ایرانی



میزی از چوب
جامه‌ای از ابریشم
دانشمندی از ایران

در عبارت بالا کلمات چوب، ابریشم و ایران به صورت چوبی، ابریشمی و ایرانی به کار رفته‌اند. به این ساختار در زبان فارسی چه می‌گویند؟

اسم منسوب؟

اسم مصغر؟

منضدة خشبيّة
توبُّ حريريّ
عالمٌ إيرانيّ

گفت

منضدة من الخشب
توبُّ من الحرير
عالمٌ من إيران

می‌توان
به‌جای

در زبان عربی هم
می‌توان
اسم منسوب
ساخت.

دقت کنید

تاء گرد «ة» به هنگام نسبت از آخر کلمه حذف می شود :

فاطمة ← فاطمِي

مَكَّة ← مَكِّي

تجارة ← تجاري

بدانیم

برخی کلمات به هنگام نسبت تغییر مختصری می کنند. کلماتی مانند :
نَبَوِي، عَلَوِي، موسوي، رَضَوِي، دُنَيَوِي، مَدَنِي اسم منسوب کلمات
نبي، علي، موسی، رضا، دنیا و مدینه هستند.

اسم منسوب معمولاً حکم صفت را دارد و تابع احکام صفت
است لذا در زبان فارسی آن را **صفت نسبی** می نامیم.



المنظومة الشمسية

الشمس أقرب نجم إلى الأرض وهي صغيرة جداً بالنسبة إلى بعض النجوم الأخرى، لكنها كبيرة جداً بالنسبة إلى الأرض وهي على بُعد مائة وخمسين مليون كيلومتراً منا وبالرغم من هذا البعد فإن ضوءها يصل إلينا خلال ثمانين دقيقة فقط. وهناك عدد كبير من الأجرام السماوية حول الشمس يُعرف كلها بالمنظومة الشمسية.

أجب عن الأسئلة التالية:

- ١- بعد كم دقيقة يصل ضوء الشمس إلينا؟
- ٢- ما هي المنظومة الشمسية؟
- ٣- من هو مكتشف الجراثيم؟
- ٤- ما كانت نتيجة اكتشاف الجراثيم؟

١- صد و بنجاه مليون كيلومتر

مُكْتَشَفُ الْجَرَائِمِ

يَنْعَمُ الْإِنْسَانُ الْيَوْمَ بِنِعْمٍ مُخْتَلِفَةٍ بِمَا سَخَّرَ مِنْ قُوَى الطَّبِيعَةِ لِمَنَافِعِهِ، فَسَهَّلَتْ حَيَاتُهُ وَ قَلَّتْ مَتَاعِبُهُ.

كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ وَهَبُوا الْمَقْدُرَةَ وَالذِّكَاءَ وَوَقَفُوا حَيَاتَهُمْ فِي سَبِيلِ خَيْرِ الْإِنْسَانِيَّةِ. وَ مِنْ هَؤُلَاءِ، الْعَالِمُ الْفَرَنْسِيُّ «لُويْسُ بَاسْتُور» مُكْتَشِفُ الْجَرَائِمِ وَ مُخَفِّفُ آلامِ الْإِنْسَانِ.

وَ مِنْ أَهَمِّ خَدَمَاتِهِ اكْتِشَافُ الْجَرَائِمِ الَّذِي أَحَدَثَ انْقِلَاباً فِي عِلْمِي الْجِرَاحَةِ وَ الطَّبِّ وَ جَعَلَهُ مِنْ أَشْهَرِ عُلَمَاءِ الْقَرْنِ التَّاسِعِ عَشَرَ الْمِيلَادِيِّ فِي الْعَالَمِ.

التمرين الأول

عَيِّزْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ إِلَى اسْلُوبِ النِّسْبَةِ :

١- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ أَنَا مِنْ لِبْنَانَ. أَنَا... .

٢- مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ أَنَا مِنْ إِيْرَانَ. أَنَا... .

٣- هَذَا السَّيْفُ مِنْ حَدِيدٍ.

إِذَنْ هَذَا سَيْفٌ.....

٤- سَمِعْتُ حَدِيثًا عَنِ النَّبِيِّ.

إِذَنْ سَمِعْتُ حَدِيثًا.....

٥- بَعْضُ السُّورِ نَزَلَتْ فِي مَكَّةَ.

فَهِيَ سُورَةٌ.....

التمرين الثاني

املأ الفراغ حَسَبَ النَّمُودَجِ :

كِتَابٌ مَنْسُوبٌ إِلَى السَّمَاءِ



كِتَابٌ سَمَاوِيٌّ

الآيَاتُ الْمَنْسُوبَةُ إِلَى الْقُرْآنِ



الآيَاتُ الْقُرْآنِيَّةُ

١- أَغْلَاطٌ مَطْبَعِيَّةٌ ← ...

٢- الْحَدِيثُ النَّبَوِيُّ ← ...

٣- سَجَادٌ إِيْرَانِيٌّ ← ...

التمرين الثالث

صَفِّرْ الأَسْمَاءَ التَّالِيَةَ :

فَضْلٌ () حَسَنٌ () عَبْدٌ () نَهْرٌ ()
وَلَدٌ () بَعْدٌ () قَبْلٌ () حَجَرٌ ()

التمرين الرابع

تَرْجِمِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَعْرِبِ الكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ :

الشيخ البهائي

هُوَ مِنْ عِلْمَاءِ القَرْنِ الحَادِي عَشَرَ. يَنْتَهِي نَسَبُهُ إِلَى الحَارِثِ الهَمْدَانِيِّ أَحَدِ أَصْحَابِ
الإمامِ عَلِيِّ (ع) وَ لَهُ مَوْلَفَاتٌ أَدَبِيَّةٌ مِثْلُ الكَشْكُولِ وَ الصَّمَدِيَّةِ فِي العُلُومِ التَّحْوِيَّةِ وَ هُوَ أَحَدُ
نَوَائِجِ عَصْرِهِ، وَ البهائيُّ بَعْلَبَكِّي المَوْلِدِ، إِصْفَهَانِي المَوْطِنِ، مَشْهَدِي المَدْفِنِ.

التمرين الخامس

لِلْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ :

﴿ فَاصْبِرْ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ﴾

– ترجمه دقیق و روان مستلزم شناخت قواعد است. به کمک قواعد و شناخت اجزای جمله و ممارست می توان به ترجمه ای مناسب دست یافت. شناخت انواع «مَنْ»، «ما»، «مَتَى» و نظایر آن ها در ترجمه حایز اهمیت است.

للترجمة

- ۱- ﴿ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا ﴾ . (المائدة / ۸۸)
- ۲- ﴿ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ ﴾ . (البقرة / ۲۰۷)
- ۳- «ما أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ» .
- ۴- مَنْ طَمِعَ بِالكَثِيرِ لَمْ يَحْصُلْ عَلَى الْقَلِيلِ .

إقرأ العباراتِ ثُمَّ تَرجمها إلى الفارسيةِ بعباراتِ مألوفةٍ :
 * يا كَمِيلُ هَلْكَ خُزَانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعِلْمَاءُ بِاقْوَانِ مَا بَقِيَ
 الدَّهْرِ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ.
 * يا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ،
 الْمَالُ تُنْقِصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُو عَلَى الْإِنْفَاقِ.

أعيان : ج عين، وجودها
 يزكو : افزایش می یابد، رشد می کند.
 أمثال : ج مثل، داستان، ضرب المثل

وجه اشتراك آيات زیر از نظر معنی در چیست؟

- ۱- ﴿ وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا ﴾ (طه / ۱۱۳)
 - ۲- ﴿ وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا ﴾ (الأحقاف / ۱۲)
 - ۳- ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴾ (يوسف / ۲)
- ۱- حکمت آمیزی قرآن
 ۲- عربی بودن قرآن
 ۳- اعجاز قرآن

المُعْجَم

الف	الأجود : بهتر، بهترین	۱۰	إِدْن : پس، بنابراین	۵
الأخرین : دیگران	الأحبّ : محبوب تر	۴	الأذی : آزار، اذیت	۴
أت : عطاکن، بده	أحبطّ : ناکام کرد، بی اثر کرد	۱	إرتعدّ : به خود لرزید،	۱۵
أذی : آزار داد، اذیت کرد	الأحبة : جمع حبيب : دوستان	۱۰	تکان خورد	۱۴
الابتسامة : لبخند	إحتفلّ : جشن گرفت	۱۲	الأزدا : پست ترین، بدترین	۱۲
الأبترّ : نیکوتر	أحدثّ : ایجاد کرد، ساخت	۸	أرسلّ : فرستاد	۳
أبطلّ : باطل نمود، خنثی کرد	الأحرار : جمع حرّ : آزادگان،	۴	أرشدّ : راهنمایی کرد	۳
الأبکم : ناشنوا، کر	آزادها	۱	أرضی : خشنود ساخت	۱۰
إتبعّ : پیروی کرد	أحسن أدبه : نیکو تربیتش کرد.	۷	الاستدارة : گردی، گرد بودن	۵
أتعبّ : خسته کرد	أحضّرّ : آورد، آماده کرد	۱۰	إشتشفّع : شفاعت خواست	۵
أتى : آمد	أحکمّ : استوار ساخت،	۳	الاستظهار : از بر	۱۲
الایّتیان بـ : آوردن	محکم کرد	۴	إستعجلّ : عجله کرد، شتافت	۱
أثمرّ : میوه داد	إحمرّّ : سرخ شد	۱۲	إستعدّّ : آماده شد	۱
أجابّ : جواب داد	الاختبار : آزمودن،	۲	إستمعّ : گوش داد	۱۱
أجرىّ : اجرا کرد	امتحان کردن	۹	أسرعّ : شتافت	۳
أجلّ : خاطر	أخلقّ : کهنه کرد	۱۰	أسمنّ : چاق کرد	۶
من أجلّ : به خاطر	الإخوة في الدين : برادران دینی	۱۰	إشترىّ : خرید	۴
الأجلّ : بزرگوارتر	أدخلّ : وارد کرد	۱۲	أشرفّ علیّ : نظارت کرد بر ...	۶

۱۴	أَوْقَعَ : انداخت	۱۶	الاکتساب : به دست آوردن،	مشهورتر، مشهورترین
۴	الاهتمام : توجه، عنایت	۳	کسب کردن	بزرگترین، تنومندترین
۱۵	الأهون : راحت تر	۳	الاكتفاء الذَّاتيّ : خودکفایی	جمع ضِعْف، چند برابر
		۱۳	أَكْمَلَ : کامل کرد	جمع ضَوْء، نورها،
	ب	۸	أَلْبَسَ : پوشاند	پرتوها
۴	بَارَكَ : برکت داد	۱۱	الأنثى : زن، مؤنث	۱ اطاعت کرد
۱۳	بَاعَ : فروخت	۸	أَنشَدَ : سرود، خواند	۱۲
۴	بَالِغَ : مبالغه کرد	۵	الإنشراح : گشایش، فَرَاخِي	الأظلم : ستمکارتر، ستمکارترین
۱۱	البَحِيرَة : دریاچه		أَنْصَتَ : خاموش شد،	أظهِرَ : نمایان ساخت، آشکار کرد
۱	بَدَّلَ : تبدیل کرد، تغییر داد	۸	سکوت کرد	۱۱
۱۰	بَدَّلُ : صرف کرد، خرج نمود	۱۳	إِنْصَرَفَ : رفت	۷
۱۵	البُدُور : جمع بَدْر : دانه ها	۱۲	إِنْطَلَقَ : راهی شد، روانه شد	۷
۴	البِرّ : نیکی	۹	إِنْفَجَرَ : بیرون زد، منفجر شد	۴
۸	البُرْدَة : گونه ای عبا	۲	أَنْقَضَ : سنگین کرد، خم کرد	۱۰
۹	البرمیل : بشکه	۱	إِنْقَلَبَ : دگرگون شد	۶
۳	البُرُودَة : سردی	۱۱	أَنْكَرَ : انکار کرد	۱۲
۷	الْبَسَطُ : گسترش	۳	أَوْحَى : وحی کرد	۸
۷	أَبْسَطُ وَجْهَكَ : گشاده رو باش	۱۴	أَوْرَقَ : برگ داد، برگ درآورد	۵
۵	البَسَمَات : ج البَسْمَة : لبخندها	۱۲	أَوْشَكَ : نزدیک بود	۶
۱۵	الْبَسِيطُ : ساده	۳	أَوْصَلَ : رساند	۱۲
۵	بَشَّرَ : مزده داد		أَوْصَى : سفارش کرد،	۱۲
۱	البَصْرَ : چشم	۵	وصیت نمود	۱۴

۱۵	۶	الجَبَّار : خداوند مقتدر	تَعَاوَنَ : همکاری کرد	۱۵	بَيَّنَّ : بیان کرد، روشن ساخت
۱۴	۱۳	الجُبْنُ : ترس، بُزدلی	تَعِبَ : رنج برد، سختی کشید	۱۲	بَيْنَمَا : درحالی که
۱۱	۸	الجِدِّ : تلاش، جدیت	تَعَبَّدَ : عبادت کرد		
۶	۹	جَدَّدَ : تازه کرد، نو کرد	تَعَلَّمَ : یاد گرفت، آموخت		ت
		الجراثيم : جمع جُرثوم،	تَغَلَّبَ عَلَيَّ : چیره شد بر،	۹	التَّأَثَّرُ : واکنش، تأثیرپذیری
۱۶	۷	میکربها	غلبه کرد بر ...	۲	تَأَسَّفَ : افسوس خورد
۲	۱۲	الجِرَّةُ : کوزه	التَّقَدُّمُ : پیشرفت	۹	تَأَلَّفَ : تشکیل شد
۱	۸	جَرَّبَ : آزمود، آزمایش کرد	تَكَفَّلَ : به عهده گرفت	۷	تَبَاَحَثَ : گفتگو کرد
۸	۱۲	الجَرَسُ : زنگ	تَمَتَّعَ : بهره مند شد	۱۳	تَجَوَّلَ : گردش کرد، گشت زد
	۲	جَزَى : جزا داد، پاداش داد	تَنَزَّلَ : فرود آمد، پایین آمد		التحضير : آماده کردن،
۳	۶	جَعَلَ : گرداند، قرار داد	تَنَزَّهَ : گردش کرد	۱۰	مهیا ساختن
۱۴	۱۰	الجَنَاحُ : بال	التَّوَاصُلُ : باهم پیوند داشتن	۶	تَخَلَّصَ : نجات یافت، رها شد
۱۲	۹	الجُوعُ : گرسنگی	التَّوَسُّعُ : وسعت یافتن، باز شدن	۱۴	تَخَلَّقَ : آراسته شد، متخلَّق شد
	۸		تُوُفِّيَ : وفات یافت	۱۳	تَذَكَّرَ : به یاد آورد
	۱۱	ح	تَهَدَّمَ : ویران شد، خراب شد	۱۱	التَّمَرُ : خرما
۵		الحاذِقُ : ماهر، زبردست		۶	تَسَابِقُ القَفْزِ : مسابقه پرش
۱۰		الحَارَ : داغ، سوزان	ث	۱۲	تَسَلَّقَ : بالا رفت، صعود کرد
۱	۷	حَارَبَ : نبرد کرد، جنگید	ثَبَّتَ : استوار شد، ثابت شد	۱۵	التشريد : آوارگی
۱۱	۷	الحَارِقَةُ : سوزاننده	ثَبَّتَ : استوار کرد	۲	تَصَدَّقَ : صدقه داد
۱	۸	حَاسَبَ : محاسبه کرد	الثَّقَلَيْنِ : انس و جن	۱۰	التَّضْحِيَّةُ : فداکاری
۱۵		حَاوَلَ : کوشید	ج	۱	تَعَارَفَ : آشنا شد (با یکدیگر)
۸	۴	الحَبْلُ : ریسمان	جالَسَ : همشینی کرد	۱۲	تَعَالَ : بیا

۱۱	الذَّكْرُ : مرد، مذکر	۲	الْحَرْفِيَّةُ : سُفَالِي	۹	الحُبُوبُ : جمع حَبِّ : دانه ها
		۱۲	حَسَفَ : تیره شد	۱۱	حَدَّرَ : هشدار داد، برحذر داشت
	ر	۱۱	حَشِيِيَّ : ترسید	۱۲	حَرَمَ : محروم کرد، بی بهره ساخت
۴	الرَّاعِي : سرپرست، مسئول	۹	حَصَّصَ : اختصاص داد	۱۵	الحِرْمَانُ : محرومیت
۱۲	رَاقَبَ : مراقبت کرد	۱۵	الْحُطَّةُ : نقشه، طرح	۸	حَسِبَ : پنداشت، گمان کرد
۸	رَجَأُ : امید داشت	۱۲	خَطَفَ : ربود، دزدید	۱	الحَسَنَةُ : پاداش نیک
۱۱	الرَّجْسُ : پلیدی، ناپاکی	۹	خَفَّفَ : کم کرد، تخفیف داد	۷	حَصَدَ : درو کرد
۱۴	الرَّحَابُ : گستره	۹	الْخَلَايَا : جمع خَلِيَّةَ : سلول ها	۵	الْحِطُّ : نصیب، بهره
۲	رَحَبَ : خوش آمد گفت		د	۱۵	الحِقْدُ : کینه
۳	رَدَّأُ : برگرداند		د	۲	الحَقْلُ : دشت، مزرعه
۳	رَدَّ السَّلَامَ : پاسخ سلام را داد	۹	دَارَ : چرخید، گردید	۱۴	الحَكَمُ : داور
۲	الرَّضْوَانُ : بهشت	۵	الدَّاعِي : دعوت کننده	۲	حَلَمَ : بردباری کرد
۱	الرَّغْبَةُ : میل، چشم داشت	۸	دَانَى : نزدیک شد	۲	الحُلُو : شیرین
۱۱	رَفَضَ : رد کرد، نپذیرفت	۵	الدَّعَوَاتُ : جمع دَعْوَةَ : دعاها	۴	الحَم : خویشاوند شوهر
۲	رَفَعَ : بالا برد، بلند کرد	۲	دَمَعَ : اشک ریخت	۱۱	الحِمْلُ : بار
۹	الرُّكَّابُ : جمع راكب : مسافر	۲	الدُّمُوعُ : جمع دَمْعَ : اشک ها	۱۰	الحَنُونُ : مهربان
۱۴	الرَّمَالُ : جمع رَمْلُ : شن	۴	الدَّوْرُ : نقش		الحَنِينُ : شوق، اشتیاق،
۱	الرُّؤُوفُ : مهربان	۲	دَوَمًا : دائماً، همیشه	۲	نالِه از روی شوق و اشتیاق
	رَوَى : نقل کرد،		ذ	۱۰	الحِيَاكَةُ : بافتن، بافندگی
۸	روایت نمود	۷	ذَبَحَ : سر بُرید		خ
۹	الرِّيَاضِيَّةُ : ورزشی	۱۰	الدَّبِيحَةُ : قربانی، گوسفند سربریده		خَاطَبَ : خطاب کرد، صدا زد
۵	الرَّيْبُ : شک، تردید	۶	الدَّرَاعُ : ذرع، بازو		

۱۱	سَخَّرَ : مُسَخَّرٌ گرداند	۱۶	صَادَفَ : برخورد کرد، روبرو شد	۶
ز				
۲	السَّعِيرُ : قیمت، بها	۱۳	صَافَعَ : دست داد	۳
۱۲	السَّعِيدُ : مبارک، خوش یمن	۵	صَدَّرَ : صادر کرد	۸
۱۵	سَكَنَ : جای گرفت،		الصَّغَارُ : جمع صغیر :	
۱۴	مسکن گزید	۴	خردسالان، کوچکها	۷
۱۴	السَّلَامُ : صلح، آرامش	۱۲	الصَّغَرُ : کوچکی، بچگی	۱۰
۱۵	سَلَّمَ : سلام شد، شفا یافت	۸	صَفَحَ عَنْ ... : از... گذشت کرد	۴
۱۰	سَلَّمَ عَلَى ... : سلام کرد بر ...	۳	صَلَّى : نماز خواند	۸
۱۱	سَوَّدَ : سیاه کرد	۶	الصَّلَابَةُ : استواری	۱۴
۱۱	سَهَّلَ : آسان شد	۱۶	صَمَدَ : ایستادگی کرد	۱۵
	السِّيَادَةُ : سروری، آقای	۷	الصَّيْفِيَّةُ : تابستانی	۱۴
س				
۱۵	السَّائِدُ : رایج			
۷	السَّاحَةُ : میدان، حیاط			
۱	سَاعَدَ : کمک کرد،			
۱	سَاعَدَ : یاری رساند			
۲	السَّاهِرَاتُ : جمع ساهرة،			
۲	شب بیداران			
۶	السَّبَاقُ : مسابقه			
۱۵	سَبَبَ : باعث شد، سبب شد			
۲	سَبَّحَ : شنا کرد			
۱	سَبَّقَ : پیشی گرفت			
ش				
۱	شَاءَ : خواست	۱	ضَاقَ : تنگ شد،	
۳	شَتَمَ : دشنام داد	۳	شَتَمَ : دشنام داد	
۱	شَدَّ : محکم کرد، بست	۱۵	شَدَّ : محکم کرد، بست	
۴	الشَّمَالُ : چپ	۴	الشَّمَالُ : چپ	
۲	الشَّهِيرُ : نامدار، نامور	۳	الشَّهِيرُ : نامدار، نامور	
۶	شَخَّ : پمپاژ کرد	۹	شَخَّ : پمپاژ کرد	
۶	ضَرَّرَ : ضرر رساند	۶	ضَرَّرَ : ضرر رساند	
۲	الضَّمِيرُ : درون، باطن	۲	الضَّمِيرُ : درون، باطن	
۱۵	الضِّيَاعُ : گمراهی	۷	الضِّيَاعُ : گمراهی	
ص				
۲	صَادَ : شکار کرد	۲	صَادَ : شکار کرد	

۱۴	عَمَرْتُ : فراگرفت، پوشاند	۹	العُطَلَّة : تعطیلی	۳	صَيَّعَ : تباه کرد، نابود ساخت
۱	الغِنَى : بی نیازی	۱۳	عَظَمَ : بزرگ کرد	۶	الضَّيْف : مهمان
			عَظَمَ ذَنْبَهُ : گناهش را		
	ف	۱۳	بزرگ جلوه داد		ط
	فاز ب : نایل شد،	۱۳	العِقَاب : کیفر، مجازات	۹	الطَّباق : طبقه طبقه
۵	رستگار گردید	۱۴	علاؤ : بالا رفت	۴	طَمِعَ : طمع کرد، چشم دوخت
	فاقؤ : برتری یافت،	۱۲	العِمَاد : ستون		ظ
۸	پیشی گرفت	۳	العُمَال : جمع عامل : کارگران	۶	الظَّفَر : پیروزی
۸	الفالِج : فلج	۲	عندئذٍ : در این هنگام	۱۰	ظَلَّ : ماند، شد
۶	الفائِز : برنده	۷	العَنْزَة : بُز		
۷	الفِئَة : گروه، دسته	۱۲	العَنود : لجباز		ع
۹	الفريق : تیم، گروه	۳	العَوْن : یار، یاور، یاری کردن	۸	عافى : شفا داد
۴	الفصاحة : شیوایی			۶	عَدِمَ : از دست داد
۱۴	فَصَّلَ : شرح داد		غ		العُدَّة : ساز و برگ،
۱۶	فَضْل : به واسطه، به فضل	۱۳	الغادر : فریب کار	۲	ابزارهای لازم
۶	فَكَّرَ : فکر کرد، اندیشید	۱۰	العَدْر : فریب، مکر	۱۰	عَرَضَ : عرضه کرد
۱۵	الفَلَكِيُون : ستاره شناسان	۱۰	عَرَدَ : آواز خواند، چهچه زد	۲	العِرْض : آبرو
۱۵	فَانِيَ : فانی شد، از بین رفت	۱۲	عَزَلَ : ریسندگی کرد	۴	العرفان : شناخت، معرفت
۴	(فو - فا - فیه) : دهان	۸	العزوة : جنگ	۲	عزوجلّ : گرامی و بزرگ است
۴	في الحال : فوراً	۳	الغضبان : خشمگین	۱۲	عَسَى : امید است
	ق	۱	الغِلّ : کینه		العصافير : جمع عصفور :
۹	القائد : رهبر	۱۳	غليظ القلب : سنگدل	۱۰	گنجشکان

و	۴	المَوْتَى : جمع مَيّت : مردگان	۴	المُعِين : یاری کننده، یاور
۱۰	۹	الواجبات : تکالیف، وظایف	۴	المُعِیث : فریادرس
۴	۴	الوَتْرَ : زه کمان	۱	المِقْبَضُ : دستگیره
۲	۱۴	الوِزْر : بار، سنگینی	۸	المُقْتَحِم : هجوم آورنده
۲	۸	وَضَعَ : قرار داد	۱	المِقْرَاضُ : قیچی
۱۰		وَفَّرَ : فراهم کرد، مهیا نمود	۱	المُقِيم : به جا آورنده، برپاکننده
۱۰		وَفَّقَ : توفیق داد	۸	المَكْتَبُ : مكتب خانه
۷	۱۲	الوَفْقُ : براساس	۱۶	المُكْتَشِفُ : کاشف
۴		الوَلِيّ : دوستدار	۱	المِكْنَسَةُ : جارو
۱۶	۱۲	وَهَبَ : عطا کرد، بخشید	۹	مِلءٌ : ظرفیت، گنجایش
	۹	هـ	۲	مَلَأَ : پُر کرد
	۶	هـ	۱۵	المُلتَرِم : متعهد
۲	۲	هَتَفَ : فریاد زد	۱۴	المَنَائِرُ : جمع منارة : گلدسته ها
۱۱	۱۰	هَدَدَ : تهدید کرد	۸	المَنَامُ : خواب
۱۲	۱۴	هَدَمَ : ویران کرد	۸	المُنْتَجَاتُ : تولیدات
۷		هَزَمَ : شکست داد	۱	المِنشَارُ : ارّه
۸	۱۶	هَوَّلَ : ترس شدید	۲	المُنْدَرِسُ : کهنه، قدیمی
۱۴	۱۱	هَيَّا : بشتاب، شتاب کن	۸	مُنْفِصِم : سست، گسسته
		ی	۸	غیر مُنْفِصِم : محکم، سخت
۲	۱۲	الياسمين : گل یاسمن، یاسمن	۲	المُوَاسَاةُ : دلجویی
	۱۰			المَوَاعِيدُ : جمع میعاد :
			۴	وعده گاه ها



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را درباره‌ی مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳، ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفترتالیف کتاب های درسی ابتدایی و متوسطه نظری